آشنایی با ادیان توحیدی

استاد جواد باغبانی آرانی





آشنایی با ادیان توحیدی

مدرس: استاد جواد باغبانی آرانی

ارزیابی: استاد عبد الرحیم سلیمانی

تدوین: رضوان ایرجی/ اسماعیل اثباتی

ویرایش: پوران میرزایی

حروف‌چینی و صفحه‌آرایی: فاطمه کولیوند/ محمد جواد جهانی/ نرجس حسنلو

نیم‌سال دوم سال تحصیلی ۸۸ ـ ۸۷

ویراست دوم، اسفند ۸۷

فهرست.. صفحه

جلسهٔ اول

زردشتی‌گری (بخش نخست)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ وجه نام‌گذاری زردشت؛
- ✓ زمان و مکان حضرت زردشت (علیه السلام).

درآمد

ادیان را از جنبه‌های گوناگون دسته‌بندی می‌کنند. هر یک از این دسته‌بندی‌ها ناظر به جنبه‌ای از ویژگی‌های تاریخی، جغرافیایی، اجتماعی و فکری است. در یکی از این تقسیم‌بندی‌ها که همسو با ویژگی فکری و عقیدتی آن است، ادیان توحیدی (مانند یهودیت، مسیحیت، زردشتی‌گری و اسلام)، در مقابل ادیان غیر توحیدی (مانند هندوئیسم، بودیسم و شینتو و ...) قرار می‌گیرد.

ادیان توحیدی بر سه اصل توحید، نبوت و معاد استوارند و از این جهت با یکدیگر خویشاوندی دارند. ولی امروزه توحید مسیحیت با تثلیث،[1] و توحید آیین زردشت با ثنویت،[2] همراه است و هر دو دین می‌کوشند تثلیث و ثنویت خود را به هر قیمتی با توحید هماهنگ کنند. افراد متعهد، تسلیم تأویل‌های آنان نمی‌شوند و به پیروی از قرآن مجید، تثلیث را کفر می‌دانند.[3]

ادیان غیر توحیدی در توحید، نبوت و معاد هیچ شباهتی با اسلام ندارند. آن‌ها به جای توحید، به شرک و به جای نبوت، به حکمت (البته حکمتی که بت‌پرستی را هم تحسین می‌کند!) و به جای معاد، به تناسخ قائل‌اند.

در این مجموعه تنها با ادیان توحیدی آشنا می‌شویم و آن‌ها را بر اساس قدمتشان بررسی می‌کنیم.

آیین زردشت

وجه نام‌گذاری زردشت

زردشت در جامعه‌ای زندگی می‌کرد که مردم با دامپروری و کشاورزی زندگی می‌گذراندند. در چنین جامعه‌ای حیواناتی همچون اسب، گاو، شتر و گوسفند ارزش فراوانی دارند. در این راستا، نام بسیاری از افرادِ آن دوره پسوندی از نام این حیوانات را با خود دارد. از این رو، پدر زردشت «پورُوشَسب» به معنای دارندهٔ اسبِ

---

۱. «تثلیث» به معنای سه‌گانه‌پرستی، گرایشی است که از تاریخ ۱۸۰ میلادی پدیدار گشت و به تصور مسیحیان، ریشه‌های این مفهوم در عهد جدید احساس شد و عبارت اعطای حقّ تعمید در پایان انجیل متی، آن را به صراحت بیان کرده است: «ایشان را به اسم اب و ابن و روح القدس تعمید دهید»؛ *آشنایی با ادیان بزرگ*، حسین توفیقی، ص ۱۴۸.

۲. «ثنویت» به معنای دوگانه‌پرستی و گرایش زردشتیان به خدایان نیکی و بدی یا روشنایی و تاریکی است؛ همان، ص ۶۴.

۳. لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللهَ هُوَ الْمَسِيحُ ابْنُ مَرْيَمَ وَقَالَ الْمَسِيحُ يَا بَنِي إِسْرَائِيلَ اعْبُدُوا اللهَ رَبِّي وَرَبَّكُمْ إِنَّهُ مَنْ يُشْرِكْ بِاللهِ فَقَدْ حَرَّمَ اللَّهُ عَلَيْهِ الْجَنَّةَ وَمَأْوَاهُ النَّارُ وَمَا لِلظَّالِمِينَ مِنْ أَنْصَارٍ * لَقَدْ كَفَرَ الَّذِينَ قَالُوا إِنَّ اللهَ ثَالِثُ ثَلَاثَةٍ وَمَا مِنْ إِلَهٍ إِلَّا إِلَهٌ وَاحِدٌ وَإِنْ لَمْ يَنْتَهُوا عَمَّا يَقُولُونَ لَيَمَسَّنَّ الَّذِينَ كَفَرُوا مِنْهُمْ عَذَابٌ أَلِيمٌ ؛ مائده/ ۷۳ ـ ۷۲.

پیر، مادر زردشت «دُغدو» به معنای دوشندهٔ گاو، یا خود زردشت معادل «زرد اُشتر» یعنی دارندهٔ شتر زرد، نام گرفته‌اند. گاهی از زردشت با نام‌های دیگری مانند: زرتشت، زَرادُشت، زراتشت و زردهُشت یاد می‌شود.

زمان و قدمت زردشت

سه نظریهٔ مشهور در بارهٔ زمان زردشت وجود دارد:

۱. زردشت متعلق به قرن شانزدهم (ق. م) است. زیرا از دید زبان‌شناسی بخش‌های کهن اوستا «گاتَها» از زبان و متون «وِداها» جدیدتر نیست. وداها متعلق به ۱۵۰۰ ـ ۸۰۰ (ق. م) است. پس اوستا می‌تواند به این دوره متعلق باشد. ثانیاً متون اوستا در مقایسه با زبان کتیبه‌های دورهٔ هخامنشی بسیار کهن‌تر است.

۲. وی در سال ۶۶۰ (ق. م) به دنیا آمد و در ۶۳۰ (ق. م) به پیامبری مبعوث شد و در سال ۵۸۲ (ق. م) به شهادت رسید. یکی از دلایل این نظریه این است که نام پادشاهی که از زردشت حمایت کرد، گشتاسب (ویشتاسب) است. این نام با نام پدر داریوش از سلسلهٔ هخامنشیان یکی است. اوایل دورهٔ هخامنشیان به قرن ششم (ق. م) بر می‌گردد.

۳. برخی از فلاسفه و حکمایی که در قرن پنجم پیش از میلاد می‌زیستند ـ از جمله افلاطون ـ معتقدند که زمان وی به شش هزار سال قبل از میلاد بر می‌گردد. دلایل آنان این است که زندگی و تاریخ زردشت آن قدر در پردهٔ ابهام قرار دارد، که به شکل افسانه در آمده است. بنا بر این، زمان تقریبی وی به هزاران سال پیش و به طور مثال به شش هزار سال قبل باز می‌گردد.

به نظر می‌رسد نظریهٔ اول صحیح‌تر باشد.

مکان و زادگاه زردشت

سه نظر مشهور و یک نظر نادر در بارهٔ زادگاه زردشت وجود دارد:

۱. وی در ساحل دریاچهٔ ارومیه در آذربایجان به دنیا آمد. پس از این که به پیامبری برگزیده شد و قبیله‌اش دعوت او را نپذیرفتند، به شهر بلخ در شرق ایران روی آورد. برخی وجود آتشکدهٔ مقدسی در آن مکان را دلیلی بر این مدعا می‌دانند.

۲. زادگاه وی شهر ری (رِگا) است. او در خانواده‌ای که پدر اهل ری و مادر از آذربایجان بود، متولد شد. پس از بعثت به بلخ هجرت کرد. از دلایل این نظریه، ذکر نام ری در اوستا و محسوب شدن این شهر به عنوان یکی از مراکز مهم و مقدس زردشتیان است.

۳. زادگاه وی شرق ایران در یکی از نواحی خوارزم، مرو، سیستان یا خراسان است. دلیل این نظریه این است که زبان اوستا جزء شاخهٔ شرقی زبان‌های ایرانی است. او از زادگاهش به بلخ رفت و با حمایت گشتاسب دین خود را رواج داد.

۴. طبری، مورخ مشهور، در نظریهٔ ضعیفی، زردشت را از فلسطین می‌داند و می‌گوید او از آن جا به ایران آمد.

نظریهٔ اول صحیح‌تر و نظریهٔ طبری غیر قابل اتکا است.

هر سه دیدگاه، نخست معتقدند که زردشت در ایام جوانی به چوپانی مشغول بوده و وی حدود سی سالگی به پیامبری مبعوث شده است. ایشان از وطن خود به بلخ هجرت کرد و از سوی فرمانروای آن‌جا «ویشتاسب» پشتیبانی شد. وی در سن ۷۷ سالگی در حملهٔ «اَرجاسب» پادشاه توران به بلخ، کشته شد.

چکیده

- ✓ دسته‌بندی‌های مختلفی از ادیان در منابع دین‌شناسی صورت گرفته است.
- ✓ در مقابل ادیان توحیدی؛ ادیان غیر توحیدی قرار می‌گیرند. ادیان توحیدی مانند: زردشتی‌گری، یهودیت، مسیحیت، اسلام و ادیان غیر توحیدی مانند: هندوئیسم، بودیسم و شینتو.
- ✓ ادیان توحیدی به سه اصل توحید، نبوت، معاد و ادیان غیر توحیدی به شرک، حکمت و تناسخ معتقدند.
- ✓ زردشت معادل «زرد اُشتر» یعنی دارندهٔ شتر زرد است.
- ✓ گاهی از زردشت با نام‌های دیگری مانند زرتشت، زرداشت، زراتشت و زردهشت یاد می‌شود.
- ✓ سه نظریه در بارهٔ زمان زردشت مطرح است که قابل قبول‌ترین زمان، به قرن شانزدهم (ق.م) باز می‌گردد.
- ✓ دلیل کسانی که زمان زردشت را به شانزده قرن قبل از میلاد باز می‌گردانند، این است که زبان بخش‌های کهن اوستا «گاتَها» از زبان و متون «وِداها» جدیدتر نیست.
- ✓ حمایت پادشاهی به نام گشتاسب (ویشتاسب) پدر داریوش از سلسلهٔ هخامنشیان موجب شده است تا برخی زمان زردشت را شش قرن قبل از میلاد بدانند.
- ✓ ابهام زیاد در زندگی و تاریخ زردشت سبب شده است تا برخی از فلاسفه و حکما، زمان وی را به صورت تقریبی به شش هزار سال قبل از میلاد بر گردانند.
- ✓ سه نظریه در بارهٔ زادگاه حضرت زردشت وجود دارد: ارومیه، ری و شرق ایران. طبری زادگاه وی را فلسطین می‌داند که این نظریه، قول ضعیفی است.
- ✓ حضرت زردشت در سن ۷۷ سالگی در حملهٔ «ارجاسب» پادشاه توران به بلخ، کشته شد.

جلسهٔ دوم

زردشتی‌گری (بخش دوم)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ کتاب مقدس زردشتیان؛
- ✓ دیدگاه مسلمانان در بارۀ آیین زردشت؛
- ✓ برخی از عقاید، آداب و رسوم و اعیاد زردشتیان.

مروری بر مباحث پیشین

در مبحث گذشته، دین زردشت به عنوان اولین آیین توحیدی مطرح شد. وجه نام‌گذاری زردشت، زمان حضرت زردشت و قدمت این دین، در غالب نظریات مختلف بیان شد و صحبتی نیز در بارۀ زادگاه آن حضرت به میان آمد.

در این جلسه مباحث مربوط به آیین زردشتی را بررسی می‌کنیم.

کتاب مقدس زردشتیان

امروزه مجموعۀ مقدسی را که به زردشت نسبت داده می‌شود، «اوستا» به معنای اساس، بنیاد و متن می‌نامند. گفته می‌شود، *اوستا* که بر دوازده هزار پوست نوشته شده بود در حملۀ اسکندر به ایران، نابود شد و مطالب آن مدتی در سینه‌ها نگهداری می‌شد؛ بعدها به خط و زبان اوستایی که در دورۀ ساسانیان پدید آمده بود، نوشته شد. اوستای اصلی از اوستای موجود چهار برابر بزرگ‌تر بوده است.

اوستا به پنج بخش تقسیم می‌شود:

۱. «یَسْنا» یعنی جشن و پرستش. یسنا ۷۲ فصل دارد که هفده فصل آن را «گاتَها» یعنی «سرود» تشکیل می‌دهد. گات‌ها مهم‌ترین بخش یسنا هستند که تألیف آن را به خود زردشت نسبت می‌دهند؛

۲. «یَشْت‌ها» یعنی نیایش سرود و تسبیح. این بخش نشان‌دهندۀ عقاید آریایی‌های قدیم پیش از زردشت است و مغان (روحانیون) زردشتی آن را به *اوستا* ملحق کردند؛

۳. «ویسْپِرَد» یعنی همۀ سروران. این بخش شامل نیایش است و در عبادت و جشن‌ها خوانده می‌شود؛

۴. «وِنْدیداد» یعنی قانون ضدّ دیو. این بخش شامل مطالبی در بارۀ حلال و حرام و نجس و پاکی است؛

۵. «خُرده اوستا» یعنی اوستای کوچک. خرده اوستا برگزیده و خلاصه‌ای از دیگر بخش‌های *اوستا* است و در بارۀ اعیاد و مراسم مذهبی و تعیین سرودهای آن‌ها است.

زردشتیان افزون بر *اوستا*، تفسیری به نام «زند اوستا» و کتاب‌های مقدس دیگر به زبان پهلوی نیز دارند.

دیدگاه اسلام در بارۀ آیین زردشت

زردشتیان با عنوان‌هایی چون گبر، مجوسی و پارسی خوانده می‌شوند. کلمۀ «گبر» در زبان سریانی به معنای کافر است. واژۀ «المجوس» در عربی، اسم جنس جمعی و مفرد آن «مجوسی» است. عنوان

«المجوس» در قرآن کریم آمده است.[٤] اکثر مفسران، مجوس را در آیۀ شریف همان زردشتیان می‌دانند. از آن جا که مجوس در ردیف اهل کتاب آمده است، بسیاری، آنان را اهل کتاب می‌دانند. احادیثی نیز این قول را تأیید می‌کند.[٥]

اصول اعتقادی دین زردشت

آیین زردشت مانند دیگر ادیان توحیدی بر سه اصل توحید، نبوت و معاد، استوار است.

الف) اصل توحید

زردشت از میان خدایان متعدد آریائیان قدیم، یکی را بر گزید. او را «اهورامزدا» نامید و دیگر خدایان را «دیو» دانست. صفاتی که در «گات‌ها» برای اهورامزدا آمده، همان صفاتی است که در «قرآن» برای «الله» آمده است. اهورامزدا خدایی است حکیم، برتر، خالق همۀ موجودات، دانا، توانا، مهربان و ... ارادۀ او به وسیلۀ فرشتگان «اَمشاسْپِندان» یعنی جاویدان مقدس به فعل در می‌آید. کسی نمی‌داند گرایش زردشتیان به خدایانِ دوگانه، یعنی خدای نیکی و خدای بدی یا خدای روشنایی و خدای تاریکی، در چه عصری آغاز شده است. در قسمت گات‌ها (از *یَسْنای اوستا*) که به خود زردشت نسبت داده می‌شود، «اهریمن» در برابر «خرد مقدس» صف‌آرایی می‌کند و نه در برابر اهورامزدا که خدای واحد و فوق پروردگاران روشنایی و تاریکی است. به مرور زمان اهریمن در برابر اهورامزدا قرار می‌گیرد.

ب) اصل نبوت

زردشت خود را به عنوان پیامبری که از جانب اهورامزدا مبعوث شده است، معرفی کرد. فرشته‌ای که پیام اهورامزدا را به زردشت می‌رساند و تقریباً شبیه جبرئیل در دین اسلام است، «وُهومَن» (بهمن) نام دارد. شش فرشته بین خداوند و جهان آفرینش واسطه‌اند. آنان عبارت‌اند از:

۱. وُهومَن (بهمن، مظهر پندار نیک)؛
۲. اَشه وَهیشته (اردیبهشت، مظهر راستی و نظم)؛
۳. خَشَثْره وائیریه (شهریور، مظهر قدرت)؛
۴. هَئْورتات (خرداد، مظهر کمال)؛
۵. اَمرتات (مرداد، فرشتۀ جاودانگی)؛
۶. سِپِنته ارمَئیتی (اسفند، مظهر باروری).

رهبری این دستیاران اهورامزدا به عهدۀ «سِپِنتامِئینو» است. نام ماه‌های شمسی کنونی به نام فرشته‌های این آیین است.

ج) اصل معاد

زردشت به‌روشنی در بارۀ معاد و روز رستاخیز سخن گفته است. در این دین روح پس از جدا شدن از

---

٤. إِنَّ الَّذِينَ آمَنُوا وَالَّذِينَ هَادُوا وَالصَّابِئِينَ وَالنَّصَارَى وَالْمَجُوسَ وَالَّذِينَ أَشْرَكُوا إِنَّ اللهَ يَفْصِلُ بَيْنَهُمْ يَوْمَ الْقِيَامَةِ إِنَّ اللهَ عَلَى كُلِّ شَيْءٍ شَهِيدٌ ؛ حج/ ۱۷.

۵. *اصول کافی*، کلینی، ج ۳، ص ۵۶۸ ـ ۵۶۷، روایت چهارم.

جسم تا روز رستاخیز در برزخ می‌ماند، در قیامت حسابرسی می‌شود، نامهٔ اعمال، بهشت و جهنم، پل صراط (جینوات) و ... وجود دارد. به مرور این اصل دچار تغییراتی شد. به عنوان مثال عقیده بر این شد که روح چون از بدن خارج شد، به صورت حشرهٔ کوچکی سه روز در اطراف جسد پرواز می‌کند و در شب چهارم در برزخ از سوی «مهر یا میترا» حساب‌رسی می‌شود؛ و یا این که به خاطر تقدس آتش، جهنم زردشتیان سرد و یخبندان است.

سنت‌ها، آداب و رسوم در آیین زردشت

برخی از آداب، اعیاد و سنت‌های زردشتیان به این شرح است:

الف) نشانه‌های زردشتی؛ به دو بخش باطنی و ظاهری تقسیم می‌شود:

۱. نشان باطنی؛ عبارت است از سه اصل «هومته»، «هوخته»، «هورشته» به معنای پندار نیک، گفتارِ نیک و کردار نیک. اعتقاد به این سه اصل خوشبختی بشر را به ارمغان می‌آورد.

۲. نشان ظاهری؛ سدره‌پوشی است. سدره؛ لباسی سفید، گشاد و آستین‌کوتاه و بدون یقه است که هر زردشتی هنگام تکلیف زیر لباس به تن می‌کند. این لباس را مقام روحانی یعنی «موبد» به فرد می‌پوشاند و به منزلهٔ زره و جوشنی است که پوشنده را از شرّ تمایلات نفسانی حفظ می‌کند. سدره با کمربند ۷۲ نخی‌ای که به شش قسمت دوازده نخی تقسیم شده است و کُشتی نام دارد، سه دور به کمر بسته می‌شود این عمل نمادی است از این که یک زردشتی کمر خود را در مقابل وساوس شیطانی محکم می‌بندد. زنان در ایام عادت نمی‌توانند آن را بپوشند. مراسم سدره‌پوشی قبلاً در پانزده سالگی و امروزه در ۸ ـ ۷ سالگی اجرا می‌شود.

ب) آداب شهرنشینی؛ زردشتیان به آبادانی، عمران، کشاورزی، دامداری و شهرنشینی اهمیت می‌دهند.

ج) روزه؛ در آیین زردشت روزه به شکل گرسنگی و تشنگی ممنوع است و روزه چیزی جز پرهیز از گناه و دوری از اعمال زشت نیست.

د) نماز؛ زردشتیان نمازهای پنج‌گانه دارند.[۶]

هـ) آداب تدفین؛ پیش از این زردشتیان اجساد مردگان خویش را در دخمه‌ای که در فضای آزاد تعبیه شده بود، قرار می‌دادند تا طعمهٔ لاشخوران شوند. مدت‌ها است این مراسم برچیده شده است.

و) اعیاد و جشن‌ها؛ برخی از جشن‌های زردشتی عبارت‌اند از نوروز، جشن خرداد (روز تولد زردشت)، جشن تیرگان (به یاد پیروزی ایرانیان بر تورانیان)، جشن مهرگان (به یاد قیام کاوهٔ آهنگر بر ضحاک)، جشن سده در دهم بهمن (به مناسبت گذشت صد روز از اول زمستان)، جشن پنجه (پنج روز پیش از نوروز) و جشن گاه‌انبار (هنگام برداشت محصول).

ز) ازدواج؛ در آیین زردشت تعدد زوجات و طلاق نیست.

سرانجام حضرت زردشت (علیه السلام)

به عقیدهٔ زردشتیان، زردشت در ایام جوانی در حدود سی سالگی به پیامبری مبعوث شد. مردم منطقه‌ای که زردشت در آن به پیامبری برگزیده شد، دعوتش را نپذیرفتند؛ وی سرانجام به بلخ در شرق ایران

---

۶. *خلاصهٔ ادیان*، محمد جواد مشکور، ص ۱۰۹.

مهاجرت کرد، فرمانروای آن جا به نام «ویشتاسب» به او ایمان آورد و حضرت زردشت را پشتیبانی نمود و در نبردی که میان تورانیان و ایرانیان در منطقهٔ بلخ روی داد، در سن ۷۷ سالگی به شهادت رسید.

چکیده

- ✓ کتاب مقدس زردشتیان «اوستا» نام دارد و دارای بخش‌های پنج‌گانهٔ (یسنا، یشت‌ها، ویسپرد، وندیداد و خرده اوستا) است. زند اوستا تفسیر *اوستا* است.
- ✓ به عقیدهٔ زردشتیان، مؤلف هفده فصل انتهایی بخش «یسنای اوستا» یعنی «گات‌ها» حضرت زردشت است.
- ✓ برخی از مفسران، زردشتیان را در شمار اهل کتاب می‌دانند.
- ✓ خدای زردشت به نام «اهورامزدا» همان صفات «الله» در اسلام را دارد.
- ✓ زردشتیان در بارهٔ رستاخیز و ویژگی‌های آن در مواردی با مسلمانان وجه اشتراک دارند.
- ✓ به عقیدهٔ زردشتیان عمل به سه اصل (پندار نیک، گفتار نیک و کردار نیک) خوشبختی را به ارمغان می‌آورد.
- ✓ در آیین زردشت روزه نیست، اما نمازهای پنج‌گانه خوانده می‌شود.
- ✓ زردشتی‌گری آیینی است با جشن‌های فراوان.

جلسهٔ سوم

مانویت، مزدک

اهداف درس

آشنایی با:
- ✓ سرگذشت مانی؛
- ✓ منابع، تعالیم و مبانی مانوی؛
- ✓ سرگذشت، قیام و دیدگاه‌های مزدک.

مروری بر مباحث پیشین

در مباحث جلسهٔ گذشته، آیین زردشت و کتاب *اوستا* به عنوان مجموعهٔ مقدسی که بخش اندکی از آن بر جای مانده است، معرفی و مشخص شد که از نظر اسلام آیین زردشتی یک دین توحیدی است که بر سه اصل توحید، نبوت و معاد استوار است. در پی بررسی اصول اعتقادی، برخی از آداب و اعیاد در این آیین، نیز معرفی شد. در این جلسه به آیین مانی و مزدک می‌پردازیم.

مانویت

در ابتدای بحث باید متذکر شد که بر اساس قدمت ادیان، پرداختن به آیین یهودیت بر ادیان توحیدی دیگر مقدم است، اما از آن جایی که بررسی آیین زردشت با مانویت کامل می‌شود و مانویت ترکیبی است از آیین زردشتی و مسیحیت؛ با عناصری از آیین صابیان و بودیسم، سزاوار است که بعد از آیین زردشت به بررسی آن اقدام شود.

مانویت در فاصلهٔ میان ظهور مسیحیت و اسلام پدید آمد و در مدت کوتاهی فراگیر شد و پیروانی پرشور و بااخلاص گرد آورد. اصول عرفانی و انسانی این آیین به گسترش آن شتاب داد و آن را در شرق تا چین و در غرب تا مرکز اروپا پیش برد. حاکمان ایران، روم و سرزمین‌های دیگر با مانویان از درِ خصومت در آمدند و دسته دسته آن‌ها را کشتند و سرانجام، محکمهٔ تفتیش اروپا آخرین گروه مانویان را در قرن سیزدهم میلادی نابود کرد.

سرگذشت مانی

مانی در یک خانوادهٔ ایرانی در ۲۱۶ میلادی در شهر «بابِل» متولد شد. پدرش «پاتِک» نامیده می‌شد که از همدان به بابل رفته و آیین صابیان را پذیرفته بود.

مانی در حالی که نوزده سال داشت، فرشته‌ای به نام «توم» بر او فرود آمد و گفت: از من و از خدایی که مرا به سوی تو فرستاده و تو را بر گزیده است، بر تو درود باد. خدا فرمود که تو مردم را به راه راست بخوانی و از سوی او راستی و درستی را مژده دهی. یک بار دیگر نیز در ۲۴ سالگی همین پیام برای او آمد، مانی؛ این بار ادعای رسالت کرد و برای تبلیغ آیین خود به سرزمین‌های مختلف رفت. وی در سال ۲۴۳ میلادی هنگام تاج‌گذاری «شاپور اوّل» نزد او آمد و وی را به دین خود دعوت کرد. شاه از او استقبال کرد. وی نیز کتابی به پهلوی ساسانی نوشت و آن را «شاپورگان» نامید. وی برای تبلیغ دین خود به آسیای میانه نیز سفر کرد و پس

از بیست سال در زمان «بهرام اوّل» به ایران باز گشت. این پادشاه با مانی دشمنی کرد و او را در سال ۲۷۴ میلادی کشت. داستان پوست کندن او نیز در منابع آمده است.

پیروان مانی پس از او مانویت را تبلیغ کردند و حتی آن را به قسمت‌هایی از اروپا و چین گسترش دادند. بیش‌تر مانویان در آسیای میانه بودند. این آیین بر اثر فشار زردشتیان و مسیحیان ضعیف شد و پس از چندی با گسترش اسلام تقریباً از میان رفت. اقلیت‌هایی از مانویان در مناطقی مانند «بوسنی هرزگوین» تا قرن‌ها باقی ماندند و سرانجام، نابود شدند. برخی از نهضت‌های ملی ایرانیان در قرون نخست اسلام، از مانویت الهام می‌گرفت؛ همچنین، برخی زندیقان قرون نخست اسلام، گرایش‌های مانوی داشتند.

منابع مانوی

بسیاری از منابع مانوی، قرن‌ها پس از ظهور اسلام وجود داشته و مطالبی از آن‌ها در کتب تاریخی قدیم نقل شده است. این کتاب‌ها اندک اندک از میان رفت تا این که اخیراً تعداد زیادی از آثار مانوی، در شهر «تورفان» در ترکستان چین از زیر خاک بیرون آمد و بر اطلاعات موجود در زمینۀ شناسایی آیین مانویت افزود.

یکی از نوآوری‌های مانی این بود که با در نظر گرفتن بی‌سوادی عموم مردم، از نقاشی استفاده می‌کرد و علاوه بر نوشتن مطالب دینی، آن‌ها را نقاشی می‌نمود و در مجموعه‌ای به نام «ارژنگ» جمع می‌کرد که بقایای آن اخیراً کشف شده است. برخی دیگر از کتاب‌های او و پیروانش نیز مصَوَّر بودند.

مانی، نویسندۀ شش کتاب زیر بوده است:

۱. *شاپورگان* که به زبان پهلوی بوده و قطعاتی از آن در «تورفان» کشف شده است؛
۲. *اَنگلیون* (انجیل)، این کتاب مصَوَّر بوده و احتمالاً همان *ارژنگ* است؛
۳. *گنجینۀ زندگان*، شامل احکام؛
۴. *پراگماتیا* (کتاب جامع)؛
۵. کتاب *رازها*؛
۶. کتاب *دیوها*.

تعالیم و مبانی مانوی

مانی می‌گفت: «حکمت و حقیقت الهی را پیامبران در زمان‌های مختلف و سرزمین‌های گوناگون نشر دادند. روزگاری بودا در هندوستان، زمانی زردشت در ایران، هنگامی عیسی در فلسطین و اکنون من، مانی پیغمبر خدا هستم و برای نشر حقایق در سرزمین بابل مأموریت دارم». بسیاری از تعالیم مانی بر مسیحیت و زردشتی‌گری استوار است و جنگ نور و ظلمت در تعالیم این آیین نقش مهمی را عهده‌دار است.

جامعه‌شناسی مانوی: مانویان جامعه را به پنج طبقۀ دینی تقسیم می‌کردند:

۱. «فِریستگان یا فَریشتگان» که دوازده تن بودند و جانشینان مانی شمرده می‌شدند؛
۲. «ایسپاساگان» یا اسقفان که ۷۲ تن بودند؛
۳. «مَهیشتگان یا کشیشان» که ۳۶۰ نفر بودند؛
۴. «ویزیدگان یا گزیدگان» که شمارشان بسیار بود و دین مانی را تبلیغ می‌کردند؛

۵. «نَغوشاکان یا نیوشندگان» که اکثر پیروان مانی از این گروه بودند و شمارشان از همه بیش‌تر بود.

اخلاق و رفتار مانوی: مانویان، تحت تأثیر آیین زردشت، سه اصل اخلاقی را رعایت می‌کردند و آن‌ها را سه مُهر می‌نامیدند:

۱. مهر دهان (پرهیز از گفتار زشت)؛

۲. مهر دست (پرهیز از کردار زشت)؛

۳. مهر دل (پرهیز از پندار زشت).

طبقات اوّل تا چهارم حقّ ازدواج و مال‌اندوزی نداشتند.

پیروان مانی گیاه‌خوار بودند.

عبادت مانوی: مانویان نماز و روزه داشتند و معبد خود را «خانگاه» می‌نامیدند که همان «خانقاه» صوفیان دوران اسلام است.[۷]

آیین مزدک

از آن جا که مزدک خود را پیرو شخصی به نام «بوندوس» می‌دانست که در حدود سال سیصد میلادی اصلاحاتی در مانویت پدید آورده بود و در ایران و روم پیروانی داشت، بررسی آیین مزدک بعد از مانویت و پیش از پرداختن به یهودیت از اهمیت خاصی برخوردار است.

مزدک آیینی اجتماعی دارد و از لابه‌لای یک بحران اجتماعی پدید آمده است. وی مردم را در زمان تنگی بر انگیخت آن سان که به انبار غله هجوم برند و از این راه شهرت وی بالا گرفت. به گفتهٔ شاهنامهٔ فردوسی:

> روزی مزدک، مردم گرسنه و بینوا را در اطراف کاخ پادشاه دید که از او نان می‌خواهند. او که در دربار منصبی داشت، از پادشاه پرسید: اگر کسی را مار گزیده و در حال مردن باشد، ولی دوست یا همسایهٔ او نوش‌دارویی داشته باشد و از دادن آن مضایقه کند، با این شخص چه باید کرد؟ قباد پاسخ داد: سزای وی مرگ است. مزدک پرسید: اگر مردم نیازمند نان باشند و کسی که نان دارد، به ایشان ندهد، سزای او چیست؟ قباد پاسخ داد: سزای او نیز مرگ است.
>
> مزدک به مردم گفت: به انبارها هجوم برید و موادّ خوراکی را بر دارید تا از گرسنگی نجات یابید. هنگامی که آنان چنین کردند، قباد مزدک را مؤاخذه کرد. مزدک گفت: مردم گرسنه بودند و انبارها انباشته و من این کار را طبق نظر خود شما انجام دادم.[۸]

از آن پس، مزدک شهرت یافت و قباد نیز مکتب اشتراکی او را پذیرفت و از گسترش آن پشتیبانی کرد. اشراف و موبدان زردشتی، بر ضدّ مزدک قیام کردند و حتی قباد را که به دین وی در آمده بود، از سلطنت بر داشتند. قباد توانست دوباره تخت و تاج خود را به دست آورد، اما دیگر از مزدکیان پشتیبانی نکرد. پسر و جانشین وی، «انوشیروان» که از سوی اشراف و موبدان حمایت می‌شد، به سال ۵۲۸ میلادی مزدک و بسیاری از پیروانش را کشت. گروهی از آنان که جان در بردند، خود را پنهان کردند و تا چند دهه پس از ظهور اسلام گاه و بی‌گاه خود را نشان می‌دادند. برخی زندیقان قرون نخست اسلام گرایش‌های مزدکی داشتند.

---

۷. مشروح اعتقادات مانویان در دو سخنرانی مهمّ سید حسن تقی‌زاده آمده و در کتاب *مانی و دین او* نیز چاپ شده است.

۸. *آشنایی با ادیان توحیدی*، حسین توفیقی، ص ۷۰.

سرگذشت مزدک

مزدک پسر بامداد در زمان قباد (پادشاهی ۵۳۱ ـ ۴۸۸ م) از میان دانایان و دانشمندان از شهر «مازاریا» در کنار دجله که اکنون «کوت العماره» خوانده می‌شود، برخاست. تاریخ‌نگاران، حتی آنانی که با وی مخالف بوده‌اند، به خرد، منطق و صفات برجستهٔ او اشاره کرده‌اند. می‌گویند او مردی پرهیزکار بود و لباس ساده‌ای بر تن می‌کرد. مزدک هیچ گاه ادعای پیامبری نداشت.

اندیشه‌ها و دیدگاه‌های مزدک

اندیشه‌های مزدک در کتابی به نام *مزدک‌نامه* گرد آمده بود که پس از ظهور اسلام به دست «ابن المقفّع» به عربی ترجمه شد و قرن‌ها وجود داشت، ولی اکنون یافت نمی‌شود. مزدک از جهاتی با «کنفوسیوس و افلاطون» شباهت دارد؛ زیرا مکتب وی کاملاً سیاسی و اجتماعی است. مزدک، گونه‌ای از اشتراک در اموال را تبلیغ می‌کرد. برای بر انداختن اختلاف طبقاتی می‌کوشید و ازدواج میان اشراف و غیر اشراف را جایز می‌دانست.

چکیده

- ✓ آیین مانوی ترکیبی است از آیین زردشتی و مسیحیت با عناصری از آیین صابیان و بودیسم.
- ✓ آخرین گروه مانویان در قرن سیزدهم میلادی در اروپا نابود شدند.
- ✓ مانی در سال ۲۲۸ میلادی ادعای رسالت کرد و برای تبلیغ آیین خود به سرزمین‌های مختلف رفت. وی شاپور اوّل را به دین خود دعوت نمود و شاه از او استقبال کرد.
- ✓ مانی به دست بهرام اوّل، پادشاه ایران، در سال ۲۷۴ میلادی کشته شد.
- ✓ شش کتاب *شاپورگان*، *انگلیون* (انجیل)، *گنجینهٔ زندگان* شامل احکام، *پراگماتیا* (کتاب جامع)، کتاب *رازها* و کتاب *دیوها* از مانی است.
- ✓ مانویان جامعه را به پنج طبقهٔ دینی تقسیم می‌کردند: فریستگان یا فریشتگان، ایسپاساگان یا اسقفان، مهیشتگان یا کشیشان، ویزیدگان یا گزیدگان و نغوشاکان یا نیوشندگان.
- ✓ آیین مزدک به‌شدت اجتماعی است و از درون یک بحران اجتماعی پدید آمد.
- ✓ مزدک خود را پیرو شخصی به نام بوندوس می‌دانست که در حدود سال سیصد میلادی اصلاحاتی در مانویت پدید آورده بود. وی هیچ گاه ادعای پیامبری نکرد.
- ✓ کتابی به نام «مزدک‌نامه» اندیشه‌های مزدک را در بر دارد.
- ✓ از جمله اندیشه‌های مزدک این بود که گونه‌ای اشتراک در اموال را تبلیغ می‌کرد، برای بر انداختن اختلاف طبقاتی می‌کوشید و ازدواج میان اشراف و غیر اشراف را جایز می‌دانست.

جلسهٔ چهارم

یهودیت

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ یهود از نظر قرآن کریم؛
- ✓ نام‌های گوناگون پیروان حضرت موسی (علیه السلام)؛
- ✓ اصطلاحات صهیونیزم، اسرائیل و یهودیت.

مروری بر مباحث پیشین

در مباحث گذشته، دین زردشتی و دو آیین مانویت و مزدک بررسی شد؛ مانویت ترکیبی از آیین زردشت و مسیحیت است که با عناصری از آیین صابی و بودیسم تلفیق شده است. در فاصلهٔ میان ظهور مسیحیت و اسلام به وجود آمد و در قرن سیزدهم میلادی به‌کلی از بین رفت. مزدک نیز در سال سیصد میلادی به عنوان شاخه‌ای از مانویت پدید آمد و تا چند دهه پس از ظهور اسلام دوام یافت.

در این جلسه، در پی بررسی و مطالعه در بارهٔ ادیان توحیدی، به آیین یهودیت می‌پردازیم.

یهود از نظر قرآن کریم

در مجموعهٔ ادیان توحیدی، دینی که از نظر معارف به اسلام شباهت‌هایی دارد، یهودیت است. این دین علاوه بر سه اصل توحید، نبوت و معاد در برخی از احکام نیز به اسلام نزدیک است و حتی نام‌های برخی از فرشتگان مانند جبرئیل و میکائیل به عبری در قرآن کریم آمده است. با این حال نباید فراموش کرد که خدای متعال یهودیان را اوّلین کافران به قرآن مجید می‌داند.[۹]

قرآن کریم عقاید باطلی را به یهودیان نسبت داده و ایشان را به سبب آن عقاید سرزنش کرده است:

الف) عُزیر پسر خدا است؛[۱۰]

ب) خدا فقیر است و ما غنی هستیم؛[۱۱]

ج) دست خدا بسته است.[۱۲]

د) قرآن کریم دشمنی با جبرئیل را نیز تلویحاً به آنان نسبت داده است.[۱۳]

یهودیان این موارد را انکار می‌کنند و به همین علت، مفسران قرآن گفته‌اند حتماً این‌ها قول برخی از یهود بوده و خدای متعال، به سبب رضایت بقیه، آن‌ها را به همهٔ ایشان نسبت داده است.[۱٤]

---

۹. بقره/ ۴۱.

۱۰. توبه/ ۳۰.

۱۱. آل عمران/ ۱۸۱.

۱۲. مائده/ ۶۴.

۱۳. بقره/ ۹۷.

۱٤. *المیزان فی تفسیر القرآن*، ذیل آیهٔ سی‌ام سورهٔ توبه.

پیروان حضرت موسی (علیه السلام) و نام‌های آنان

اغلب پیروان حضرت موسی (علیه السلام) با چهار نام خوانده می‌شوند:
عبرانیان، بنی اسرائیل، یهودیان و کلیمیان. حال به طور اجمال به وجه تسمیهٔ این اسامی اشاره می‌شود:

الف) عبرانیان

به دو دلیل پیروان حضرت موسی (علیه السلام) را عبرانی می‌خوانند:

۱. نظر مورخان: حضرت ابراهیم (علیه السلام) جدّ اعلای قوم یهود، حدود دو هزار سال پیش از میلاد در شهر «اور»، بابِل، به دنیا آمد. سال‌ها بعد، وی برای ورود به کنعان از رود فرات عبور کرد. کنعانیان به اعتبار مادهٔ «ع ب ر» به معنای گذر کردن او را «عبرانی» خواندند. این لقب، بعدها بر فرزندان او از جمله حضرت موسی (علیه السلام) و پیروانش نیز گفته شد.

۲. سفر پیدایش: در سلسلهٔ اجداد حضرت ابراهیم (علیه السلام) شخصی به نام «عابر» وجود دارد.[۱۵]

به این اعتبار ابراهیم (علیه السلام) «عبرانی» خوانده شد. این لقب، بعدها بر فرزندان او از جمله حضرت موسی (علیه السلام) و پیروانش نیز گفته شد.

ب) بنی اسرائیل

حضرت یعقوب (علیه السلام) فرزند حضرت اسحاق (علیه السلام) و نوهٔ حضرت ابراهیم (علیه السلام) است. بنا بر آنچه در *تورات* آمده است، یعقوب (علیه السلام) به اسرائیل ملقب شد. او دوازده پسر داشت. هر یک از آنان یک سبط از اسباط دوازده‌گانه را تشکیل می‌دهند. آنان پس از ورود به سرزمین مصر در زمان عزیزی یوسف (علیه السلام) به «بنی اسرائیل» معروف شدند. امروزه به همین اعتبار به پیروان موسی (علیه السلام) بنی اسرائیل گویند.

ج) یهودیان

دوازده سبط بنی اسرائیل، حکومت یک‌پارچه‌ای را تا زمان حضرت سلیمان (علیه السلام) تشکیل دادند. بعد از حضرت سلیمان (علیه السلام) حاکمیت منسجم بنی اسرائیل به دو دولت تجزیه شد. دو سبط «بنیامین» و «یهودا» به رهبری «رِحُبعام»، پسر حضرت سلیمان (علیه السلام) در جنوب کنعان دولت یهودا را تشکیل دادند. ده سبط دیگر به رهبری یکی از استانداران حضرت سلیمان (علیه السلام) به نام «یِرُبعام»، در شمال کنعان دولت اسرائیل را تشکیل دادند. قدس در بخش جنوبی قرار داشت. دولت اسرائیل یکصد سال زودتر از دولت یهودا و حدود هفت قرن قبل از میلاد به دست «آشوریان» متلاشی شد. دولت یهودا نیز یکصد سال بعد یعنی شش قرن پیش از میلاد به دست پادشاه بابِل «بخت‌نَصّر» یا «نبوکَدنصّر» از بین رفت. ساکنان این منطقه به صورت اسیر به بابِل کوچ داده شدند. ساکنان بومی بابل، اسیران را به نام سرزمین یهودا، «یهودی» خواندند. یهودا نام یکی از فرزندان حضرت یعقوب (علیه السلام) بود.

---

۱۵. پیدایش ۱۰/ ۲۴ و ۱۴/۱۱.

د) کلیمیان

به واسطهٔ جنایات رژیم اشغالگر اسرائیل، نفرت از یهود سراسر جهان را فرا گرفته است. امروزه یهودستیزی در سطح جهان با عنوان «ضدّیت با نژاد سامی»[١٦] شهرت یافته است. نفرت از یهود به واژه‌های «یهودی» و «Jew» نیز سرایت کرده و به همین دلیل، واژه‌های «کلیمی» و «Jewish person» جای آن‌ها را گرفته است. در کشور ما ایران از پیروان حضرت موسی (علیه السلام) با عنوان کلیمی یاد می‌شود. قرآن کریم از حضرت موسی (علیه السلام) به عنوان پیامبری که خدا با او سخن گفته، یاد کرده است.[١٧] در قانون اساسی جمهوری اسلامی ایران نیز از یهودیان به عنوان اقلیت کلیمی یاد شده است.

واژه‌های پدیدار شده از این دین

الف) یهودیت

یهودیت،[١٨] به دین کسانی دلالت می‌کند که اسلافشان در گذشته‌های دور به سبب سکونت در کشور یهودا، «یهودی» خوانده می‌شده‌اند. این نام مانند نام‌های باستانی بیش‌تر ملت‌ها، خاندان‌ها، شهرها و کشورها به طور طبیعی و با گذشت زمان تعیّن یافته و کسی از روی عمد و قصد، آن‌ها را تعیین نکرده است. بنا بر این، یهودیت یک اسم تعیّنی است. اسلام دینی است که در زمان خود حضرت رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) به کمال رسیده و به همین علت، از ابتدا اسم تعیینی داشته است تا از ادیان دیگر تمییز داده شود.

ب) اسرائیل

اسرائیل لقب حضرت یعقوب (علیه السلام) است. به گفتهٔ *تورات*، کشتی گرفتن حضرت یعقوب (علیه السلام) با خدا که به پیروزی او بر خدا انجامید، دلیل ملقب شدن وی به اسرائیل است.[١٩] اهل کتاب از زمان‌های قدیم گفته‌اند که مقصود از خدا در این داستان، یکی از فرشتگان خدا است.[٢٠] آنان این اسم مرکب را چنین معنا می‌کنند: «کسی که بر خدا پیروز شد»، ولی اصل معنای آن در عبری چنین است: «کسی که بر قهرمان پیروز شد».

صهیونیست‌ها هم‌زمان با عقب‌نشینی نیروهای اشغالگر انگلیسی از فلسطین با قساوت‌آمیزترین شیوه، آن سرزمین را اشغال و در سال ۱۹۴۸ حکومت سکولار یهودیان را به نام «اسرائیل»، بر خاک غصب شدهٔ فلسطین ایجاد کردند.

ج) صهیونیزم

صهیون در اصل، نام تپه‌ای است در قدس که در زمان شکوفایی دولت بنی اسرائیل در عصر داوود و

---

١٦. ١٦. Anti- semetism.

١٧. ... وَكَلَّمَ اللهُ مُوسَىٰ تَكلِيماً ، النساء/ ١۶۴ و وَلَمَّا جاءَ مُوسَى لِمِيقاتِنَا وَكَلَّمَهُ رَبُّهُ قَالَ رَبِّ أَرِنِى أَنظُر إِلَيكَ قَالَ لَن تَرانِى... ، الاعراف/ ١۴٣.

١٨. Judaism.

١٩. پیدایش ٣٢/ ٢۴ ـ ٣٢.

٢٠. ر.ک: هوشع ١٢/ ۴ ـ ٣.

سلیمان (علیهما السلام) مرکز نظامی بوده است. این نام همواره یادآور اقتدار قوم یهود بوده و در کتاب‌های انبیای متأخر عهد عتیق بسیار از آن یاد شده است. گروهی از یهودیان، حزب سیاسی خویش را به نام این تپه نام‌گذاری کرده‌اند.

چکیده

- ✓ پیروان حضرت موسی (علیه السلام) با عناوینی چون عبرانیان، بنی اسرائیل، یهودیان و کلیمیان خوانده می‌شوند.
- ✓ عبرانی یا از مادهٔ «ع ب ر» به این اعتبار که حضرت ابراهیم (علیه السلام) از نهر فرات عبور کرد، و یا از مادهٔ «عابر» جدّ حضرت ابراهیم (علیه السلام) گرفته شده است.
- ✓ ساکنان بومی مصر فرزندان حضرت یعقوب (علیه السلام) را که به مصر وارد شده بودند، بنی اسرائیل نامیدند.
- ✓ حکومت یک‌پارچهٔ اسباط دوازده‌گانهٔ بنی اسرائیل تا زمان حضرت سلیمان (علیه السلام) دوام آورد. پس از آن حضرت این دولت به دو دولت یهودا و اسرائیل تجزیه شد.
- ✓ آشوریان هفت قرن قبل از میلاد، دولت اسرائیل و بابلیان شش قرن قبل از میلاد دولت یهودا را متلاشی کردند.
- ✓ ساکنان بومی بابل اسیرانی را که از سرزمین یهودا به سرزمینشان آورده شده بود، یهودی نامیدند.
- ✓ پیروان حضرت موسی (علیه السلام) در ایران کلیمی نامیده می‌شوند. این عنوان از نام قرآنی آن اخذ شده است.
- ✓ یهودیت یک اسم تعیّنی است.
- ✓ نام کشور اشغالگر فلسطین از لقب حضرت یعقوب (علیه السلام) «اسرائیل» گرفته شده است.
- ✓ صهیونیست‌ها برای یادآوری اقتدار قوم یهود؛ نام حزب سیاسی خویش را از مرکز نظامی عصر حضرت داوود و سلیمان (علیهما السلام)، «تپهٔ صهیون» اخذ کرده‌اند.

جلسهٔ پنجم

تاریخ یهود (قسمت نخست)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ تاریخ قوم یهود از زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) تا ورود حضرت یعقوب (علیه السلام) و فرزنـدانش به مصر؛
- ✓ دوران حضور بنی اسرائیل در مصر؛
- ✓ دورهٔ سرگردانی قوم یهود.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته، برخی اصطلاحات موجود در آیین یهودیت بررسی شد. از یک سو نام‌های گوناگونی که در طول تاریخ بر پیروان حضرت موسی (علیه السلام) اطلاق شده است، مورد توجه قرار گرفت و از سوی دیگر، با بیان سه واژهٔ «یهودیت»، «اسرائیل» و «*صهیونیزم*» به وضعیت سیاسی قوم یهود اشاره شد.

در این جلسه با مروری اجمالی بر سه دوره از دوران نه‌گانهٔ تاریخ یهود مباحث مربوط به این آیین بزرگ را پی می‌گیریم.

تاریخ یهود

گرچه شارع و بانی مذهب یهود حضرت موسی (علیه السلام) است، اما مورخان، تاریخ قوم یهود را از زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) جدّ اعلای قوم یهود بررسی می‌کنند. عظمت آن حضرت به حدی است که وی همواره موجب نزاع یهودیت، مسیحیت و اسلام بوده است و هر یک، آن حضرت را از خود می‌دانند. قرآن کریم به این نزاع خاتمه داده است.[۲۱]

یهودیان خود را از نسل حضرت یعقوب (علیه السلام) نوهٔ حضرت ابراهیم (علیه السلام) می‌دانند و از این رهگذر افتخار می‌کنند که هم فرزند جسمانی و هم فرزند روحانی آن حضرت هستند.

الف) دوران حضرت ابراهیم (علیه السلام) تا ورود حضرت یعقوب (علیه السلام) و فرزندانش به مصر

به گفتهٔ اهل کتاب حضرت ابراهیم (علیه السلام) ابتدا «اَبرام»، یعنی پدر بلندمرتبه و سپس «ابراهیم»، یعنی پدر اقوام نامیده شد. *تورات* پدر حضرت ابراهیم (علیه السلام) را «تارح»[۲۲] و قرآن مجید پدر آن حضرت را «آزر» می‌داند.[۲۳] مفسران واژهٔ «أب» در آیهٔ مذکور را به «عمّ» تفسیر می‌کنند.[۲۴]

---

۲۱. مَا كانَ إِبْراهِيمُ يَهُودِيّاً وَلا نَصْرَانِيّاً وَلكِنْ كانَ حَنِيفاً مُّسْلِماً وَمَا كانَ مِنَ الْمُشْرِكِينَ ؛ آل عمران/ ۶۷

۲۲. پیدایش ۱۱/ ۳۲ ـ ۳۱.

۲۳. وَإِذْ قَالَ إِبْرَاهِيمُ لِأَبِيهِ آزَرَ أَتَتَّخِذُ أَصْنَاماً آلِهَةً إِنِّي أَرَاكَ وَقَوْمَكَ فِي ضَلالٍ مُّبِينٍ ؛ انعام/ ۷۴.

۲۴. همان گونه که قرآن کریم در آیهٔ ۱۳۳ سورهٔ بقره از واژهٔ «أب»، «عم» اراده کرده است.

ابراهیم (علیه السلام) از کنیزش هاجر، اسماعیل (علیه السلام) و بعدها از همسرش ساره، اسحاق (علیه السلام) را به دنیا آورد. اسماعیل، یعنی «خدا می‌شنود» و اسحاق، یعنی «می‌خندد». *تورات* عقیده دارد ابراهیم (علیه السلام) به ذبح اسحاق (علیه السلام) مأمور شد[۲۵] اما روایات اسلامی ذبیح را اسماعیل (علیه السلام) می‌دانند. اسحاق (علیه السلام) هم‌زمان دو پسر به نام‌های «عیسو»، به معنای پُرمو و «یعقوب»، به معنای تعقیب می‌کند، به دنیا آورد. بدن عیسو هنگام تولد پر از مو بود. با یک نقشهٔ از پیش طراحی‌شده یعقوب (علیه السلام) جانشین اسحاق (علیه السلام) می‌شود.[۲۶]

یکی از فرزندان دوازده‌گانهٔ آن حضرت، حضرت یوسف (علیه السلام) است که مدتی از نزد خاندانش دور ماند و سرانجام عزیز مصر شد.[۲۷] با بروز قحطی در کنعان، یعقوب و فرزندانش به مصر مهاجرت کردند.

ب) دوران حضور بنی اسرائیل در مصر

فرزندان یعقوب (علیه السلام) در مصر به بنی اسرائیل معروف شدند. ساکنان بومی مصر که به آنان به دید بیگانه می‌نگریستند، نگران این شدند که زمام امورشان به دست بنی اسرائیل بیفتد. از این روی تصمیم گرفتند از جمعیت آنان بکاهند. فرمان داده شد تا نوزادان پسر بنی اسرائیل کشته شوند.

در این زمان موسی (علیه السلام) به دنیا آمد. مادرش به منظور نجات جان فرزند، او را در صندوقی میان رود نیل رها کرد. پس از آن‌که او را از آب گرفتند، نام «موسی»، یعنی از آب کشیده شده، بر آن گذاشتند. موسی (علیه السلام) با قتل مردی قبطی از مصر خارج شد و مدت‌ها بعد در مسیر بازگشت به مصر در صحرای سینا بر کوه «حوریب» صدای خداوند را از میان آتشی از درخت شنید. این صدا از موسی (علیه السلام) خواست که برای آزادی بنی اسرائیل به سوی فرعون رود. بعثت حضرت موسی (علیه السلام) از این جا آغاز شد.

او با داشتن معجزاتی نزد فرعون رفت و از او خواست تا با خروج بنی اسرائیل از مصر موافقت کند. اما فرعون رضایت نداد. آن گاه خداوند عذاب‌های ده‌گانهٔ زیر را بر مصریان فرود آورد:

۱. تبدیل آب‌های مصریان به خون؛
۲. زیاد شدن قورباغه؛
۳. زیاد شدن پشه؛
۴. زیاد شدن مگس؛
۵. مرگ حیوانات مصریان بر اثر وبا؛
۶. مبتلا شدن مصریان و چارپایان آنان به دمل؛
۷. فرود آمدن تگرگ بر آنان و تلف شدن مقدار زیادی از حیوانات و مزارع؛
۸. زیاد شدن ملخ؛
۹. تاریک شدن خانه‌های مصریان تا سه روز؛
۱۰. هلاکت نخست‌زادگان انسان و حیوان همهٔ مصریان حتی نخست‌زادهٔ خود فرعون.

---

۲۵. پیدایش ۲۲/ ۱۷ ـ ۱.

۲٦. پیدایش ۲۷/ ۳۹ ـ ۱.

۲۷. داستان حضرت یوسف در قرآن کریم و *تورات* شباهت‌های فراوانی دارد.

قرآن کریم برخی از این عذاب‌ها را تأیید می‌کند.[۲۸]

فرعون که به وحشت افتاده بود اجازهٔ خروج بنی اسرائیل را داد، اما سپس پشیمان شد. او با پیروانش به طرف دریای سرخ برای تعقیب موسی (علیه السلام) و یارانش حرکت کرد. موسی (علیه السلام) دریا را شکافت و با یارانش به سلامت از مصر خارج شد. فرعونیان که او را تعقیب می‌کردند در دریا غرق شدند.

ج) دوران سرگردانی

پس از خروج بنی اسرائیل از مصر آنان به سوی ارض موعود یعنی کنعان رهسپار شدند. قرآن کریم از این موضوع سخن گفته است.[۲۹] به گفتهٔ *تورات* هنوز سه ماه از خروج از مصر نگذشته بود که خداوند با موسی (علیه السلام) سخن گفت و ده فرمان زیر را به آن حضرت فرستاد:

۱. برای خود خدایی جز من نگیرید؛

۲. به بت سجده نکنید؛

۳. نام خدا را به باطل نبرید؛

۴. شنبه را گرامی دارید؛

۵. پدر و مادر را احترام کنید؛

۶. کسی را به قتل نرسانید؛

۷. زنا نکنید؛

۸. دزدی نکنید؛

۹. بر همسایه شهادت دروغ ندهید؛

۱۰. به اموال و ناموس همسایه طمع نورزید.[۳۰]

حضرت موسی (علیه السلام) با قوم خود در صحرای سینا به نام «تیه»، چهل سال سرگردان بود و از سوی آنان آزار فراوانی دید. هنگامی که مناجاتش در کوه طور طولانی شد، مردم از هارون (علیه السلام) خواستند برایشان گوساله‌ای بسازد. او چنین کرد و آنان آن را پرستیدند. موسی (علیه السلام) بر آنان خشم گرفت، گوساله را سوزانید و به برادرش هارون (علیه السلام) پرخاش کرد.[۳۱] قرآن کریم ساحت هارون (علیه السلام) را از این تهمت پاک کرده است و آن را به سامری نسبت می‌دهد.[۳۲] موسی (علیه السلام) قومش را پس از چهل سال تا حدود کنعان رسانید، اما موفق نشد به ارض موعود وارد شود و در سن ۱۲۰ سالگی در مکانی به نام «موآب» وفات یافت.[۳۳] یوشع بن نون (علیه السلام) جانشین او شد. به رهبری او قوم یهود از رود اردن گذشتند و به سرزمین کنعان وارد شدند.

---

۲۸. فَأَرْسَلْنَا عَلَيْهِمُ الطُّوفانَ وَالْجَرادَ وَالْقُمَّلَ وَالضَّفادِعَ وَالدَّمَ آيَاتٍ مُّفَصَّلاتٍ فَاسْتَكْبَرُوا وَكانُوا قَوْماً مُّجْرِمِينَ ؛ اعراف/ ۱۳۳.

۲۹. مائده/ ۲۶ ـ ۲۱.

۳۰. برگرفته از خروج ۲۰/ ۱۷ ـ ۱ و تثنیه ۵.

۳۱. خروج ۳۲/ ۲۴ ـ ۱.

۳۲. طه/ ۹۰ ـ ۸۵.

۳۳. تثنیه ۳۴/ ۱۲ ـ ۵.

چکیده

- مورخان تاریخ قوم یهود را از زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) بررسی می‌کنند.
- *تورات* غیر از نام ابراهیم از آن حضرت با نام اَبرام نیز یاد می‌کند.
- یهودیان ذبیح را اسحاق (علیه السلام) و منابع اسلامی اسماعیل (علیه السلام) می‌دانند.
- حضرت اسحاق (علیه السلام) دو فرزند به نام‌های عیسو و یعقوب به دنیا آورد. به عقیدهٔ یهودیان یعقوب (علیه السلام) با اجرای طرحی از پیش تعیین‌شده، جانشین پدرش اسحاق (علیه السلام) شد.
- به گفتهٔ *تورات* حضرت موسی (علیه السلام) از میان کوه حوریب به رسالت انتخاب شد.
- *تورات* از عذاب‌های ده‌گانه بر مصریان سخن گفته است. قرآن کریم به پنج عذاب تصریح کرده است.
- فرعونیان در تعقیب حضرت موسی (علیه السلام) و یارانش در دریای سرخ غرق شدند.
- ده فرمان در دورهٔ سرگردانی بر حضرت موسی (علیه السلام) نازل شد.
- *تورات*، هارون (علیه السلام) و قرآن کریم، سامری را سازندهٔ گوساله می‌دانند.
- به گفتهٔ *تورات*، موسی (علیه السلام) در سن ۱۲۰ سالگی در «موآب» از دنیا رفت و یوشع بن نون جانشین وی شد.

جلسهٔ ششم

تاریخ یهود (قسمت دوم)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ دوران داوران در تاریخ قوم یهود؛
- ✓ دوران پادشاهان؛
- ✓ دوران اسارت بابِلی.

مروری بر مباحث پیشین

در مباحث گذشته، سه دوره از تاریخ قوم یهود بررسی شد. در این میان آنچه مهم جلوه می‌کرد، پیشینهٔ تاریخ قوم یهود بود که به زمان جدّ اعلای یهود حضرت ابراهیم (علیه السلام) برگردانده می‌شود.

دورهٔ زندگانی بنی اسرائیل در مصر و خروج آن‌ها در زمان حضرت موسی و دوران سرگردانی این قوم نیز در جلسهٔ گذشته بررسی شد. در این جلسه، به سه دورهٔ دیگر از تاریخ قوم یهود می‌پردازیم.

تاریخ یهود

د) دوران داوران

برخی از مطالبی که قرآن کریم در بارهٔ بنی اسرائیل مطرح کرده، مربوط به سال‌های پیش از دورهٔ داوران است. حوادثی مانند وعدهٔ خدا با موسی (علیه السلام)، گوساله‌پرستی بنی اسرائیل، گرفتن الواح *تورات*، گرسنگی بنی اسرائیل و نزول منّ و سلوی، چگونگی ورود به قریه، تشنگی و استسقای حضرت موسی (علیه السلام).[۳۴]

پس از ورود بنی اسرائیل به کنعان (فلسطین) مدت‌ها بین آنان و بومیان اصلی فلسطین جنگ و نزاع ادامه داشت. سرانجام این سرزمین به بنی اسرائیل اختصاص یافت.[۳۵] در دورانی که بنی اسرائیل بر قسمت‌هایی از فلسطین دست یافتند، ادارهٔ امور به عهدهٔ قضات و داوران بود.[۳۶] داوران مسائل و مشکلات

---

۳۴. وَ إِذ واعَدنا مُوسَى أَربَعِينَ لَيلَةً ثُمَّ اتَّخَذتُمُ العِجلَ مِن بَعدِهِ وَأَنتم ظالِمُونَ * .... وَ إِذ قَالَ مُوسَىٰ لِقَومِهِ يا قَومِ إِنَّكُم ظَلَمتُم أَنفُسَكُم بِاتّخاذِكُمُ العِجلَ فَتُوبُوا إِلى بارِئِكُم فَاقتُلُوا أَنفُسَكُم ذٰلِكُم خَيرٌ لَكُم عِندَ بارِئِكُم فَتابَ عَلَيكُم انَّهُ هُوَ التَّوّابُ الرَّحِيمُ * وَ إِذْ قُلْتُم يَا مُوسَى لَن نُّؤْمِنَ لَكَ حَتَّى نَرَى اللهَ جَهْرَةً فَأَخَذَتْكُمُ الصَّاعِقَةُ وَأَنْتُمْ تَنظُرُونَ * ثُمَّ بَعَثْنَاكُم مِّنْ بَعْدِ مَوْتِكُمْ لَعَلَّكُمْ تَشْكُرُونَ * وَظَلَّلْنا عَلَيْكُمُ الْغَمامَ وَأَنْزَلْنَا عَلَيْكُمُ الْمَنَّ وَالسَّلْوَى كُلُوا مِنْ طَيِّباتِ مَا رَزَقْناكُمْ وَمَا ظَلَمُونَا وَلكِنْ كانُوا أَنْفُسَهُمْ يَظْلِمُونَ * وَ إِذْ قُلْنَا ادْخُلُوا هذِهِ الْقَرْيَةَ فَكُلُوا مِنْها حَيْثُ شِئْتُمْ رَغَداً وَادْخُلُوا الْبابَ سُجَّداً وَقُولُوا حِطَّةٌ نَغْفِرْ لَكُمْ خَطاياكُمْ وَسَنَزِيدُ الْمُحْسِنِينَ * فَبَدَّلَ الَّذِينَ ظَلَمُوا قَوْلاً غَيْرَ الَّذِي قِيلَ لَهُمْ فَأَنْزَلْنَا عَلَى الَّذِينَ ظَلَمُوا رِجْزاً مِّنَ السَّماءِ بِما كانُوا يَفْسُقُونَ * وَ إِذِ اسْتَسْقَى مُوسَى لِقَوْمِهِ فَقُلْنَا اضْرِب بِّعَصَاكَ الْحَجَرَ فَانْفَجَرَتْ مِنْهُ اثْنَتا عَشْرَةَ عَيْناً قَدْ عَلِمَ كُلُّ أُنَاسٍ مَّشْرَبَهُمْ كُلُوا وَاشْرَبُوا مِن رِّزْقِ اللهِ وَلا تَعْثَوْا فِي الْأَرْضِ مُفْسِدِينَ * وَ إِذْ قُلْتُمْ يَا مُوسَى لَن نَّصْبِرَ عَلَى طَعامٍ واحِدٍ فَادْعُ لَنا رَبَّكَ يُخْرِجْ لَنَا مِمَّا تُنْبِتُ الْأَرْضُ مِنْ بَقْلِها وَقِثّائِها وَفُومِها وَعَدَسِها وَبَصَلِها قَالَ أَتَسْتَبْدِلُونَ الَّذِي هُوَ أَدْنَى بِالَّذِي هُوَ خَيْرٌ اهْبِطُوا مِصْراً فَإِنَّ لَكُم مَّا سَأَلْتُمْ وَضُرِبَتْ عَلَيْهِمُ الذِّلَّةُ وَالْمَسْكَنَةُ وَباؤُ بِغَضَبٍ مِّنَ اللهِ ذلِكَ بِأَنَّهُمْ كانُوا يَكْفُرُونَ بِآياتِ اللهِ وَيَقْتُلُونَ النَّبِيِّينَ بِغَيْرِ الْحَقِّ ذلِكَ بِما عَصَوْا وَكانُوا يَعْتَدُونَ ؛ بقره/ ۶۱ ـ ۵۱.

۳۵. جریان این جنگ‌ها در کتاب یوشع آمده است.

۳۶. تاریخ این دوره در کتاب دوران آمده است.

مردم را از طریق کدخدامنشی حلّ و فصل می‌کردند. این دوره به «عهد قضات» شهرت دارد. از «یوشع» به عنوان اولین داور و از «حضرت سموئیل»، یعنی نام خدا، به عنوان آخرین داور بنی اسرائیل می‌توان نام برد.

ه) دوران پادشاهان

حکومت پادشاهی با انتخاب «شائول» (درخواست‌شده) از سوی آخرین داور بنی اسرائیل سموئیل در سال ۱۰۳۰ (ق.م) آغاز شد. قرآن کریم او را «طالوت» می‌نامد.[۳۷] پس از پیروزی او بر جُلْیات (جالوت) که داوود (علیه السلام) نقش مهمی در آن داشت، داوود (علیه السلام) دولت مقتدر بنی اسرائیل را پایه‌گذاری کرد. بعد از داوود (علیه السلام) پسرش سلیمان (علیه السلام) بر تخت نشست و باشکوه‌ترین دوران بنی اسرائیل را به وجود آورد. وی در «اورشلیم» (شهر سلامت) معبد بسیار بزرگی بنا کرد که به نام «هیکل سلیمان» (ساختمان بلند سلیمان) معروف شد.

پس از سلیمان (علیه السلام) حاکمیت یک‌پارچهٔ بنی اسرائیل تجزیه شد. دو دولت «یهودا» به رهبری «رِحُبْعام» و «اسرائیل» به رهبری «یِربْعام» به وجود آمد. پادشاهان یهودا و اسرائیل به همراه مردم به گناه روی آوردند. پیامبرانی همچون: اِشَعْیا، عامُوس، اِرمیا، حِزقیال و دانیال، مردم را از عذاب و اسارت ذلت‌بار بر حذر می‌داشتند؛ اما کسی توجه نمی‌کرد. به‌تدریج پایه‌های حکومت متزلزل شد. حکومت اسرائیل به دست آشوری‌ها زودتر از یهودا منقرض شد. دولت یهودا نیز یک‌صد سال بعد به دست بُخْتُنَصَّر (نَبُوکَدْنَصَّر) پادشاه بابِل در قرن ششم (ق.م) از بین رفت. شهر و معبد ویران شد و نخستین ویرانی هیکل (قدس) صورت گرفت. مردم یهودا به اسارت به بابِل برده شدند.

و) دوران اسارت بابلی

پیش از این اشاره شد که نبوکدنصّر، پادشاه بابِل در سال ۵۸۷ (ق.م) به اورشلیم حمله کرد و دولت یهودا را از بین برد. وی «یَهُویاقیم» پادشاه یهودا را به اسارت گرفت، معبد سلیمان را غارت کرد و یهودیان بسیاری را به اسیری گرفت و به بابِل برد. مردم آنان را «یهودیّ» منسوب به یهودا نامیدند. دوران اسارت یهود هفتاد سال طول کشید. این دوران را «جلای بابِل» گویند. سرانجام کوروش[۳۸] پادشاه ایران (۵۵۹ ـ ۵۲۹ ق.م) بابِل را فتح کرد. وی یهودیان را در سال ۵۳۸ (ق.م) از اسارت نجات داد و یهودیان را آزاد داشت تا هر کس می‌خواهد در بابِل بماند.

چکیده

- ✓ پس از ورود بنی اسرائیل به کنعان (فلسطین) به رهبری یوشع بن نون مدت‌ها بین آنان و بومیان اصلی فلسطین جنگ و نزاع ادامه داشت.

---

۳۷. وَقَالَ لَهُمْ نَبِيُّهُمْ إِنَّ اللهَ قَدْ بَعَثَ لَكُمْ طَالُوتَ مَلِكاً قَالُوا أَنَّى يَكُونُ لَهُ الْمُلْكُ عَلَيْنَا وَنَحْنُ أَحَقُّ بِالْمُلْكِ مِنْهُ وَلَمْ يُؤْتَ سَعَةً مِّنَ الْمَالِ قَالَ إِنَّ اللهَ اصْطَفَاهُ عَلَيْكُمْ وَزَادَهُ بَسْطَةً فِي الْعِلْمِ وَالْجِسْمِ وَاللهُ يُؤْتِي مُلْكَهُ مَنْ يَشَاءُ وَاللهُ واسِعٌ عَلِيمٌ ؛ بقره/ ۲۴۷.

۳۸. کوروش به معنی خورشید است.

- دورهٔ قضات و داوران، دورانی است که داوران مسائل و مشکلات قوم یهود را از طریق کدخدامنشی حلّ و فصل می‌کردند.
- آخرین داور بنی اسرائیل سموئیل است.
- اولین پادشاه بنی اسرائیل طالوت (شائول) است.
- باشکوه‌ترین دوران بنی اسرائیل را حضرت سلیمان (علیه السلام) به وجود آورد.
- پس از حضرت سلیمان (علیه السلام)، حاکمیت یک‌پارچهٔ بنی اسرائیل به دو دولت یهودا به رهبری رِحُبْعام و اسرائیل به رهبری یِرُبْعام تجزیه شد.
- حکومت اسرائیل به دست آشوری‌ها و دولت یهودا به دست بُخْتُنَصَّر پادشاه بابِل از بین رفت.
- دوران اسارت یهود هفتاد سال طول کشید. به این دوران «جلای بابِل» گویند.
- کوروش پادشاه ایران با فتح بابِل یهودیان را در سال ۵۳۸ (ق.م) از اسارت نجات داد.

جلسهٔ هفتم

تاریخ یهود (قسمت سوم)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ تاریخ قوم یهود در دوران رهایی از اسارت تا ویرانی دوم قدس؛
- ✓ دوران ویرانی دوم قدس تا تشکیل رژیم غاصب اسرائیل؛
- ✓ از دوران تشکیل رژیم غاصب اسرائیل تا کنون؛

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته، سه دوره از تاریخ یهود به اجمال بررسی شد؛ و بیان شد که در دورهٔ داوران، یهودیان مسائل و مشکلات خود را به صورت کدخدامنشی توسط بزرگان و پیامبران خدا حلّ و فصل می‌کردند.

در دورهٔ پادشاهان، قدرت یهودیان با تشکیل دولت مقتدر حضرت داوود و سلیمان (علیهما السلام) به اوج خود رسید، بعد از آن بر اثر تجزیهٔ قوم بنی اسرائیل و تشکیل دو دولت یهودا و اسرائیل و فساد آنان، هلاکت، پستی و اسارت گریبان‌گیر قوم یهود شد. دوران اسارت یهود هفتاد سال طول کشید تا این‌که کوروش با فتح بابِل یهودیان را از اسارت نجات داد.

در این جلسه با سه دورهٔ دیگر از تاریخ قوم یهود آشنا می‌شویم.

تاریخ یهود

ز) دوران رهایی از اسارت تا ویرانی دوم قدس

پس از آن‌که کوروش اجازهٔ بازگشت یهودیان به سرزمین اصلی خود را داد، گروهی از آنان به فلسطین بازگشتند و شهر قدس و معبد سلیمان (علیه السلام) را باز سازی کردند. «نَحَمیا» رهبری این گروه را بر عهده داشت.

با حملهٔ اسکندر در ۳۳۰ قبل از میلاد به ایران و انقراض هخامنشیان، اسکندر و جانشینان او بر ایران از جمله فلسطین حاکمیت یافتند. قوم یهود ساکن در فلسطین، با اندیشه‌های دینی زردشتی آشنا شدند. از سوی دیگر پس از تسخیر ایران به دست اسکندر، ایران هم؛ مانند فلسطین زیر نفوذ یونانیان قرار گرفت. «سلُوکید» جانشین اسکندر در سوریه، سلسلهٔ سلوکیان و «بَطلَیمُوس» جانشین وی در مصر، سلسلهٔ بطالسه[۳۹] را پدید آوردند و در این دو منطقه به ترویج فرهنگ یونانی اقدام کردند. در این دوران یعنی حدود دو قرن قبل از میلاد، ۷۲ عالم یهودی تحت تأثیر تمدن یونان در اسکندریهٔ مصر، عهد عتیق را از عبری به یونانی ترجمه کردند. این ترجمه به «ترجمهٔ سبعینیه» معروف شد.

یهودیان سوریه در برابر فرهنگ یونانی حساسیت نشان دادند و به مقابله با آن برخاستند. «مَتَتْیا» یکی از متدیّنان به شریعت یهود در برابر اصرار مأموران حکومت که از وی خواسته بودند گوشت خوک بخورد، مقاومت کرد. وی آن مأمور را به قتل رساند. و سپس به همراه پسرانش، هسته‌های مقاومت در برابر بیگانگان

---

۳۹. Ptolemies.

را تشکیل دادند. رهبری این گروه را پسر متتیا «یهودای مکابی» به عهده گرفت و بدین سان نهضتِ مکابیان[40] آغاز شد. این نهضت در سال ۱۶۵ (ق.م) به پیروزی رسید و معبد اورشلیم از بت‌های یونانی پاک شد. مکابیان صد سال حکومت مستقلّ یهودیان را اداره کردند.

در قرن‌های اوّل و دوم پیش از میلاد، یهودیان در برابر تهاجم فرهنگ یونان به دو فرقهٔ سیاسی ـ مذهبی فریسیان و صَدّوقیان تقسیم شدند. فریسیان طرفدار فرمانروایان مکابی بودند و در برابر یونانی‌مآبی ایستاده بودند. آنان افزون بر وفاداری به دین سنتی یهود و *تورات* مکتوب، به گفته‌های دانشمندان یهود که نسل به نسل از زمان موسی (علیه السلام) برای آنان باقی مانده بود (تورات شفاهی) نیز عقیده داشتند. اما صدوقیان گرچه سنت‌های گذشته را حفظ می‌کردند، اما با تفسیر به رأی‌های فریسیان و آداب آنان مخالفت می‌کردند. اندیشه‌های یونانی در آنان تأثیر گذاشته بود و به ملائکه، قیامت و ... اعتقاد نداشتند. نزاع بین آنان به ضعف یهود انجامید و سرانجام در ۶۳ (ق.م) سردار رومی به نام «پومپه» به سرزمینشان دست یافت. بعدها جنگ شدیدی میان سربازان رومی و یهودیان در گرفت تا این‌که در سال هفتاد میلادی «تیتوس» سردار رومی مقاومت یهودیان را در هم شکست. او معبد را به آتش کشید و شهر را ویران کرد. بدین سان دومین ویرانی قدس صورت گرفت.

عیسی مسیح نیز در دورهٔ هفتم از تاریخ یهود ظهور کرد. در این دوران غالباً بنی اسرائیل زیر فرمان امم مشرک بودند و احکام و قوانین از سوی علمای یهود، در مجمعی به نام «سَنْهِدرین»،[41] صادر می‌شد.

ح) دوران ویرانی دوم قدس تا تشکیل رژیم غاصب اسرائیل

پس از ویرانی دوم قدس، یهودیان در سراسر جهان پراکنده شدند. برخی از آنان نیز به انتظار آمدنِ آخرین منجی حضرت محمد (صلّی الله علیه وآله) به یثرب هجرت کردند.[42] در این دوران و در سال ۶۱۰ میلادی، اسلام ظهور کرد.

تبعیدهای پی در پی، یهودیان را به فکر وطن مستقلی انداخت. گفته می‌شود روزی حقوقدان و خبرنگار مجارستانی «تئودر هرتزل» به مطالعهٔ قرآن کریم مشغول بود. چون به آیهٔ کریمهٔ ۱۲۳ سورهٔ نساء[43] رسید، بی درنگ گفت: آری چنین است ما سال‌ها است به انتظار مسیحا و به آرزوی نجات نشسته‌ایم، باید آرزوها را رها کرد و به عمل پرداخت. وی سپس به فکر تأسیس کشوری مستقل برای یهود افتاد و به نوشتن کتاب و سفرهای متعددی دست زد.[44]

آرژانتین، اوگاندا و فلسطین مناطقی بود که برای تشکیل دولت یهود در آن‌ها، نام برده می‌شد. سرانجام در سال ۱۹۱۷ میلادی «لرد بالفور» وزیر خارجهٔ بریتانیا از فلسطین به عنوان کشور یهودیان نام برد. پس از شکست دولت عثمانی در سال ۱۹۲۳ میلادی، سرزمین فلسطین تحت قیومیت انگلیس قرار گرفت. سرانجام

---

٤٠. Maccabean.

٤١. به معنای مجمع.

٤٢. برای اطلاعات بیش‌تر می‌توانید به تفسیر آیهٔ ۸۹ سورهٔ بقره و داستان یهود و انتظار منجی و کتاب *تاریخ تحلیلی اسلام*، نوشتهٔ دکتر سید جعفر شهیدی، صفحهٔ ۵۵ مراجعه نمایید.

٤٣. لَّيْسَ بِأَمَانِيِّكُمْ وَلَا أَمَانِيِّ أَهْلِ الْكِتَابِ ...؛ [پاداش و کیفر] به دلخواه شما و به دلخواه اهل کتاب نیست ؛ نساء/ ۱۲۳.

٤٤. برای آشنایی بیش‌تر با فعالیت‌های تئودر هرتزل در تشکیل آژانس یهود و نقشه‌های سیاسی حزب صهیونیزم به کتاب *سرگذشت فلسطین*، نوشتهٔ اکرم زعیتر مراجعه نمایید.

با حمایت استکبار جهانی، جامعهٔ ملل در سال ۱۹۴۷ میلادی بر تجزیهٔ خاک فلسطین به دو منطقهٔ عرب‌نشین و یهودی‌نشین رأی داد. یهودیان صهیونیست در سال ۱۹۴۸، کشور مستقلّ خود را تشکیل دادند و آن را به نام نیای خود اسرائیل خواندند. این در حالی است که در عصر خلیفهٔ دوم مسلمانان، قدس را با مذاکره از مسیحیان تحویل گرفتند و در صلح‌نامهٔ خود متعهد شدند که هیچ گاه به یهودیان اجازهٔ سکونت در آن شهر ندهند.

ط) دوران تشکیل رژیم غاصب اسرائیل تا کنون

انحصارطلبی، افزون‌خواهی و بزرگ‌بینی که صفاتی جداناپذیر از قوم کوچک یهود است، جنگ‌های متعددی همچون جنگ ژوئنِ ۱۹۶۷ میلادی را بین اسرائیل و کشورهای همسایه پدید آورد. صهیونیست‌ها در آرزوی تحقق رؤیای از نیل تا فرات[٤٥] به سر می‌برند. اختلافات مسلمانان، خیانت سران برخی کشورهای مسلمان و حمایت همه‌جانبهٔ آمریکا، آنان را به تحقق این رؤیا امیدوار کرده است. اما پیروزی انقلاب اسلامی ایران به رهبری امام خمینی (قدّس سرّه) و بیداری ملت‌های مسلمان آیندهٔ روشنی را ترسیم کرده است.

چکیده

- ✓ پس از پایان جلای بابل و بازگشت یهودیان به سرزمین اصلی خود گروهی از آنان به رهبری «نَحَمیا» به بازسازی قدس اقدام کردند.
- ✓ پس از حملهٔ اسکندر و انقراض دولت هخامنشی فلسطین هم زیر نفوذ دولت یونانی قرار گرفت.
- ✓ عهد عتیق دو قرن قبل از میلاد به دست ۷۲ نفر از علمای یهودی در اسکندریهٔ مصر از عبری به یونانی ترجمه شد و به «ترجمهٔ سبعینیه» معروف است.
- ✓ نهضت مکابیان به رهبری یهودای مکابی، علیه یونانیان شکل گرفت و در سال ۱۶۵ (ق.م) در مقابل حکومت یونانیان در سوریه به پیروزی رسید. مکابیان صد سال حکومت مستقلّ یهودیان را اداره کردند.
- ✓ در برابر تهاجم فرهنگ یونان، یهودیان به دو فرقهٔ سیاسی ـ مذهبی فریسیان و صَدّوقیان تقسیم شدند.
- ✓ به گفته‌های دانشمندان یهود که نسل به نسل از زمان موسی (علیه السلام) برای یهودیان دورهٔ مکابیان باقی مانده بود، تورات شفاهی می‌گفتند.
- ✓ در سال هفتاد میلادی، تیتوس سردار رومی؛ هیکل سلیمان را به آتش کشید و شهر قدس را ویران کرد. این حادثه را دومین ویرانی قدس می‌نامند. پس از آن دوران سرگردانی قوم یهود آغاز شد.
- ✓ تئودر هرتزل نخستین کسی که تفکر تشکیل دولت یهود را مطرح کرد، لرد بالفور؛ وزیر خارجهٔ بریتانیا در سال ۱۹۱۷ میلادی از فلسطین به عنوان کشور یهودیان نام برد.
- ✓ جامعهٔ ملل در سال ۱۹۴۷ میلادی بر تجزیهٔ فلسطین به دو منطقهٔ عرب‌نشین و یهودی‌نشین رأی داد و یهودیان صهیونیست در سال ۱۹۴۸ کشور مستقلّ خود به نام اسرائیل را تشکیل دادند.

---

٤٥. پیدایش ۱۵/ ۱۸.

جلسهٔ هشتم

کتاب‌های مقدس یهودیان (۱)

هدف درس

✓ آشنایی با کتب مقدس یهودیان.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسات گذشته با برخی اصطلاحات مربوط به آیین یهودیت آشنا شدیم و از آن پس به بررسی ادوار مختلف تاریخ قوم یهود از زمان حضرت ابراهیم (علیه السلام) تا عصر حاضر و تشکیل دولت غاصب اسرائیل پرداختیم.

در این جلسه بر آنیم تا اندکی با کتاب‌های مقدس یهودیان آشنا شویم.

کتب مقدس یهودیان

عهد عتیق یا تَنخ

مسیحیان معتقدند خداوند با انسان دو پیمان بسته است. یک پیمان به وسیلهٔ پیامبران پیش از مسیح (علیه السلام) و یک پیمان به وسیلهٔ عیسی مسیح (علیه السلام). این دو پیمان، پیمان‌های کهن و تازه نامیده می‌شوند. مسیحیان قسمتی از کتاب مقدس خود[٤٦] را که در بارهٔ پیمان کهن سخن می‌گوید، عهد عتیق و بخشی از آن را که در بارهٔ پیمان تازه سخن می‌گوید، عهد جدید می‌نامند. مسیحیان برای هر دو عهد، احترام قائل‌اند؛ اما یهودیان اعتقادی به این دو پیمان ندارند و عهد جدید را انکار می‌کنند. یهودیان تنها برای بخش اوّل کتاب مقدس احترام قائل‌اند و آن را تَنَخ می‌نامند.

موضوعات عهد عتیق

عهد عتیق از نظر موضوعی به سه بخش تقسیم می‌شود:

الف) تاریخ

نخستین بخش *عهد عتیق* تاریخی است. این بخش خود به دو بخش تقسیم می‌شود:

۱. تاریخ بشر تا چند قرن پیش از میلاد: این بخش از *عهد عتیق* پنج سِفْر به نام‌های پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه دارد. این بخش را اسفار پنج‌گانهٔ *تورات* می‌نامند، *تورات* به معنای قانون است. پیش از نام این کتاب‌ها معمولاً از واژهٔ «سفر» استفاده می‌شود.[٤٧] یهودیان و مسیحیان عقیده دارند مؤلف اسفارِ پنج‌گانهٔ *تورات*، حضرت موسی (علیه السلام) است.

---

٤٦. مجموعهٔ *عهد جدید* و *عهد عتیق* را *Bible* می‌نامند.

٤٧. در بقیهٔ کتاب‌های *عهد عتیق* از واژهٔ «کتاب» استفاده می‌شود.

۲. تاریخ بنی اسرائیل: این بخش از *عهد عتیق*، مشتمل بر دوازده کتاب است که تاریخ بنی اسرائیل، از زمان یوشع تا اِستَر، را بررسی می‌کند. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: کتاب‌های یوشَع، داوران، رُوت، اوّل سموئیل، دوم سموئیل، اوّل پادشاهان، دوم پادشاهان، اوّل تواریخ ایام، دوم تواریخ ایام، عَزْرا، نَحَمْیا و اِسْتَر.

ب) حکمت، مناجات و شعر

این بخش با حکمت و مناجاتی از حضرت ایوب (علیه السلام) آغاز می‌شود و به عباراتی از حضرت سلیمان (علیه السلام) پایان می‌پذیرد. پنج کتاب ایوب، مزامیر، امثال سلیمان نبی، جامعه و غزل عزل‌های سلیمان، این بخش را تشکیل می‌دهند.

ج) پیش‌گویی‌های انبیا

این بخش شامل هشدارها و پیش‌گویی‌هایی پیرامون سرنوشت بنی اسرائیل است و از هفده کتاب تشکیل شده است. این کتاب‌ها عبارت‌اند از: اِشَعْیا، اِرْمیا، مراثی ارمیا، حِزْقیال، دانیال، هوشَع، یوئیل، عامُوس، عُوبَدْیا، یونس، میکاه، ناحُوم، حَبَقّوق، صَفَنْیا، حجّیٰ، زکریا و مَلاکی. دوازده کتاب اخیر از هوشع تا ملاکی به انبیای کوچک معروف‌اند. این نام به خاطر کم‌حجم بودن کتاب‌های مذکور است. بدین سان *عهد عتیق* ۳۹ کتاب دارد.

مقایسهٔ عهد عتیق با تَنَخ

پیش از این در بارهٔ «ترجمهٔ سبعینیه» سخن گفتیم. چینش کنونی کتاب‌های *عهد عتیق* و تقسیم‌بندی موضوعی آن که در بالا اشاره شد، تحت تأثیر این ترجمه است. اصل عبری *عهد عتیق* (*تَنَخْ*) از نظر موضوعی به سه بخش تورات، نَوییم و کُـتُب (خُتُب) تقسیم می‌شود. پیدایش، خروج، لاویان، اعداد و تثنیه، بخش اوّل (تورات) را تشکیل می‌دهند. بخش دوم (نوییم) مشتمل بر کتاب‌های یوشع، داوران، اوّل و دوم سموئیل، اوّل و دوم پادشاهان، اِشَعیا، إرمیا، حِزقیال، هوشع تا ملاکی، است. بخش سوم (کتب) شامل کتاب‌های مزامیر، امثال سلیمان نبی، ایوب، روت، غزلِ عزل‌های سلیمان، مراثی ارمیا، جامعه، استر، دانیال، عزرا، نحمیا، اوّل و دوم تورایخ ایام است.

تعداد کتاب‌های عهد عتیق

برخی تعداد کتاب‌های *عهد عتیق* را ۲۴ کتاب می‌دانند. آنان مجموعهٔ دوازده‌گانهٔ کتاب‌های انبیای کوچک از هوشع تا ملاکی را یک کتاب به حساب می‌آورند. همچنین هر یک از کتاب‌های اوّل و دوم سموئیل، اوّل و دوم پادشاهان، اوّل و دوم تواریخ ایام و کتاب‌های عزرا و نحمیا را یک کتاب به حساب آورده‌اند. به این ترتیب کتاب‌های *عهد عتیق* ۲۴ عدد می‌شود. برخی هر یک از کتاب‌های روت و داوران، و ارمیا و مراثی ارمیا را نیز یک کتاب می‌دانند و بدین سان کتاب‌های *عهد عتیق* ۲۲ عدد می‌شود.

نام‌گذاری کتاب‌های عهد عتیق

در تعیین شیوهٔ نام‌گذاری کتاب‌های *عهد عتیق* می‌توان به پنج مورد اشاره کرد:

۱. نام برخی کتاب‌ها از نام نویسندهٔ آن کتاب گرفته شده است، مانند کتاب عزرا؛
۲. نام برخی کتاب‌ها از کلمهٔ اول نسخهٔ عبری کتاب گرفته شده است، مانند سفر پیدایش؛
۳. برخی کتاب‌ها نام خود را از نام موضوع و محتوای کتاب گرفته‌اند، مانند سفر اعداد و لاویان؛
۴. نام برخی کتاب‌ها از نام شخصیت مهمی که کتاب در بارهٔ آن سخن می‌گوید، گرفته شده است، مانند کتاب اِستَر؛
۵. برخی کتاب‌ها، مانند انبیای کوچک، به نام انبیا است.

زمان تدوین عهد عتیق

در بارهٔ زمان تدوین مجموعهٔ *عهد عتیق* دو دیدگاه عمده وجود دارد:

الف) مجموعهٔ کتاب‌های *عهد عتیق* در مدت هزار سال نوشته شده است. ابتدای این زمان به زمان حضرت موسی (علیه السلام) حدود سیزده تا پانزده قرن پیش از میلاد و انتهای آن به قرن چهارم قبل از میلاد، (زمان ملاکی) باز می‌گردد، این قول بر این اساس استوار است که مؤلف اسفار پنج‌گانهٔ *تورات* را حضرت موسی (علیه السلام) بدانیم.

ب) *عهد عتیق* پنج قرن قبل از میلاد به دست کاهنی از بنی اسرائیل به نام عزرا نوشته شده است. چینش کتاب‌ها به ترتیب وقوع حوادث تاریخی قوم یهود نشان می‌دهد که نویسنده از تاریخ بنی اسرائیل به خوبی آگاه بوده است.

چکیده

- ✓ به عقیدهٔ مسیحیان خدا با بشر دو پیمان بسته است. پیمان کهن (عهد عتیق) که یهودیان نیز آن را می‌پذیرند و پیمان تازه (عهد جدید) که تنها مسیحیان به آن اعتقاد دارند.
- ✓ *عهد عتیق* به زبان عبری است و از نظر موضوعی سه بخش است: بخش تاریخ با هفده کتاب، بخش حکمت، مناجات و شعر با پنج کتاب و بخش پیش‌گویی انبیا با هفده کتاب.
- ✓ اصل عبری *عهد عتیق* (تَنَخْ) از نظر موضوعی به سه بخش تورات، نوییم و کتب (ختب) تقسیم می‌شود.
- ✓ برخی تعداد کتاب‌های *عهد عتیق* را ۲۴ یا ۲۲ می‌دانند. آنان کتاب‌های انبیای کوچک را یک کتاب و برخی از کتاب‌ها که از نظر موضوعی مشابه‌اند، را یکی حساب می‌کنند.
- ✓ نام کتاب‌های *عهد عتیق* با توجه به نام نویسنده، کلمهٔ اوّل نسخهٔ عبری کتاب، موضوع کتاب و نام شخصیت مهمی که کتاب در بارهٔ آن سخن می‌گوید و یا نام انبیا، برگرفته شده است.
- ✓ عده‌ای بر این باورند که *عهد عتیق* در مدت هزار سال از زمان حضرت موسی (علیه السلام) تا زمان ملاکی نوشته شده است و برخی نیز معتقدند که *عهد عتیق* پنج قرن قبل از میلاد به دست عزرا نوشته شده است.

جلسهٔ نهم

کتاب‌های مقدس یهودیان (۲)

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ نویسندگان *عهد عتیق*؛
- ✓ نوشته‌های مقدس دیگر در آیین یهود.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته با کتب مقدس یهودیان که به نام *تَنَخ* نزد آنان مشهور است، آشنا شدیم. طبق نظر مسیحیان کتب مقدس مجموعه‌ای از دو پیمان الهی است که خدا به واسطهٔ عیسی مسیح (علیه السلام) و پیامبران پیش از او در غالب عهد جدید و عهد عتیق با انسان بسته است. البته یهودیان اعتقادی به این دو پیمان ندارند و عهد جدید را انکار می‌کنند. همچنین در بحث گذشته سخنی در بیان نام‌گذاری و تقسیم‌بندی بخش‌های گوناگون از نظر موضوعی و تعداد کتاب‌های *عهد عتیق*، به میان آمد.

در این جلسه به شناسایی بیش‌تر *عهد عتیق* و نوشته‌های مقدس دیگر که برای یهودیان باارزش است، می‌پردازیم.

نویسندگان عهد عتیق

در بارهٔ مؤلف یا مؤلفان *عهد عتیق* دو دیدگاه وجود دارد. برخی معتقدند که مؤلفان *عهد عتیق* متعددند و در فاصلهٔ زمانی حیات موسی (علیه اسلام) و ملاکی می‌زیستند و برخی مؤلف آن را تنها، فردی به نام «عزرا» که حدود پنج قرن قبل از میلاد می‌زیسته است، می‌دانند.

عموم مسیحیان و یهودیان نویسندهٔ اَسفار پنج‌گانهٔ *تورات* را حضرت موسی (علیه السلام) می‌دانند و اعتراف حضرت موسی (علیه السلام) را دلیل بر این عقیده می‌دانند.[48]

مترجم و ریاضی‌دان اندلسی به نام «ابن عَزرا» (۱۱۶۷ م) برای اوّلین بار این نظریه را رد کرد. سال‌ها بعد «اِسپینوزایِ هلندی» (۱۶۷۷ ـ ۱۶۳۲ م) نظر ابن عزرا را تأیید کرد و ثابت کرد که حضرت موسی (علیه السلام) نمی‌توانند مؤلف اسفار پنج‌گانهٔ *تورات* باشد، دلایل اسپینوزا از این قرار است:

۱. در اسفار پنج‌گانهٔ *تورات* از موسی (علیه السلام) به سوم‌شخص یاد می‌شود؛[49]

۲. در اسفار مذکور از مرگ و دفن موسی (علیه السلام) سخن گفته شده است؛[50]

۳. در این اسفار نام شهرها و مکان‌هایی مانند «دان» آمده است که بعد از زمان موسی (علیه السلام) به وجود آمده‌اند؛[51]

---

٤٨. تثنیه ۹/۳۱.

٤٩. خروج ۱۱/۳۳؛ اعداد، ۳/۱۲ و ۱۴/۳۱؛ تثنیه ۶/۳۴ و ۱۰/۳۴.

٥٠. تثنیه ۶/۳۴ و ۹/۳۴ ـ ۷.

٥١. پیدایش ۱۴/۱۴.

۴. در *تورات* ماجرای سرگردانی بنی اسرائیل تا زمان‌های بعد از موسی (علیه السلام) نیز گزارش می‌شود، در حالی که آن حضرت در دورهٔ سرگردانی از دنیا رفت.[۵۲]

ارزش عهد عتیق

ایمان یهودیان به صدق، صحت، قداست، اعتبار و الهی بودنِ کتاب *عهد عتیق*، مانند ایمان مسلمانان به قرآن کریم است. تنها تفاوت این است که مسلمانان قرآن کریم را املای خدا از طریق جبرئیل بر پیامبر (صلّی الله علیه وآله) می‌دانند، اما مسیحیان نمی‌گویند که خدا کتاب‌های مقدس را بر مؤلفان بشری املا کرده؛ بلکه معتقدند که او به ایشان برای پیام الهی به شیوهٔ خاصّ خودشان و همراه با نگارش مخصوص و سبک نویسندگی ویژهٔ هر یک، توفیق داده است. از این رو، آنان تمام القاب و احترامات شایستهٔ یک کتاب آسمانی را به *عهد عتیق* می‌دهند.

پیش از این گفته شد که یهودیان و مسیحیان *تورات* را نوشتهٔ حضرت موسی (علیه السلام) می‌دانند[۵۳] و سایر کتاب‌های *عهد عتیق* به برخی از انبیا منسوب شده است.

تَلمود

«تلمود» در لغت به معنای «آموزش»، و از فعل ثلاثی عبری «لمَد» به معنی «یاد داد» گرفته شده است. در اصطلاح «تلمود» کتاب بزرگی است که احادیث و احکام یهود را در بر دارد. این کتاب در واقع، تفسیر و تأویل *تورات* است و اغلب به نام کتاب «تورات شفاهی» مشهور است.

پس از پراکندگی و تبعید یهودیان به بابل، گروهی به نام «سُوفِریم»، کاتبان، در پی آن بر آمدند تا مسائل روزانهٔ زندگی را از *تورات* استخراج کنند. نخستین سوفِر «عَزرا» بود که در قرن پنجم پیش از میلاد می‌زیست. وی تصمیم گرفت شریعت موسی (علیه السلام) را بارور سازد و از عبارات کتاب *عهد عتیق* نیازهای جامعهٔ یهود را بر آورد. پس از عزرا، روشی در تفسیر و تأویل متون مذهبی رایج شد که «میدراش» نامیده می‌شود. واژهٔ «میدراش» به معنای «جست و جو» است؛ زیرا دانشمندان از خلال میدراش به جست و جوی معانی نهفتهٔ *تورات* می‌پرداختند و می‌خواستند همهٔ مسائل روزانهٔ زندگی را از کتاب آسمانی خود استخراج کنند.

«یهودا هَنّاسی» متولد سال ۱۳۵ میلادی، سنت شفاهی را در کتابی ثبت کرد. وی بیش از پنجاه سال «ناسی»، رهبر دینی قوم یهود بود. وی برای این توراتِ شفاهی، نام «میشنا» ـ مکرر و مُثنّای تورات ـ را برگزید که در مقابل «میقْرا» (خواندنی)، و «مقروء» (متن *تورات*)، قرار دارد.

بر *میشنا* تفاسیری به نام «گَمارا» (تکمیل)، نوشته شد. *گمارا* به همراه *میشنا* «تلمود» (آموزش)، نامیده شد. بر *میشنا* دو شرح *تلمود اورشلیمی* در فلسطین و *تلمود بابلی* در بابل نوشته شد.

تلمود شش بخش دارد که هر بخش «سِدِر» نامیده می‌شود و مجموع آن ۶۳ رساله است:

۱. سِدِر زِراعیم (بخش بذرها، احکام محصولات و نتاج حیوانات)، یازده رساله؛

۲. سدر مُوعَد (بخش عید، در بارهٔ روزهای یادبود) دوازده رساله؛

---

۵۲. خروج ۳۴/۱۶.

۵۳. رسالهٔ دوم پطرس، ۲۱/۱ ـ ۲۰ و رسالهٔ دوم پولس به تیمو تاوس، ۱۶/۳، دلیل این اعتقاد است.

۳. سدر ناشیم (بخش نسوان، احکام زناشویی) هفت رساله؛

۴. سدر نِزیقین (بخش زیان‌ها، احکام اموال و زیان به نفوس) ده رساله؛

۵. سدر قِداشیم (بخش مقدسات، مقدسات دین یهود) یازده رساله؛

۶. سدر طهارت (بخش طهارت‌ها، احکام پاک و ناپاک) دوازده رساله.

دو عنصر اساسی در *تلمود* وجود دارد: یکی «هَلّاخا»، راه و روش، که عبارت است از دستورات دینی برای زندگی صحیح و دیگری «اَگّادا» (روایت)، که عبارت است از داستان‌ها و شواهدی که از پیشوایان یهود یا بزرگان اقوام مختلف، به منظور تأیید موضوع نقل می‌شود.

مقدار زیادی از مطالب *تلمود* در کتب اسلامی پراکنده شده و برخی از مسلمانان مقداری از آن‌ها را بی چون و چرا پذیرفته‌اند و کسی به دنبال اصل و منشأ آن‌ها نرفته است. مسلمانان این گونه روایات را اسرائیلیات می‌نامند. مطالب صحیحی نیز در *تلمود* یافت می‌شد که در پاره‌ای موارد با آیات و روایات صحیحِ اسلامی مطابقت دارد.

مسیحیان به دلیل بدگویی این کتاب از حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) همواره با آن مخالف بوده‌اند. رهبران کلیسا در قرن ششم میلادی مخالفت خود را با آن اعلام کردند، ولی تا چندین قرن مسئله‌ای پیش نیامد و جوامع یهودی مراقب بودند که احساسات مسیحیان را نسبت به آن تحریک نکنند. در سال ۱۲۳۹ میلادی یک یهودی که مسیحی شده بود، پاپ را به سوزاندن آن کتاب تشویق کرد و تلمودسوزی را بنیاد نهاد. پس از آن تاریخ، ارابه‌های پر از نسخه‌های *تلمود* به میدان‌های شهر برده می‌شد و به کام آتش می‌رفت و یا برای استفاده از چرم آن به سازندگی کفش سپرده می‌شد.

این کتاب به فارسی ترجمه نشده و خلاصه‌ای از آن به زبان فارسی، به نام *گنجینه‌ای از تلمود* در سال ۱۳۵۰ هجری شمسی در تهران منتشر شده است.

اَپُوکریفا

از زمانی که *عهد عتیقِ* عبری (تنخ) به یونانی ترجمه شد، کتاب‌هایی افزون بر ۳۹ کتاب عبری در آن یافت شد. این کتاب‌ها مورد شک و تردید قرار گرفت. به این کتاب‌ها «اپوکریفا»[٥٤] (پوشیده)، گویند. اجتماع یهودیان در قرن دوم در شهر «یاونه» و پروتستان‌ها حدود پنج قرن پیش، در جریان اصلاح دینی، بر بی‌اعتباری این کتاب‌ها اتفاق کردند، اما کاتولیک‌ها و ارتودکس‌ها آن‌ها را بخشی از *عهد عتیق* می‌شمارند و کتاب‌های اپوکریفایی را «اسفار قانونی ثانوی» می‌نامند. این نام در برابر ۳۹ کتاب *عهد عتیق* است که «اسفار قانونی» گفته می‌شوند.

یکی از مجموعه‌های اپوکریفایی شامل ده کتاب: طُوبیت، یَهُودیتْ، اِستر (یونانی)، حکمت، یَشوع بن سیراخ، باروک، نامهٔ ارمیا، دانیال (یونانی)، اوّل مکابیان و دوم مکابیان است.[٥٥]

---

٥٤. Apocrypha.

٥٥. ر.ک: *اپوکریفای عهد عتیق*، ترجمهٔ عباس رسول‌زاده و جواد باغبانی.

سُودْاِپیگرافا

دستهٔ دیگری از کتاب‌های یونانی که «سودْاِپیگرافا»[56] (نوشته‌های جعلی)، نامیده می‌شود، اعتبار کم‌تری داشت و هرگز در *عهد عتیق* قرار نگرفت. این نوشته‌ها که در چند دهه پیش از میلاد، به دست برخی از یهودیان فرهیخته پدید آمده بود، بر اثر بی‌توجهی اهل کتاب از میان رفته، ولی شماری از متون یا ترجمه‌های آن‌ها در گوشه و کنار جهان باقی مانده و در قرون اخیر کشف شده است. تعداد این آثار که مسیحیان در برخی از آن‌ها تصرفاتی کرده‌اند، بسیار است و مجموعه‌هایی از آن‌ها به زبان انگلیسی ترجمه و چاپ شده است.[57]

چکیده

- ✓ برخی از دانشمندان، مؤلفان *عهد عتیق* را متعدد و برخی مؤلف آن را یک نفر می‌دانند.
- ✓ ابن عزرا (۱۱۶۷ م) مترجم و ریاضی‌دان اندلسی برای اوّلین بار این دیدگاه را که مؤلف اسفار پنج‌گانه حضرت موسی (علیه السلام) است، رد کرد. اسپینوزای هلندی (۱۶۷۷ ـ ۱۶۳۲ م) نیز با دلایلی نظر ابن عزرا را تأیید کرد.
- ✓ ایمان یهودیان به صدق و الهی بودن *عهد عتیق* مانند ایمان مسلمانان به صدق و الهی بودن قرآن کریم است.
- ✓ *تلمود* کتابی بزرگ است که احادیث و احکام یهود را در بر دارد، این کتاب در واقع، تفسیر و تأویل *تورات* است.
- ✓ دلیل تدوین *تلمود* نیازهای جامعهٔ یهود بود که می‌بایست از عبارات کتاب *عهد عتیق* بر آورده می‌شد.
- ✓ مجموعهٔ *میشنا* و *گمارا*، *تلمود* نام دارد، که از شش بخش (سِدِر) تشکیل شده است و مجموع آن ۶۳ رساله است.
- ✓ *تلمود* مشتمل بر دو عنصر اساسی است: «هَلاخا» که شامل دستورات دینی برای زندگی صحیح است و دیگری «اگادا» که مشتمل بر داستان‌ها و شواهدی است که از پیشوایان یهود یا بزرگان اقوام مختلف سخن می‌گوید.
- ✓ مسیحیان به خاطر بدگویی‌های *تلمود* از حضرت عیسی (علیه السلام) با آن مخالف‌اند.
- ✓ اپوکریفا مجموعهٔ کتاب‌هایی است که بعد از ترجمهٔ سبعینیه به ۳۹ کتاب (*تنخ*) اضافه شد.
- ✓ یهودیان و پروتستان‌ها اپوکریفا را غیر معتبر و کاتولیک‌ها و ارتدکس‌ها آن‌ها را معتبر می‌دانند.
- ✓ سودْاِپیگرافا مجموعهٔ کتاب‌هایی است که چند دهه پیش از میلاد، به دست برخی از یهودیان فرهیخته پدید آمد و اعتبار کم‌تری داشت و هرگز در *عهد عتیق* قرار نگرفت.

---

۵۶. Pseudepigraph.

۵۷. یک مجموعهٔ آن‌ها با عنوان "The Forgotten Books Of Eden" در سال ۱۹۲۷ میلادی به زبان انگلیسی در آمریکا انتشار یافته است.

جلسۀ دهم

فرقه‌ها، اصول اعتقادی و آداب یهودیان

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ فرقه‌های یهود؛
- ✓ مبانی اعتقادی؛
- ✓ آیین‌ها، آداب و عبادات یهودیان.

مروری بر مباحث پیشین

در مباحث گذشته، گذری اجمالی بر چگونگی تألیف کتاب‌های *عهد عتیق* صورت گرفت و ارزش و اعتبار این کتاب‌ها نزد یهودیان مشخص شد. همچنین به نوشته‌های مقدس دیگر که برای یهودیان و مسیحیان، گاه معتبر و گاه بی‌اعتبار است اشاره شد.

در این جلسه، فرقه‌های ایجاد شده از این آیین و اصول اعتقادی آنان و آداب و مناسک یهودیان بررسی خواهد شد.

فرقه‌های یهود

فرقه‌های شناخته شدهٔ یهود پس از بازگشت از بابل پدید آمده‌اند و در بارهٔ فرقه‌های قدیم‌تر اطلاع چندانی در دست نیست. این فرقه‌ها از این قرارند:

فَریسیان

کلمهٔ «فریسی» در عبری به معنای عزلت‌طلب است. این لقب بر جدایی و امتیاز آنان دلالت می‌کند. این فرقه در قرن دوم قبل از میلاد پدید آمد و تا کنون هم، اکثریت یهود از آن فرقه‌اند. اصل این فرقه به فرقهٔ «حَسیدیم»، به معنی پارسایان، بر می‌گردد. فرقهٔ حسیدیم سه یا چهار قرن قبل از میلاد برای زدودن آثار بت‌پرستی و انحراف میان یهودیان پدید آمد. در قرن هجدهم نیز مشرب عرفانی جدیدی به نام حسیدیم میان یهودیان شرق اروپا پیدا شد که از این حرکت الهام می‌گرفت.

در قرون اخیر، فریسیان از نظر شیوهٔ عبادت و برخی مسائل دینی و فرهنگی به دو دسته تقسیم می‌شوند:

الف) اَشکِنازی:[۵۸] که جمعیت هشتاد درصدی کلّ یهودیان جهان، در اروپا به‌ویژه آلمان را تشکیل می‌دهند؛

ب) سِفارَدی:[۵۹] بر اعقاب یهودیان اسپانیا که در طیّ چند مرحله از آن کشور رانده شده و به کشورهای مختلف رفته‌اند، دلالت می‌کند. عبادت یهودیان ایران به شیوهٔ سفاردی است.

---

۵۸. Ashkenazi.

۵۹. Sephardi.

صَدّوقیان

نام این فرقه به «صادوق بن اَخِیطوب» که از طرف حضرت داوود (علیه السلام) به کِهانت منصوب شده بود، مربوط می‌شود. صدّوقیان به جای نماز، برای قربانی اهمیت ویژه‌ای قائل بودند.

آنان معتقد به جسمانیت خدا بودند، جاودانگی نفس و قیامت را انکار می‌کردند و می‌پنداشتند سزای نیکی و بدی در همین دنیا داده می‌شود و در بارهٔ ارادهٔ انسانی به **اختیار مطلق** اعتقاد داشتند.

صدوقیان مانند فریسیان با حضرت مسیح (علیه السلام) مخالفت ورزیدند، نام آنان به‌تکرار در اناجیلِ چهارگانه آمده است. پس از خرابی اورشلیم در سال هفتاد میلادی دیگر اثری از این فرقه باقی نماند.

سامریان

نام «سامریان» از منطقه‌ای به نام «سامِره» برگرفته شده است که در زمان تجزیهٔ سرزمین فلسطین پس از حضرت سلیمان (علیه السلام)، مرکز کشور اسرائیل بود. این فرقه پس از بازگشت از اسیری بابل پدید آمد و برخی معتقدند که نژاد آنان اسرائیلی نیست و شاید مخلوطی از اسرائیلی و آشوری باشد.

این فرقهٔ بسیار کوچک و رو به انقراض تنها پنج سفر *تورات* را می‌پذیرد و ۳۴ کتاب دیگر *عهد عتیق* را رد می‌کند. همچنین ایشان نسخهٔ ویژه‌ای از کتاب *یوشع* دارند که با کتاب *یوشع* رایج متفاوت است. *تورات* ایشان نیز با *تورات* رایج، اندکی اختلاف دارد. زبان عبری سامری نیز با زبان عبری اندکی فرق می‌کند.

سامری‌ها به قداست «کوه جِرِزیم» در نزدیکی شهر «نابلُس» اعتقاد دارند و آن را قبلهٔ خود می‌دانند. آنان می‌گویند قبلهٔ حضرت موسی (علیه السلام) نیز همین کوه بوده، ولی حضرت داوود (علیه السلام) از پیشِ خود، مکان معبد سلیمان (مسجد اقصی) را قبله معرفی کرده است.

اِسِنیان

ریشهٔ کلمهٔ «اِسِنی» شاید به معنای شفادهنده باشد، چراکه آنان در اندیشهٔ شفای روان خود بوده‌اند.

این گروه حدود دو قرن پیش از میلاد به وجود آمدند و با ویرانی اورشلیم، آنان نیز مانند صدوقیان و بعضی فرقه‌های دیگر از بین رفتند و جز نامی از ایشان باقی نماند، تا این که در سال ۱۹۴۷، برخی آثار مکتوب آنان همراه با نسخه‌هایی از *عهد عتیق* که تحریر کرده بودند، در غارهای فلسطین در «کرانهٔ بحر المیّت» به دست آمد و مقداری از نقاط ابهام مربوط به اعتقادات و جامعهٔ آنان حل شد.

اسنیان مالکیت فردی را قبول نداشتند و به ازدواج روی خوش نشان نمی‌دادند. گفته می‌شود قبلهٔ آنان خورشید بود، نه معبد سلیمان و به‌ظاهر، آن را از میتراپرستان گرفته بودند.

به عقیدهٔ برخی دانشمندان، افکار این فرقه زیربنای مسیحیت فعلی گردید. حتی ممکن است اعضای این فرقه همگی مسیحی شده باشند، گفته می‌شود حضرت یحیی بن زکریا (تعمیددهنده) نیز از آنان بوده است.

قارِئون

قارئون از کلمهٔ «قَرَأَ» در عربی و عبری آمده است که به قرائت کتب آسمانی اشاره دارد.

این فرقه که پس از ظهور اسلام پدیدار شد، با *تلمود* مخالفت می‌کند و بر معنای ظاهری *تورات* تعصب می‌ورزد و همواره با فریسیان درگیری دارد. رهبر آنان در ابتدا یک ربّانی یهودی به نام «عَنان» بود که گفته می‌شود مکتب خود را به رهنمود امام اعظم اهل سنت «ابو حنیفه» پایه‌گذاری کرد. وی در عصر «منصور دوانیقی» در بغداد این فرقه را بنیاد نهاد. سپس فردی به نام «بِنْیامین نهاوندی» آن مکتب را در ایران آن روز، ترویج کرد و تغییراتی در آن داد و نام قارئون (در عبری قَرائیم، یعنی قرائت‌کنندگان) را به جای عَنانیه بر آن نهاد.

در قرون گذشته اکثر قارئون در جهان اسلام زندگی می‌کردند. اکنون جمعیت آنان در سراسر جهان حدود ده هزار نفر است.

دونْمه

نام فرقهٔ «دونمه» به ترکی استانبولی به معنای «مبَدَّل شده» است. رهبر آنان «شَبتایْ صِبی» به سال ۱۶۲۶ میلادی در شهر اِزْمیر (غرب ترکیه) به دنیا آمد و پس از مطالعه و بررسی الهیات و عرفان یهودی کم کم مدعی شد که مسیحای یهود است.

وی اعلام کرد که در سال ۱۶۶۶ میلادی قیام خواهد کرد، اما در این سال از طرف پادشاه عثمانی دستگیر شد و از او خواستند مسلمان شود. وی پس از پذیرفتن اسلام، نام خود را به «محمد اَفَندی» تغییر داد و با یک بانوی مسلمان ازدواج کرد.

بسیاری از یهودیان می‌گفتند که تنها شبحی از شبتای مسلمان شده و خود او برای یافتن ده قبیلهٔ گم‌شدهٔ بنی اسرائیل به آسمان رفته است و به‌زودی ظهور خواهد کرد. وی فرقه‌ای را پدید آورد که اعضای آن بی درنگ به رسم مسلمانان عمامه بر سر گذاشتند و پیرو آداب اسلامی شدند و به بازگشت سریع شبتای به عنوان منجی حقیقی بنی اسرائیل امیدوار ماندند. مرگ وی به سال ۱۶۷۶ میلادی اتفاق افتاد. اکنون جمعی از پیروان او در ترکیه زندگی می‌کنند.

اصول عقاید یهود

توحید

یهودیان به خدای یکتا اعتقاد دارند. اسم خاصّ خدا در دین یهود «یَهْوَهْ»، باشنده (موجود)، است. این نام بسیار احترام دارد و بر زبان آوردن آن حتی از طریق قرائت *تورات* حرام است. بر اثر این تحریم، کسی تلفظ حقیقی آن را نمی‌داند و گاهی ادعا می‌شود که حروف آن نیز به هم ریخته است.

تا سال هفتاد میلادی که معبد سلیمان برپا بود، بالاترین مقام مذهبی یهود حق داشت سالی یک بار در روز عاشورای تقویم یهودی (دهم ماه تِشْری، اوایل پاییز)، در قدس الاقداسِ آن معبد، این نام را بر زبان آورَد و دعا کند.[۶۰] هنگام تلاوت *تورات*، نام مزبور به «ادونای» ـ آقای من ـ تبدیل می‌شود و حرکات همین کلمه را روی آن می‌گذارند، از این رو، گاهی آن را «یَهُوَهْ یا یِهُوَهْ» ضبط کرده‌اند.

---

۶۰. یکی از این افراد این کار را در زمان شور و هیجان و اشک و آه عبادت‌کنندگان انجام می‌داده است تا آن اسم به گوش کسی نخورد.

نبوت

یهودیان به نبوت معتقدند و در بارهٔ آن بحث‌های کلامی گسترده‌ای دارند. همچنین برای نبوت معنای ویژه‌ای قائل‌اند که پیش‌گویی است و پیامبران بزرگی همچون اِشَعیا، اِرمیا، حِزقیال و هوشَع به عنوان نبیّ ـ پیشگو ـ شهرت دارند.

پیامبران بسیاری در کتاب *عهد عتیق* مطرح شده‌اند. اِشَعیا، اِرمیا، عاموس با بیانات شیوای خود به بنی اسرائیل هشدار می‌دادند و آنان را از عاقبت کارهای زشت و نارواپشان بر حذر می‌داشتند و متذکر می‌شدند که اسارت ذلت‌باری در پیش دارند. اما آنان به این گفتارها کم‌ترین توجهی نمی‌کردند و از سوی دیگر به قتل، حبس و آزار پیامبران خود کمر می‌بستند.[٦١] هفده کتاب پایان *عهد عتیق* که کتاب‌های نبوت نام دارد، مشتمل بر این پیش‌گویی‌ها است.

یهودیان معتقدند که وحی از حدود چهار قرن قبل از میلاد قطع شده است و پس از ظهور موعود، دوباره برقرار خواهد شد.

معاد

به فرمودهٔ قرآن مجید معاد از نخستین پیام‌های حضرت موسی (علیه السلام) است، اما در *تورات* فعلی، به‌جز یکی دو مورد، اشارهٔ مبهم[٦٢] و تنها یک بار اشاره‌ای نسبتاً روشن،[٦٣] از قیامت سخنی نیست.[٦٤]

از سوی دیگر، کتاب *تلمود* از معاد بسیار سخن گفته است. فرقهٔ منقرض شدهٔ صدوقیان که سنت شفاهی (تلمود) را قبول نداشتند، منکر قیامت بودند، ولی فریسیان به قیامت معتقدند و به بهشت و جهنم عقیده دارند.

جهنم در عبری، «گِیهِنّوم» به معنای «درهٔ هینّوم»، اسم مکانی در بیرون اورشلیم، بوده است. در آن مکان، بتی به نام «مولِک»[٦٥] وجود داشته است که بنی اسرائیل در برهه‌ای از زمان، در گودالی جلو آن آتش می‌افروخته‌اند و کودکان خود را طیّ مراسمی در آتش می‌انداختند تا قربانی بت مذکور شود.

اعتقاد به رستاخیز مردگان یکی از باورهای اصیل یهودیت است که به تصور پژوهشگران، آن را از بیگانگان گرفته‌اند. به گفتهٔ پژوهشگران، اعتقاد به جاودانگی روح از قدیم میان بنی اسرائیل وجود داشته و در چندین مورد از کتاب مقدس به آن اشاره شده است، ولی آن باور پس از بازگشت از بابل منجر به اعتقاد به رستاخیز مردگان شد.

موسی بن میمون (۱۲۰۴ ـ ۱۱۳۵ م) اعتقاد به رستاخیز مردگان را یکی از اصول اساسی آیین یهود شمرد و در بارهٔ آن نوشت:

> شخصی که به رستاخیز معتقد نباشد، دین واقعی ندارد و قطعاً به یهودیت معتقد نیست. همهٔ مردم می‌میرند و جسمشان متلاشی می‌شود، اما رستاخیز برای پارسایان، ذخیره شده است.[٦٦]

---

٦١. قرآن مجید از این امور بسیار سخن گفته است.

٦٢. تثنیه ۸: ۱۶.

٦٣. دانیال ۱۲: ۲.

٦٤. تعبیر کلی آخرت در تثنیه ۸: ۱۶ و مراثی ارمیا ۴: ۱۸، آمده است که به معنای «عاقبت دنیوی» است.

٦٥. Molech, Moloch.

٦٦. *یهودیت، مسیحیت و اسلام*، ج ۱، ص ۱۰.

آیین‌ها، آداب و عبادات یهود

۱. قبلهٔ یهودیان معبد سلیمان (مسجد الاقصی) است. قبلهٔ سامریان که یکی از فرقه‌های یهود است، کوه جِرِزیم در نزدیکی نابلس است.

۲. یهودیان روزی سه بار نماز می‌خوانند: نماز صبح، نماز عصر و نماز مغرب. نماز در کنیسه بهتر است و در صورتی که دست‌کم ده مرد در کنیسه حضور داشته باشند، نماز جماعت برگزار می‌شود. در این حال یک نفر کاهن، لاوی یا کسی که از سایرین پیرتر است و عبری را خوب می‌داند، جلو می‌ایستد و دعاهایی به عبری و نیز قسمت‌هایی از متن *تورات* را می‌خواند و در مواردی رکوع می‌کنند. معروف‌ترین عبارتی که خوانده می‌شود، شِمَعْ (بشنو) نام دارد که از *تورات* گرفته شده است.[۶۷]

۳. شستن دست‌ها تا مچ به عنوان وضو، پس از برخاستن از خواب و برای عبادت و نیز بستن بازوبند و پیشانی‌بندی که در آن آیاتی از *تورات* نوشته شده برای نماز صبح واجب است. برای یهودیان واجب است برای خوردن نان و چند غذای دیگر دست‌های خود را طبق آیین شرع بشویند. بعد از غذا شستن دو بند از انگشتان واجب است.

۴. روزه‌های یهود در ماه‌های سال توزیع شده است. مهم‌ترین روزهٔ آنان در «یوم کِیپُور» است که از غروب روز قبل، مدت یک شبانه‌روز روزه می‌گیرند و از خوردن، آشامیدن، شست و شو (به استثنای انگشتان)، آرایش، عطر زدن، هر گونه رابطهٔ زناشویی و پوشیدن کفش چرمی پرهیز می‌کنند و در کنیسه‌ها به عبادت و استغفار مشغول می‌شوند. به جز این روز چهار روزهٔ واجب دیگر نیز دارند. از جمله روزه‌های مستحبی آنان روزهٔ دوشنبه و پنج‌شنبه است که با امتناع از خوردن و نوشیدن از طلوع تا غروب آفتاب صورت می‌گیرد.

۵. تا سال هفتاد میلادی که معبد اورشلیم برپا بود، مردان یهودی موظف بودند سالی سه بار در عید فِصح، عید هفته‌ها و عید سُوکّوت پیاده به آن جا بروند؛ البته پس از آن هم سفر زیارتی به اورشلیم وجود داشته است و یهودیان ایران به این زائران یهودی عرفاً لقب «حاجی» می‌داده‌اند.

۶. افرادی از یهودیان که از قبیلهٔ حضرت موسی و هارون (علیهما السلام) باشند، لاویان نامیده می‌شوند که به منزلهٔ «سادات» جهان اسلام هستند[۶۸] «خاخام» ـ حکیم ـ عالم یهودیان و «کاهن» روحانی آنان است. کاهن باید از نسل حضرت هارون (علیه السلام) و یا دست‌کم از لاویان باشد.[۶۹] حوزه‌های علمیهٔ یهودیان به زبان عبری «یِشیوا»[۷۰] نامیده می‌شود.

۷. عبادت‌گاه‌های یهود در زبان عبری «کنیسه»[۷۱] نام دارد.[۷۲]

۸. ختنه در یهودیت فریضه‌ای مؤکّد و عهد خدا با حضرت ابراهیم (علیه السلام)[۷۳] است که در روز هشتم تولد کودک طیّ مراسمی، به دست روحانیون یهودی، انجام می‌گیرد.

---

٦٧. تثنیه ۶: ۵ ـ ۴.

٦٨. در اسلام، کسی که نَسَبش از طریق پدر به هاشم جدّ اعلای حضرت رسول (صلی الله علیه وآله) برسد، «سید» است. «لاویان» یهودیت نیز با همین فاصله ممتاز شده‌اند: موسی بن عَمرام (عِمران) بن قَهات بن لاوی.

٦٩. «کاهن» در قرآن مجید و منابع اسلامی دیگر به معنای «غیب‌گو» است.

۷۰. Yeshivah.

۷۱. Keneset.

۷۲. در زبان انگلیسی Synagogue نام دارد.

۷۳. پیدایش ۱۷: ۱۴ ـ ۹.

۹. در یهودیت گوشت حیواناتی حلال است که هم نشخوارکننده و هم سُم‌دار باشند. بنا بر این، در این آیین گوشت شتر و خوک حرام است، زیرا شتر نشخوار می‌کند، اما سُم ندارد و خوک سُم دارد، اما نشخوار نمی‌کند. در یهودیت، خوردن گوشت با لبنیات نیز حرام است.

۱۰. یهود دینی غیر دعوتی است. یهودیان دین یهود را یک نعمت الهی مخصوص نژاد بنی اسرائیل می‌دانند. از این روی، یهودیت تبلیغ ندارند؛ البته اگر کسی بخواهد وارد آیین آنان شود، می‌پذیرند.

چکیده

- ✓ فرقهٔ فریسیان در قرن دوم قبل از میلاد پدید آمد و اصل این فرقه به فرقهٔ حسیدیم (پارسایان) بر می‌گردد که از نظر برخی مسائل دینی و فرهنگی به دو دسته تقسیم می‌شوند: اَشکِنازی و سِفارَدی.
- ✓ فرقهٔ صدّوقیان قائل به جسمانیت خدا بودند، جاودانگی نفس و قیامت را انکار می‌کردند.
- ✓ فرقهٔ بسیار کوچک اسنیان تنها پنج سفر *تورات* را می‌پذیرد و ۳۴ کتاب دیگر *عهد عتیق* را رد می‌کند.
- ✓ فرقهٔ قارئون پس از ظهور اسلام پدید آمده است و با *تلمود* مخالفت می‌کند و بر معنای ظاهری *تورات* تعصب می‌ورزد.
- ✓ گفته می‌شود شَبتایْ صِبی رهبر فرقهٔ دونْمه مسلمان شد و پس از پذیرفتن اسلام، نام خود را به «محمد اَفَندی» تغییر داد.
- ✓ «یهوه» نام خاصّ خدا در یهودیت است.
- ✓ یهودیان برای نبوت معنای پیش‌گویی قائل‌اند و معتقدند که وحی از حدود چهار قرن قبل از میلاد قطع شده است.
- ✓ در *تورات* فعلی، به جز یکی دو مورد اشارهٔ مبهم و تنها یک بار اشاره‌ای نسبتاً روشن، از قیامت سخنی نیست؛ اما *تلمود* از معاد بسیار سخن گفته است.
- ✓ قبلهٔ یهودیان معبد سلیمان (مسجد الاقصی) است آنان روزی سه بار صبح، عصر و مغرب نماز می‌خوانند و شستن دست‌ها تا مچ را به عنوان وضو برای نماز صبح واجب می‌دانند.
- ✓ مهم‌ترین روزهٔ یهودیان روزهٔ یوم کیپور است که از غروب روز قبل به مدت یک شبانه‌روز به طول می‌انجامد.
- ✓ عالم یهودیان «خاخام» ـ حکیم ـ و روحانی آنان «کاهن» نامیده می‌شوند. کاهن باید از نسل حضرت هارون (علیه السلام) و یا دست‌کم از لاویان باشد.
- ✓ یهودیت دینی غیر دعوتی است و تبلیغ ندارد.

ضمیمه

بیت المقدس، شرافت ادیان ابراهیمی

بخش شرقی یا قدیمی «بیت المقدس» به عنوان سومین حرم شریف بعد از مسجد الحرام و مسجد النبی در مکه و مدینه،[٧٤] با مساحتی معادل ۱۴۴ هزار متر مربع، کانون پیامبران خدا و میزبان بناهای بسیار مقدس (حدود دویست اثر) در سه دین ابراهیمی یهودیت، مسیحیت و اسلام است. از مهم‌ترین بناهای آن «مسجد الاقصی، قبة الصخرة و مسجد الصخرة» است. این مکان بر فراز فلات کوچک «موربا» بنا شده است، مسلمانان قبة الصخرة و مسجد آن را بسیار عزیز می‌دارند چرا که گویند بخشی از معراج رسول اکرم (صلی الله علیه وآله) از این صخره بوده است،[٧٥] هم اکنون نماز جمعهٔ مسلمانان در این مکان برگزار می‌شود.

به روایت تورات، سلیمان (علیه السلام)، هیکل سلیمان را در مرکز شهر اورشلیم به روی تپهٔ موربا بنا کرد و در وسط آن در فضایی مطهر (قدس الاقداس) تابوت عهد[٧٦] را قرار داد[٧٧] که هم اکنون بقایای آن در زیر مسجد الاقصی است.[٧٨] «دیوار ندبه» آخرین باقی‌ماندهٔ هیکل سلیمان است که ارزش خاصی برای اهل توحید دارد و مسلمانان آن را «دیوار براق»[٧٩] می‌خوانند و معتقدند پیامبر اسلام مرکب خود را در شب معراج به آن بسته است.

---

٧٤. ... عن أمير المؤمنين (عليه السلام)، قال: أربعة من قصور الجنة في الدنيا: المسجد الحرام، ومسجد الرسول (صلی الله علیه وآله)، ومسجد بيت المقدس، ومسجد الكوفة (*امالی شیخ طوسی*، ج ۱، ص ۳۷۹ به نقل از *بحار الانوار*، ج ۹۹، ص ۲۷۰)

٧٥. داستان معراج رسول اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) در بیان آیهٔ اول سورهٔ اسراء و آیات سیزدهم تا هجدهم سورهٔ نجم.

٧٦. برای آشنایی با الواح مقدس یهود و شأن و مقام این نعمت الهی بر بنی اسرائیل می‌توانید به کتاب *تاریخ انبیاء* (بخش‌های تاریخ بنی اسرائیل، کوچ بنی اسرائیل از مصر و زندگی‌نامهٔ فرستادگان الهی: حضرت داوود، سلیمان و طالوت) نوشتهٔ علی اکبر غفاری مراجعه نمایید.

٧٧. *اول تواریخ ایام*، باب ۱۷.

٧٨. باقی ماندن بقایای هیکل سلیمان در زیر مسجد الاقصی تنها به روایت یهودیان است که از پیش‌گویی‌های کتاب *مکاشفات یوحنا* و *رؤیای دانیال نبی* در کتابش استفاده کرده‌اند، متاسفانه گروهی از یهودیان و مسیحیان صهیونیسم که به افراطی گرایان مشهورند، با برداشت‌های گوناگون از این روایت و با طرح ادعاهای مختلف و نفوذ در دادگاه‌های مرکزی اسرائیل، احکامی را تصویب نموده‌اند که زمینه‌ساز برنامه‌ریزی‌ها و اقدامات ناشایستی است که به نفع هیچ یک از جوامع توحیدی نمی‌باشد. (برای کسب اطلاعات به سایت‌های مختلف خبری از جمله: خبرگذاری قدس و موعود مراجعه نمایید.)

٧٩. *دایرة المعارف بزرگ اسلامی*، ج ۱۱، شمارهٔ مقالهٔ ٤٦٨٧.

جلسهٔ یازدهم

اعیاد یهودیان و انتظار مسیحا

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ اعیاد گوناگون یهودیان؛
- ✓ انتظار و موعود در یهودیت.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته با فرقه‌های ایجاد شده از آیین یهود از جمله فریسیان، صدوقیان، سامریان، اسنیان، قارئون و دونمه آشنا شدیم. همچنین در بحث مبانی اعتقادی یهودیان از سه اصل توحید، نبوت و معاد سخن به میان رفت و از آیین‌ها، عبادات و آداب یهودیان مواردی ذکر شد.

در این جلسه از اعیاد یهودیان و انتظار مسیحایی آنان مباحثی مطرح می‌شود.

اعیاد یهود

در میان یهودیان عیدهای گوناگون وجود دارد که برخی از آن‌ها از این قرارند:

۱. روز شنبه: در این روز، افراد خانواده دسته‌جمعی غذا می‌خورند و طیّ آن، بزرگِ خانواده جام شرابی[۸۰] بر دست می‌گیرد و با خواندن دعا، آن را تبرک می‌کند و افراد خانواده از آن شراب می‌نوشند. تعطیل کردن شنبه یکی از ده فرمان است.[۸۱] یهودیان کار کردن در روز شنبه را حرام و گناه کبیره می‌دانند و در آن روز به عبادت، استراحت و دید و بازدید مشغول می‌شوند.[۸۲] در تورات کنونی می‌خوانیم که در زمان حضرت موسی (علیه السلام) یک بنی اسرائیلی به خاطر کار کردن در شنبه سنگسار شد.[۸۳]

۲. عید اوّل ماه: به عبری به آن «روش حودِش» می‌گویند که به معنای آغاز ماه است.

۳. سال هفتم یا سال انفکاک: طبق تورات هر هفت سال یک بار، باید وام‌ها را بخشید و کارهایی انسانی از قبیل آزاد کردن بردگان اسرائیلی انجام داد.[۸٤] نام عبری این سال «شِمیطا»، رهایی، است.

٤. سال یوبیل: این عید هر پنجاه سال یک بار می‌آید که اعمال انسانی و اخلاقی بسیاری در آن انجام می‌شود.[۸۵]

۵. عید فِصْح (پِسَح): در لغت به معنای «چشم‌پوشی» کردن است که به مناسبت چشم‌پوشی خداوند از قتل نخست‌زادگان بنی اسرائیل است که در حین نزول این بلا به فرعونیان چنین نامی به آن داده شده است،

---

۸۰ شراب در بیش‌تر ادیان جهان مانند یهودیت و مسیحیت حلال است، ولی مستی که بر اثر نوشیدن مقدار زیاد آن حاصل می‌شود، حرام و ناپسند به شمار می‌رود.

۸۱ خروج، ۲۰، ۱۱ـ ۸.

۸۲ شنبه را به عبری شَبات می‌گویند که ریشهٔ آن به معنای استراحت کردن و دست از کار کشیدن است مانند کلمهٔ «سَبْت» در عربی. واژهٔ فارسی «شنبه» از همین شبات گرفته شده است.

۸۳ اعداد، ۱۵، ۳۵ ـ ۳۲.

۸٤ تثنیه، ۱۵.

۸۵ لاویان، ۲۵.

ولی بزرگداشت آن به مناسبت نجات بنی اسرائیل از ستم مصریان است. مراسم این عید در تورات مذکور است.[۸٦] عید فصح مهم‌ترین عید یهودیت است و در آن تنها استفاده از نان فطیر مجاز است.

٦. **عید هفته‌ها**: این عید پنجاه روز پس از عید فصح به مناسبت گذشتن هفت هفته و آماده شدن محصول، برگزار می‌شود. نام عبری آن «شاووعوت» (هفته‌ها) است.

۷. **عید اول سال**: این عید که به عبری «روش هشّانا» (رأس السّنة) نامیده می‌شود؛ در اوایل مهر قرار دارد. در آن روز برای آمادگی برای «دههٔ توبه» بوق می‌نواختند. روز دهم اهمیت خاصی داشت و آن را «یوم کیپور» می‌نامیدند.

۸. **یوم کیپور**: (روز کفاره)؛ این عیدِ بسیار مهم، دهمین روز از ماه تِشْری است و آن را «عاسور» (عاشورا) می‌نامند. یهودیان از غروب روز قبل تا شبانگاه این روز، به منظور کفارهٔ گناهان، به ترتیبی که گذشت، روزه می‌گیرند.

قداست این روز از شنبه بیش‌تر است و کار در آن حرام است.[۸۷] در یوم کیپور، یهودیان بنیادگرا لباس ژنده می‌پوشند.

۹. **عید سایبان‌ها**: یهودیان از روز بیست و دوم ماه تِشْری به یاد اقامت بنی اسرائیل در خیمه‌های صحرای سینا در عصر حضرت موسی (علیه السلام)، مدت یک هفته زیر سایبان زندگی می‌کنند. نام این عید به زبان عبری «سُوکّوت» (سایبان‌ها) است.

۱۰. **عید گشایش**: در عبری «حَنوکا» یادبود پیروزی یهود بر استعمارگران یونانی در سال ۱۶۸ قبل از میلاد است. در این روز معبد سلیمان به دست یهود از پلیدی‌ها و خرابی‌های دشمن تطهیر شد. این عید یک هفته پس از عید سایبان‌ها است.

۱۱. **عید قرعه‌ها**: در عبری «پوریم» نام دارد. این روز به مناسبت رفع خطر قتل عام یهودیان به توطئه «هامان» وزیر خشایارشا، عید قرار داده شده است. شرح مفصل این ماجرا در کتاب اَستر در عهد عتیق آمده است. وجه تسمیهٔ این روز به عید قرعه‌ها، این است که هامان برای تعیین روز اعلام تصمیم خود به پادشاه قرعه کشیده بود. عید مزبور در اواخر زمستان واقع می‌شود.

انتظار ظهور مسیحا

یکی از دوره‌های تاریخی قوم یهود، دورهٔ پادشاهان است. در این دوره کسانی که به پادشاهی می‌رسیدند، به دست مقامات روحانی با روغن مسح می‌شدند و به «ماشیَح» ملقب می‌شدند که در زبان عربی به معنای «مسح‌شده» است.[۸۸]

ماشیح علاوه بر قدرت اجرایی پادشاه، جنبهٔ روحانی نیز پیدا می‌کرد. از پادشاهی که به «ماشیح» ملقب می‌شد، انتظار می‌رفت ظلم را ریشه‌کن و عدالت را در جامعه پیاده کند.

---

۸٦ خروج، ۱۲.

۸۷ لاویان، ۱۶، ۳۴ ـ ۲۹.

۸۸ مثلاً در بارهٔ نصب شائول به پادشاهی بنی اسرائیل در کتاب مقدس می‌خوانیم: «پس سموئیل ظرف روغن را گرفت و بر سر وی ریخت و او را بوسید و گفت: آیا این نیست که خداوند تو را مسح کرد تا بر میراث او حاکم شوی»؛ کتاب اوّل سموئیل، ۱۰، ۱.

بعدها کسانی را که چنین انتظاری از آنان می‌رفت، گرچه روغن‌مالی نشده باشند، ماشیح می‌نامیدند. مثلاً کوروش که به یهودیان خدمت کرده بود، «مسیح خداوند» نامیده شده است،[۸۹] با این‌که چیزی در بارهٔ مسح شدن وی با روغن در تاریخ نیامده است.

به مرور زمان واژهٔ ماشیح برای اشاره به موعود یهود به کار رفت و دل‌های بنی اسرائیل از عشق به ماشیح موعود لبریز شد. برخی از یهودیان نیز آرمان ماشیح را توسعه دادند و مسائلی دیگر بر آن افزودند و گفتند که در دوران ماشیح برکات طبیعت افزایش می‌یابد. آنان چیزهایی را برای دوران ماشیح تخیل کردند که حتی در عصر درخشان داوود و سلیمان وجود نداشت.

واژه‌های «Messias» در یونانی، «Messiah» در لاتین، «مشیحا» در سریانی، «مسیا» در عربی و «مسیحا» در فارسی از روی همین واژهٔ عبری «ماشیَح» ساخته شده است. همچنین در زبان‌های اروپایی برای اندیشهٔ انتظار از واژهٔ «Messianism» استفاده می‌شود.

بزرگ‌ترین کسی که بر اثر اندیشهٔ انتظار لقب ماشیح گرفت، هرچند با روغن مسح نشد، حضرت عیسی (علیه السلام) بود.[۹۰]

یهودیان پس از نخستین ویرانی شهر قدس، همواره در انتظار یک رهبر الهی فاتح بوده‌اند که اقتدار و شکوه قوم خدا را به عصر درخشان داوود و سلیمان بر گرداند. شخصیت مورد انتظار ماشِیَح (مسیح، مسح‌شده) خوانده می‌شد.

مدعیان مسیحایی

شور و التهاب انتظار موعود در تاریخ پر فراز و نشیب یهودیت و مسیحیت موج می‌زند. یهودیان در سراسر تاریخ محنت‌بار خود، هر گونه خواری و شکنجه را به این امید بر خود هموار کرده‌اند که روزی مسیحا بیاید و آنان را از گرداب ذلت و درد و رنج رهاند و فرمانروای جهان گرداند.

از روزگار باستان تا عصر حاضر، صدها تن برخاستند و نغمهٔ مسیحایی ساز کردند، چند صباحی ساده‌دلان بنی اسرائیل را مجذوب خود ساختند و بلاهای جانکاهی بر بلاهای آن قوم افزوده‌اند. مثلاً چند قرن پس از میلاد، یک دلباختهٔ پرشور به نام «موسی» در جزیرهٔ «کِرِت» بر پا خاست، خود را مسیحا خواند و تمام جوامع یهودی جزیره را مجذوب خود ساخت.[۹۱] وی گفت می‌خواهم یک روز شما را از دریای مدیترانه عبور دهم و به فلسطین ببرم و در آن جا دولت مسیحایی تشکیل دهم. یهودیان کسب و کار خود را رها کردند و جریان عادی زندگی را به امید پرالتهابی مبدل ساختند، موسای جدید، مدعی بود که با خشک کردن دریا از طریق معجزه، آنان را به سرزمین موعود رهبری خواهد کرد. یهودیان در بارهٔ رسالت و قدرت او چنان یقین داشتند که همهٔ اموال خود را به او تقدیم کردند و مرد، زن و بچه، همگی به دنبال او به جانب دریا به راه افتادند. وی بر صخره‌ای که به دریا مشرف بود، ایستاد و به مریدان خود فرمان داد که خویش را به دریا افکنند و مطمئن باشند که دریا برای آنان شکافته خواهد شد. نتیجهٔ این امر را می‌توان به آسانی دریافت؛ جمعی غرق شدند و شماری را دریانوردان نجات دادند.

۸۹. اشعیا، ۴۵، ۱.

۹۰. البته باید توجه داشت که یهود در سراسر عمر خویش به خاطر زندگی سخت و پر محنتی که داشته است به دنبال یک مسیحا می‌گردد، اما تا به حال شرایط آن منجی را در هیچ یک از افراد (حتی در عیسی مسیح، نبیّ خدا) پیدا نکرده است.

۹۱. جزیرهٔ کرت در آن زمان از مراکز مهم یهودی به شمار می‌رفت.

مدعیان مسیحایی در قرن‌های متوالی گاهی فرقه‌هایی پدید آوردند که تا زمان ما باقی است، مانند فرقهٔ «دونمه» در ترکیه که از شَبتایْ صِبی، نامدارترین مسیحای دروغین (متوفای ۱۶۷۶ م) به یادگار مانده است.

انتظار مسیحا در عصر حاضر

حدود صد سال پیش متفکران یهود بیان کردند که دیگر انتظارمان برای مسیحای نجات‌دهنده به سر آمده و کاسهٔ صبرمان لبریز شده است. جا دارد که خود، برای پایان دادن به وضع موجود برخیزیم. آنان مکتب صهیونیسم را تأسیس کردند و با اشغال فلسطین، در صدد بر آمده‌اند حقارت همیشگی قوم یهود را بر افکنند. عموم یهودیان با این عمل موافق نبودند؛ زیرا طبق باورهای دینی، تنها مسیحا می‌توانست به چنین کاری دست بزند. اما صهیونیست‌ها بر این باور بودند که ما برای قیام مسیحا پایگاهی در فلسطین درست می‌کنیم. قانع کردن قومی که قرن‌ها در خیالات مسیحایی به سر برده بود، کاری مشکل بود. اما آنان با صبر و حوصلهٔ فراوان، برای این کار تبلیغ کردند، مهاجرانی را به فلسطین بردند و دولت غاصب اسرائیل را در اراضی اشغالی بنیاد نهادند. البته هنوز هم اقلیتی کوچک از یهودیان بنیادگرا بر اثر دلبستگی شدید به آرمان‌های قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی می‌دانند و پیوسته با آن مخالفت می‌کنند و می‌گویند باید به سنت انتظار ادامه داد.

باید دانست که اکنون افراطی‌ترین گروه‌های صهیونیست مانند «گوش‌اِمونیم» و افراطی‌ترین گروه‌های ضد صهیونیست مانند «نِطورای کارتا» به یک اندازه در شوق ظهور مسیحا روزگار می‌گذرانند.

جمعی از مریدان حکیم و عارف یهودی «مناخم مِندِل اِشنیرسون»[۹۲] معتقد شده بودند که وی مسیحای موعود است و روزی قیام خواهد کرد و مرگ این مسیحا در نود سالگی به سال ۱۹۹۲ میلادی، خاطر آن مریدان را بسیار پریشان و آشفته کرد.

چکیده

- ✓ روز شنبه یکی از اعیاد یهودیان است که کار کردن در آن حرام و گناه کبیره است و آنان در آن روز به عبادت و استراحت می‌پردازند.
- ✓ عید فِصْح (پِسَح) به مناسبت چشم‌پوشی خداوند از قتل نخست‌زادگان بنی اسرائیل گرامی داشته می‌شود.
- ✓ کیپور دهمین روز از ماه تِشْری است که یهودیان آن را روزه می‌گیرند.
- ✓ سال یوبیل، سال انفکاک، عید هفته‌ها، عید اول سال، عید سایبان‌ها، عید گشایش و عید قرعه‌ها از دیگر اعیاد یهودیان است که به مناسبت‌های مختلف آن را گرامی می‌دارند.
- ✓ به پادشاهی که با روغن مقدس مسح می‌شد، «ماشیح» می‌گفتند و به مرور زمان واژهٔ ماشیح برای اشاره به موعود یهود به کار رفته است.
- ✓ بزرگ‌ترین کسی که بر اثر اندیشهٔ انتظار لقب ماشیح گرفت، هرچند با روغن مسح نشد، حضرت عیسی (علیه السلام) بود.
- ✓ تاکنون در یهودیت صدها تن برخاستند و نغمهٔ مسیحایی ساز کرده‌اند. برخی از آنان فرقه‌هایی نیز پدید آورده‌اند.

---

۹۲. Menachem Mendel Scheerson.

- ✓ امروزه اقلیتی کوچک از یهودیان بنیادگرا بر اثر دلبستگی شدید به آرمان‌های قدیم، تشکیل دولت صهیونیستی را مخالف آرمان مسیحایی می‌دانند.

جلسهٔ دوازدهم

ظهور مسیحیت

اهداف درس

آشنایی با:
- ✓ نام‌های پیروان حضرت عیسی (علیه السلام)؛
- ✓ جهان در آستانهٔ ظهور عیسی مسیح (علیه السلام).

مروری بر مباحث پیشین

در جلسات گذشته، به طور اجمالی با زردشتی‌گری، مانویت، آیین مزدک و یهود آشنا شدیم و اندکی پیرامون اعتقادات و فرقه‌های ایجاد شده، آداب و رسوم، کتاب‌ها، شخصیت‌ها و تاریخ آن‌ها سخن گفتیم.

در این جلسه، مباحث مربوط به آیین مسیحیت را آغاز می‌کنیم.

پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) و نام‌های آنان

نصارا

پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) را به دو دلیل «نصارا» می‌نامند:

الف) به گفتهٔ برخی از مسیحیان، عیسی (علیه السلام) زمان کودکی را در شهر «ناصره» در جلیل سپری کرد و در آن جا پرورش یافت. از این رو، به «عیسای ناصری» مشهور شد.[۹۳] به پیروان عیسای ناصری[۹٤] «نصارا» گویند. عهد عتیق از این شهر نامی به میان نیاورده است؛ اما در عهد جدید ۲۹ مرتبه از آن یاد شده است. بنا بر این، نصارا از واژهٔ «ناصره» گرفته شده است.

ب) برخی واژهٔ نصارا را از واژهٔ ناصر (یاری‌دهنده) می‌دانند. این گروه به یکی از آیات قرآن کریم استناد می‌کنند که حضرت عیسی (علیه السلام) وقتی از حواریونش پرسید: چه کسی مرا در راه خدا یاری خواهد کرد، شاگردانش گفتند: ما چنین خواهیم کرد.[۹۵] بنا بر این، نصارا از واژهٔ «ناصر» به معنای «یاری‌دهنده» گرفته شده است.

مسیحی

دورهٔ پنجم تاریخ قوم یهود به دورهٔ پادشاهی معروف است. در این دوران، پادشاهان از سوی انبیا و شخصیت‌های روحانی با روغن مقدس، روغن‌مالی می‌شدند. این پادشاهان علاوه بر قدرت اجرایی از قدرت معنوی برخوردار می‌شدند و لقب «ماشِیَح» (روغن‌مالی شده) به خود می‌گرفتند. پس از این عمل از آنان انتظار می‌رفت که منجیان بشر باشند و مظلومان را از ظلم و ستم برهانند. با گذشت زمان به هر کس که چنین انتظاری از او می‌رفت، گرچه روغن‌مالی نشده باشد، عنوان ماشیح (مسیح) داده شد. عیسی (علیه السلام) از جمله کسانی است که بدون روغن‌مالی عنوان مسیح گرفت و به عیسی مسیح مشهور شد. به پیروان عیسی مسیح، مسیحی گویند.

---

۹۳. *قاموس کتاب مقدس*، مدخل ناصره، ص ۸۶۵.

۹٤. مرقس، ۱۰/۴۷.

۹۵. فَلَمّا أَحَسَّ عِیسیٰ مِنهُمُ ٱلكُفرَ قَالَ مَن أَنصَارِی إِلَی ٱللهِ قَالَ ٱلحَوَارِیُّونَ نَحنُ أَنصَارُ ٱللهِ آمَنَّا بِاللهِ وَٱشهَد بِأَنَّا مُسلِمُونَ ؛ آل عمران/ ۵۲.

جهان در آستانهٔ ظهور عیسی مسیح (علیه السلام)

حضرت عیسی مسیح (علیه السلام) در نقطه‌ای از جهان متولد شد که زیر سلطهٔ رومیان قرار گرفته بود و فلسطین در سال ۶۳ قبل از میلاد، یکی از آخرین سرزمین‌هایی بود که به دست رومیان تسخیر شد. در آن عصر، بنی اسرائیل به شکل نامطلوبی زیر یوغ بیگانگان قرار داشتند و فشار دولت روم غیر قابل تحمل بود. نهضت‌های نافرجامی در گوشه و کنار فلسطین برخاست، ولی بی‌رحمانه سرکوب شد. رسالت حضرت عیسی (علیه السلام) نیز در ظاهر یک نهضت بود؛ نهضتی که در آغاز شکست خورد، ولی بعدها شاگردان و پیروان او با عزمی استوار آن رسالت را نشر دادند. برخی از بازماندگان آیین‌های پیشین نیز جذب این آیین شدند.

بررسی و شناسایی محیطی که مسیحیت در آن پا گرفت، ما را در شناخت بهتر این آیین کمک می‌کند. برای آگاهی از موقعیت جهان در آستانهٔ ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) گریزی از بررسی اوضاع فرهنگی، سیاسی، مذهبی و اجتماعی جهان در آن دوره نیست.

اوضاع فرهنگی

اسکندر مقدونی که تربیت یافتهٔ «ارسطو» و تحت تأثیر «ایلیا هومر»[۹۶] بود، در سال ۳۳۴ قبل از میلاد، از مقدونیه برای تسخیر آسیا حرکت کرد. وی در مدتی کوتاه بر آسیای صغیر، سوریه، فلسطین، مصر، بین النهرین، ایران و ... دست یافت. امپراطوری وی بعد از مرگش، که در جوانی روی داد، بین سردارانش تقسیم شد. «بطلیموس» در مصر سلسلهٔ بطالسه و «سلوکید» در سوریه و بین النهرین، فرمانروایی سلوکیه را تشکیل داد.

حضور نظامی و فرهنگی اسکندر و جانشینانش در منطقه‌ای که عیسی (علیه السلام) در آن ظهور یافت، موجب رواج اندیشه‌ها و تعالیم فیلسوفان یونانی شد. در عصر ظهور حضرت عیسی (علیه السلام)، مکتب‌های فلسفی از نقطهٔ اوجی که در دورهٔ افلاطون به آن رسیده بود، تنزّل کرد.[۹۷] در «فلسفهٔ رواقی[۹۸] واِپیکوری»[۹۹] اندیشه‌های فردگرایانه وجود داشت. برخی به «فلسفهٔ ناستیکی»[۱۰۰] گرایش داشتند و گروهی به «فلسفهٔ کَلبی»[۱۰۱] و گروهی به «شک‌گرایی»[۱۰۲] روی آورده بودند.

---

۹٦. Homer شاعر حماسه‌سرای یونان در قرن هشتم قبل از میلاد.

۹۷. فلسفهٔ افلاطونی در قرن چهارم قبل از میلاد به وسیلهٔ افلاطون، دوست و شاگرد سقراط، پایه‌گذاری شد.

۹۸. مؤسس فلسفهٔ رواقی زِنون (۳۴۰ ـ ۲۶۵ ق.م) از اهالی قبرس بود. زنون باور داشت که جهان را یک عقل مطلق یا ارادهٔ الهی که جزئی از ذات جهان است، اداره می‌کند و برای خدا شخصیت جداگانه‌ای نمی‌شناخت.

۹۹. بنیان‌گذار این مکتب اپیکور بود. وی در سال ۳۴۲ قبل از میلاد، در آتن به دنیا آمد و مدرسهٔ خود را در حدود ۳۰۶ قبل از میلاد، در آن شهر بر پا کرد. اساس اخلاق اپیکوری این بود که تنها چیز خوب لذت است. لذت بر دو گونه است: جسمانی و روحانی. لذت جسمانی فقدان درد است و لذتِ روحانی فقدان ترس و تشویش.

۱۰۰. این واژه به شکل «غَنوصی» و «گَنوسی» نیز به کار می‌رود. این مکتب وعده می‌داد که نجات از راه معرفت حاصل می‌شود. واژهٔ «ناستیک» از نوسیس (gnosis) یونانی به معنای «دانایی و معرفت» می‌آید.

۱۰۱. پیروان این مکتب، والاترین صفت اخلاقی را رهایی از تمامی آرزوها و تمایلات و نداشتن نیاز و احتیاج می‌دانستند. سرچشمهٔ این مکتب فکری آموزه‌های سقراط بود.

۱۰۲. جنبش «شکاکیت» با پیرهو الیسی (۳۶۵ ـ ۲۹۵ ق.م) آغاز شد. پیرهو، از کشمکش میان دو فلسفهٔ جزمی رواقی و اپیکوری به این اندیشه رسید که جست و جوی حقیقت، کاری بی حاصل و دست‌یابی به معرفتِ یقینی محال است.

اسکندر و سردارانش به نشر تمدن یونانی پرداختند و با تأسیس مدارس، زبان یونانی را تعلیم دادند. آداب و رسوم یونانی رواج یافت. سبک‌های معماری در شهرها، از یونان اقتباس شد. زبان رسمی دولت معمولی مردم، یونانی شد. در بخش گسترده‌ای از جهان قدیمْ، تمدن، علوم و زبان یونانی منتشر گردید.

عیسی مسیح (علیه السلام) در چنین فضایی به رسالت برگزیده شد. طبیعی بود که کتاب مقدس مسیحیان نیز به زبان یونانی نوشته شود. مبلغان مسیحیت با در دست داشتن کتاب مقدس یونانی، به زبان یونانی با مردمی که یونانی حرف می‌زدند، سخن می‌گفتند. هم‌زبانی مردم و مبلغان مسیحی در بسط و گسترش مسیحیت تأثیر بسزایی گذاشت.

اوضاع سیاسی

حاکمیت سیاسی بر منطقه‌ای که حضرت عیسی (علیه السلام) در آن جا ظهور کرد، از آنِ امپراطوری روم بود. نام امپراطوری روم از پایتخت کشور ایتالیا گرفته شده است. حدود ۵۰۰ قبل از میلاد، سه دهکده در ایتالیای مرکزی متحد شدند و تشکیل شهری به نام «رم» دادند. رومیان در مدتی کوتاه با بستن پیمان‌ها و گاهی با جنگ‌های خونین، خود را به بزرگ‌ترین دولت سیاسی مغرب‌زمین تبدیل کردند. آنان «سلوکیان» را در سال ۶۴ قبل از میلاد، در سوریه شکست دادند و سپس با غلبه بر «بطالسه»، مصر را به چنگ آوردند. سرانجام امپراطوری سه هزار مایلی روم از شرق به رود فرات و از غرب به جبل الطارق و اقیانوس اطلس امتداد یافت. دشمنی دائمی سلوکی‌های سوریه و بطالسهٔ مصر، سرزمین فلسطین را میان چکش و سندان قرار داده بود؛ به گونه‌ای که سلوکی‌ها و بطالسه هر یک این سرزمین را مدتی در تصرف خود داشتند تا این‌که فلسطین در زمان حضرت عیسی (علیه السلام) زیر فرمان امپراتور روم قرار گرفت. فرماندار آن جا «پِنطیوس پیلاطُس»[۱۰۳] نام داشت که امپراتور، وی را تعیین کرده بود.

با حاکمیت رومیان به تدریج تمدن امپراطوری روم انتشار یافت. امّا هنوز زبان یونانی مهم‌ترین زبانی بود که به کار می‌رفت. یونانی‌ها با فرهنگ و تمدن خود فاتحان خود را مغلوب ساختند. چراکه حتی بردگان یونانی از مالکان رومی خود باسوادتر بودند. آنان در بسیاری از خانه‌های رومی وارد شدند و به کار معلمی، پزشکی، حساب‌داری و نظارت بر امور تجاری می‌پرداختند. گرچه در این دوره، حاکمیت سیاسی با رومیان بود، اما فرهنگ یونانی همچنان حاکمیت خویش را حفظ کرد.

ادارهٔ کشور به صورت ایالتی بود. به جز خود ایتالیا، دیگر قسمت‌های امپراتوری روم حکومت ایالتی داشتند. ایالت‌ها تا زمان «قسطنطین» به دولت مرکزی باج می‌دادند و هیچ گاه با روم برابر و مساوی به حساب نمی‌آمدند. فرمانداران رومی اغلب به نظر شوراهای ایالتی توجه می‌کردند. شهرها در ادارهٔ امور خود به حدّی آزادی داشتند که می‌توانستند سکّه بزنند.

اوضاع مذهبی

در محیطی که حضرت عیسی (علیه السلام) ظهور کرد، ادیان گوناگونی، رواج داشت. برخی از مردم پیرو آیین یهود بودند، گروهی به خدایان متعدد یونان و روم اعتقاد داشتند، بعضی امپراتور را می‌پرستیدند، عده‌ای هم به مذاهب سرّی و رمزی روی آورده بودند و پرستش ارواح نیک و بد و جادوگری، آیین گروهی دیگر بود.

---

۱۰۳. متّی، ۱۱/۲۷.

هنگامی که مسیحیت ظهور کرد، با مذاهبی که از مدت‌ها قبل وجود داشت، دست و پنجه نرم کرد. از آن جا که آیین مذهبی پیش از آمدن عیسی (علیه السلام) یهودیت بود، برخی از یونانیان و رومیان مجذوب این مذهب شدند و خدای یهود را اطاعت می‌کردند. آنان در پذیرش مسیحیت پیشگام دیگران بودند و هنگامی که رسولان عیسی مسیح (علیه السلام) آنان را به عیسی فرا می‌خواندند، آنان با آغوش باز می‌پذیرفتند.

همگان در ابتدا پیروان مسیحیت را شعبهٔ کوچکی از یهودیت می‌دانستند. خود عیسی (علیه السلام) نیز یهودی بود و در خانوادهٔ یهودی به دنیا آمد. او مانند تمام پسران یهود ختنه شد.[١٠٤] وی در نوجوانی به اورشلیم برده شد تا در مراسم عید فصح شرکت کند.[١٠٥] پیش از آمدن عیسی (علیه السلام) یهودیان در انتظار آمدن مسیح موعود برای نجات بنی اسرائیل بودند.

یکتاپرستی، قوانین اخلاقی (مانند ده فرمان)، کتب عهد عتیق، امید به ظهور مسیحای موعود و کنیسه مهم‌ترین میراثی بود که آیین یهود در اختیار مسیحیت قرار داد. بدین‌سان پس از مسیحی شدن رومیان در قرن چهارم، از تمام آیین‌های رایج در امپراتوری روم، تنها آیین یهود تداوم یافت.

اوضاع اجتماعی

از آن جا که یونانیان و رومیان عقیده‌ای به حیات آینده و ترسی از روز داوری نداشتند، به هر گناه و خطایی دست می‌زدند. فسق و جنایت همه جا را فرا گرفت؛ خرافات بسیاری دست و پای مردم را بست. مردم از جنّ می‌ترسیدند. گروهی بر این باور بودند که جهان پر از ارواح و شیاطین است که اگر انسان، راه و روش صحیح برای تماس با آن‌ها را بیاموزد، با کمک آن‌ها به انجام خواسته‌های خود توانا می‌گردد. اعتقاد به جادوگری، فالگیری و پیشگویی با استفاده از پرواز پرندگان، احضار ارواح و بیرون کردن روح‌های پلید و ... بود. فن پیشگویی از روی ستارگان در زمان مسیح (علیه السلام) اهمیت فراوانی داشت. عصمت و پاکدامنی بین مردان و زنان کمیاب و ناهنجاری‌های فامیلی گسترش یافت. در چنین محیطی تعالیم یک منجی به سرعت پذیرفته می‌شد.

راز فرمانروایی روم این بود: «تفرقه بینداز و حکومت کن». در اثری از سیسرون[١٠٦] (۱۰۶ ـ ۴۳ ق.م) فیلسوف، سیاستمدار و خطیب رومی آمده است:

> از ستم و آزمندی ما همهٔ ایالت‌ها به شیون، همهٔ مردان آزاد به فغان و همهٔ مناطق در اعتراض هستند. از این اقیانوس تا آن اقیانوس، جایی، حتی نهان و دورافتاده، نمی‌توان یافت که طعم تلخ طمع و ستم ما را نچشیده باشد.[١٠٧]

چکیده

✓ پیروان حضرت عیسی (علیه السلام) با دو نام خوانده می‌شوند: نصارا و مسیحیان.

---

١٠٤. لوقا، ۲۱/۲.

١٠٥. لوقا، ۴۱/۲ ـ ۴۲.

١٠٦. *تاریخ تمدن*، ج ۳، ص ۵۴۵.

١٠٧. متّی، ۱۱/۲۷.

- نصارا از واژهٔ ناصره محل پرورش حضرت عیسی (علیه السلام) یا از واژهٔ ناصر بـه معنـای یـاری‌دهنـده، گرفته شده است.
- مسیح همان واژهٔ ماشیح عبری است که به حضرت عیسی (علیه الـسلام) اطـلاق شـد و از ایـن رو، بـه پیروانش مسیحی گفتند.
- محیطی که عیسی (علیه السلام) در آن ظهور یافت، تحت تأثیر تمدن یونانی بود. این تـأثیر بـه واسـطهٔ حضور فرهنگ و تمدن یونان به دست اسکندر و جانشینانش در منطقه بود.
- در عصر ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) گرایش به مکتب‌های فلسفی رواقـی، اپیکـوری، ناسـتیکی، کلبی و شک‌گرایی وجود داشت.
- گرچه منطقه‌ای که عیسی (علیه السلام) در آن ظهور یافت، از نظر فرهنگی تحت تأثیر تمدن یونانی قرار داشت؛ اما از نظر سیاسی امپراطوری روم بر آن استیلا داشت.
- در محیط ظهور حضرت عیسی (علیه السلام) وضعیت اجتماعی منطقه با توجه بـه رواج ادیـان گونـاگون مانند: آیین یهود، اعتقاد به خدایان متعدد یونان، تحت تأثیر اعتقـادات و آداب مختلفـیماننـد اعتقـاد بـه جادوگری، فالگیری و پیشگویی قرار داشت.

جلسۀ سیزدهم

میلاد مسیح (علیه السلام) و رسالت ایشان

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ زمان و مکان تولد حضرت عیسی (علیه السلام)؛
- ✓ رشد و شکوفایی؛
- ✓ رسالت آن حضرت.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته در مبحث ظهور مسیحیت و نام‌گذاری پیروان عیسی (علیه السلام) دو نام نصارا و مسیحی بررسی شد و موقعیت اجتماعی، فرهنگی ـ مذهبی و سیاسی عصر ظهور عیسی مسیح مورد توجه قرار گرفت.

در این جلسه، مسیحیت را با زمان تولد و محیط پرورش حضرت عیسی (علیه السلام) و رسالت الهی ایشان پی می‌گیریم.

زمان و مکان تولد حضرت عیسی مسیح (علیه السلام)

از سرگذشت حضرت عیسی (علیه السلام) در آغاز تولد و دوران کودکی و جوانی وی اطلاع و آگاهی مستقیمی در دست نیست. آنچه گفته می‌شود از لا به لای کتاب‌های تاریخ است که مطالب آن‌ها به انجیل یا قرآن مجید باز می‌گردد.

پژوهشگران در بارهٔ سال تولد حضرت عیسی (علیه السلام) احتمالات گوناگونی داده‌اند. از نظر ایشان، تاریخ میلادی برای تعیین سال تولد آن حضرت کارساز نیست؛ زیرا آن تاریخی که در قرن ششم میلادی پدید آمده است، دقیق نیست. از این رو، آنان به شواهدی که احیاناً در متون تاریخی یافت می‌شود، متوسل شده و با توجه به آن، از سال هشتم قبل از میلاد تا سال دوازدهم میلادی را برای زمان واقعی میلاد پیشنهاد کرده‌اند.

کلِمنت اسکندری[۱۰۸] (۲۱۵ م) باورهای مختلفی را که در روزگار وی در بارهٔ زادروز حضرت عیسی (علیه السلام) وجود داشته است، به این ترتیب بیان می‌کند:

نوزدهم آوریل، بیستم مه، ششم ژانویه، بیست و پنجم دسامبر، اما خود، آن را هفدهم نوامبر سال سوم قبل از میلاد می‌داند. کلیسای روم و برخی از کلیساهای غربی در سال (۳۵۴ م)، بیست و پنجم دسامبر را برای زادروز عیسی (علیه السلام) تعیین کردند. این روز پیش از آن، روز تولد میترا (مهر) بود. اگرچه کلیساهای مشرق زمین هم‌کیشان غربی خود را به سبب این کار، به مهرپرستی متهم می‌کردند، ولی آن کلیساها نیز در پایان قرن چهارم میلادی، بیست و پنجم دسامبر را به عنوان زادروز حضرت عیسی (علیه السلام) پذیرفتند.

انجیل‌های متّی و لوقا، تولد حضرت عیسی (علیه السلام) را در روزگار پادشاهی هیرودیس[۱۰۹] در یهودیه

---

108 .Clement of Alexandria

109 .Herod

می‌دانند.[۱۱۰] در آن زمان یهودیه بخشی از سوریه به شمار می‌رفت؛ سوریه نیز یکی از ایالات امپراتوری روم بود.

در مکان تولد حضرت عیسی (علیه السلام)، انجیل‌های متّی و لوقا، بیت لحم در هشت کیلومتری اورشلیم را زادگاه حضرت عیسی (علیه السلام) می‌دانند. یهودیان بر این باور بودند که مسیحای موعود باید از نسل حضرت داوود (علیه السلام) باشد که خاندان او در بیت لحم ساکن بوده‌اند. برخی از محققان و ناقدان کتاب مقدس می‌گویند؛ متّی و لوقا برای تقویت و اثبات ادعای خود که عیسی همان مسیحای موعود است، بیت‌لحم را زادگاه حضرت عیسی (علیه السلام) معرفی کرده‌اند و ناصره واقع در جلیل را محل پرورش و زندگی حضرت عیسی (علیه السلام) می‌دانند. انجیل مرقُس از بیت لحم سخنی به میان نمی‌آورد و او را عیسای ناصری می‌نامد.

البته شهری به نام ناصره در عهد عتیق، آثار یوسیفوس و تلمود یافت نمی‌شود. پیشینهٔ شهر ناصرهٔ کنونی قطعاً از قرن چهارم میلادی فراتر نمی‌رود و شهرت آن، متعلق به هنگامی بود که زیارت گستردهٔ اماکن مذهبی آغاز شد. تنها منبع ما در بارهٔ وجود این شهر سنت مسیحی است. شاید کسی نتواند به جرئت بگوید که در عصر عیسی (علیه السلام) شهری به نام ناصره وجود داشته است. ممکن است روستایی به نام ناصره وجود داشته است، اما به دلیل گمنامی نویسندگان یهودی بدان توجه نکرده‌اند.

میلاد مسیح (علیه السلام) در قرآن مجید

تولد شگفت‌آور حضرت عیسی (علیه السلام) در قرآن کریم آمده است: حضرت مریم (سلام الله علیها) از خانوادهٔ خویش جدا شد و در خلوت‌گاهی با روح خدا که به شکل انسانی خوش‌سیما درآمده بود، رو به رو شد. آن حضرت، مژدهٔ پسر پاکیزه‌ای را دریافت کرد. وی مأموریت یافت تا در پاسخ کسانی که از او در بارهٔ فرزندش توضیح می‌خواهند، سکوت کند. در این هنگام، عیسی زبان به سخن گشود و گفت: من بندهٔ خدا هستم، او به من کتاب بخشید، مرا پیامبر قرار داد، وجودم را با برکت کرد و به نماز، زکات و نیکی به مادر توصیه کرده است.[۱۱۱]

لازم به یادآوری است که پدر نداشتن حضرت عیسی (علیه السلام) در مسیحیت مسئله‌ای اعتقادی است که فقط از اناجیل معلوم شده و آن حضرت به حسب ظاهر، پدری به نام «یوسف نجار» داشته است. ولی همین قضیه در قرآن مجید به صورت مسئله‌ای تاریخی نقل شده است که مردم بر سر حضرت مریم (علیها السلام) فریاد کشیده‌اند و او را که شوهر نداشته است، به بی‌عفتی متهم کرده‌اند. از این رو، لازم شده است که او روزهٔ سکوت بگیرد تا خود نوزاد به قدرت خدای متعال به سخن آید و از مادرش رفع تهمت کند. اتهام حضرت مریم (علیه السلام) و رفع آن اتهام در مسیحیت مطرح نیست و چنین چیزی به گوش مسیحیان نخورده است.

در قرآن اشاره‌ای به نامزدی حضرت مریم با یوسف نجار وجود ندارد. از سوی دیگر، این کتاب الهی در مقابل اتهام بی‌عفتی به حضرت مریم ایستادگی می‌کند و در چند آیه هر گونه بدگویی در بارهٔ آن حضرت را ناورا می‌داند.[۱۱۲]

---

۱۱۰. متّی، ۱/۲ و لوقا، ۵/۱.

۱۱۱. مریم/ ۳۳ ـ ۱۶.

۱۱۲. نساء/ ۱۵۶.

میلاد مسیح (علیه السلام) در اناجیل

داستان تولد حضرت عیسی (علیه السلام) در اناجیل متّی و لوقا آمده است. مسیحیان بر این باورند، آن زمان که امپراطوری روم، فرمان سرشماری نفوس را صادر کرد. نجاری به نام یوسف از اهل ناصره برای حضور در این سرشماری به سوی وطن اجدادیش بیت لحم روانه شد. نامزد او مریم (سلام الله علیها) که هنوز باکره بود، به قدرت الهی باردار شد. آن دو به خاطر کثرت جمعیتی که برای سرشماری به بیت لحم آمده بودند، جایی برای سکونت نیافتند. از این رو، مجبور شدند در طویله‌ای مسکن گزینند. عیسی (علیه السلام) در آن شب به دنیا آمد و مادرش او را در آخور خوابانید.[۱۱۳]

رشد و پرورش

حضرت عیسی (علیه السلام) از بنی اسرائیل بود. بنی اسرائیل که معمولاً «یهودی» نامیده می‌شوند. پیوسته به ظواهر شرع حضرت موسی (علیه السلام) پای‌بند بوده‌اند. عیسی نیز که در خانواده‌ای یهودی به دنیا آمده بود، مانند همهٔ کودکان یهودی در روز هشتم ختنه شد.[۱۱٤] پس از تولد، نام «یِشوع» (نجات خدا) بر او نهادند.[۱۱۵]

یونانیان این واژه را به «ایسوس»[۱۱٦] و رومیان به «یِسوس»[۱۱۷] تبدیل کردند که در زبان عربی «عیسی» شد.

او در دوازده سالگی همراه خانواده‌اش به اورشلیم رفت تا در مراسم عید فصح (سالروز آزادی بنی اسرائیل از مصر) شرکت کند.[۱۱۸]

متّی از برادران عیسی (علیه السلام) با نام‌های «یعقوب، یوسف، شمعون و یهودا» یاد می‌کند و مرقس به جای یوسف از «یوشا» نام می‌برد. متّی و مرقس از خواهران عیسی (علیه السلام) نیز یاد می‌کنند؛ اما نام آنان را نمی‌آورند. کلمنت، جِروم[۱۱۹] و ترتولیان از پدران کلیسا، به بکارت همیشگی مریم معتقد بودند. اعتقاد مسیحیان کاتولیک و ارتدکس بر این است که حضرت مریم (علیه السلام) تا آخر عمر باکره بود. بنا بر این، محال است حضرت عیسی (علیه السلام) برادرانی به معنای واقعی داشته باشد؛ آنان عبارت متّی و مرقس را در این باره تأویل می‌کنند. اگرچه مسیحیان پروتستان تولد عیسی (علیه السلام) را از مریم باکره می‌دانند، ولی بر این باورند که مریم و یوسف نجار پس از ولادت عیسی (علیه السلام) با زندگی زناشویی طبیعی خود فرزندانی را به دنیا آورده‌اند. عبارتی از انجیل متّی که آمیزش یوسف نجار با همسرش را پس از به دنیا آمدن حضرت عیسی (علیه السلام) می‌داند، می‌تواند تأییدی بر این باور باشد.[۱۲۰]

---

۱۱۳. لوقا، ۲/ ۷ ـ ۱.

۱۱٤. لوقا، ۲/ ۲۱.

۱۱۵. برگرفته از لوقا ۲/ ۳۰.

116. Iesous

117. Iesus

۱۱۸. لوقا، ۲/ ۴۱.

119. Jerome

۱۲۰. متّی، ۱/ ۲۵ ـ ۲۴.

رسالت عیسی (علیه السلام)

به گفتهٔ اناجیل، اندکی پس از برانگیخته شدن حضرت عیسی مسیح (علیه السلام)، حضرت یحیی بن زکریا (علیه السلام)، پیامبر جوان و پرآوازهٔ بنی اسرائیل در سرزمین یهودیه قیام کرد و به موعظهٔ مردم پرداخت. این پیامبر به مردم می‌گفت: «توبه کنید؛ زیرا ملکوت آسمان[۱۲۱] نزدیک است».[۱۲۲]

به گفتهٔ اناجیل، حضرت عیسی (علیه السلام) در زمانی که حدود سی سال داشت، از ناصرهٔ جلیل به ساحل رود اردن رفت تا حضرت یحیی (علیه السلام) وی را تعمید دهد. اندک اندک حضرت یحیی با«هیرودیس تیترارْخ»، پادشاه فاسد و ستمگر ایالت جلیل به مخالفت برخاست و پس از چندی به فرمان وی سر او را در زندان بریدند.[۱۲۳]

پس از شهادت حضرت یحیی (علیه السلام) شاگردانش جسد او را به خاک سپردند و شهادت وی را به حضرت عیسی (علیه السلام) اطلاع دادند. آن گاه عیسی (علیه السلام) به جلیل آمد و شروع به موعظه کرد و او نیز می‌گفت: «توبه کنید؛ زیرا ملکوت آسمان نزدیک است».[۱۲٤]

رهبران یهود، زمانی با حضرت عیسی (علیه السلام) به مخالفت برخاستند که مشاهده کردند وی آرزوی آنان برای قیام یک مسیح فاتح را بر نمی‌آورد و از سوی دیگر بر ضد نابهنجاری‌های اخلاقی و رفتارهای ناپسند آنان به ستیز برخاسته است.

در واقع، حضرت عیسی (علیه السلام) موفق نشد حکومتی الهی که مورد انتظار بنی اسرائیل بود، تأسیس کند و بر این اساس، یارانش گفتند که وی آمده بود تا قربانی گناهان بشر شود و دیگر این‌که، به زودی برای واپسین داوری باز خواهد گشت و این دو مسئله زیربنای مسیحیت شد.

از سوی دیگر یهودیان گفتند که برپا نشدن حکومتِ آرمانی بنی اسرائیل به دست حضرت عیسی (علیه السلام) و مصلوب شدن خود او اثبات می‌کند که وی نه مسیحای موعود، بلکه یکی از مدعیان بی‌شمار مسیحایی در تاریخ یهود بوده است.

عیسی (علیه السلام) در انجام رسالت خویش، آموزه‌هایش را از جانب خود نمی‌دانست و آن‌ها را به فرستنده‌اش استناد می‌داد. وی در پاسخ به این پرسش که چگونه کتب را می‌داند، می‌گفت:

تعلیم من از من نیست؛ بلکه از فرستندهٔ من است.[۱۲۵]

چکیده

- ✓ در بارهٔ سال تولد حضرت عیسی (علیه السلام) احتمالات گوناگونی داده شده است.
- ✓ به گفتهٔ عهد جدید، تولد حضرت عیسی (علیه السلام) در روزگار پادشاهی هیرودیس در یهودیه بوده است.
- ✓ کلیساها در پایان قرن چهارم، بیست و پنجم دسامبر را به عنوان زادروز حضرت عیسی (علیه السلام) پذیرفتند.

---

۱۲۱. از دیدگاه بنی اسرائیل، ملکوت آسمان گونه‌ای حکومت الهی بود که آرمان مقدس آنان به شمار می‌رفت.

۱۲۲. متّی، ۳/ ۲؛ مرقس، ۱/ ۴ و لوقا، ۳/ ۳.

۱۲۳. متّی، ۱۴/ ۱۲ ـ ۱؛ مرقس، ۶/ ۲۹ ـ ۱ و لوقا، ۹/ ۹ ـ ۷.

۱۲٤. متّی، ۴/ ۱۷.

۱۲۵. یوحنّا، ۱۷/۷ ـ ۱.

- بیت لحم به عنوان زادگاه حضرت عیسی (علیه السلام) و ناصره واقع در جلیل به عنوان محل پرورش و زندگی حضرت عیسی (علیه السلام) معرفی می‌شود.
- گرچه پدر نداشتن حضرت عیسی (علیه السلام) برای مسیحیان یک امر اعتقادی است، اما از اناجیل معلوم می‌شود که آن حضرت به حسب ظاهر، پدری به نام «یوسف نجار» داشته است.
- به عقیدهٔ مسیحیان پرورش عیسی (علیه السلام) در یک محیط یهودی بوده است.
- به عقیدهٔ کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها حضرت مریم (علیه السلام) تا آخر عمر باکره بوده است.
- به عقیدهٔ کاتولیک‌ها و ارتدوکس‌ها، محال است حضرت عیسی (علیه السلام) برادرانی به معنای واقعی کلمه داشته باشد؛ آنان عبارت متّی و مرقس را در این باره تأویل می‌کنند.
- پروتستان‌ها اگرچه تولد عیسی (علیه السلام) را از مریم باکره می‌دانند، ولی بر این باورند که مریم و یوسف نجار پس از ولادت عیسی (علیه السلام) با زندگی زناشویی طبیعی خود فرزندانی را به دنیا آورده‌اند.
- به گفتهٔ مسیحیان موعظهٔ حضرت مسیح (علیه السلام) پس از شهادت حضرت یحیی (علیه السلام) بود.
- یهودیان، عیسی (علیه السلام) را نه مسیحای موعود، بلکه یکی از مدعیان بی‌شمار مسیحایی در تاریخ یهود می‌دانند.

جلسهٔ چهاردهم

کتاب‌های مقدس مسیحیان

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ کتاب مقدس مسیحیان؛
- ✓ اپوکریفای عهد جدید؛
- ✓ شیوهٔ ارجاع به کتاب مقدس.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته از آیین مسیحیت و چگونگی پیدایش آن، مباحثی پیرامون میلاد عیسی مسیح (علیه السلام) از دیدگاه اناجیل و قرآن مجید به میان آمد و همچنین در کیفیت رشد و پرورش و رسالت این پیامبر الهی مطالبی بیان شد.

در این جلسه با کتاب‌های مقدس مسیحیان و مؤلفان آن آشنا خواهیم شد.

عهد جدید

به عنوان یادآوری باید ذکر کرد که مسیحیان معتقدند خداوند با انسان به‌ویژه بنی اسرائیل دو پیمان کهن و جدید بسته است. قسمتی از کتاب مقدس که در بارهٔ پیمان کهن سخن می‌گوید، عهد عتیق و بخشی که در بارهٔ پیمان نو سخن می‌گوید، عهد جدید نامیده می‌شود. عهد جدید به زبان یونانی نگارش یافته است.

مسیحیان بر این باورند که چون عیسی مسیح (علیه السلام) کلمهٔ پاک خدا است و در او تمامی خزائن حکمت و علم نهفته بود،[۱۲۶] نیازی نبود تا کتاب نویسد و به یادگار گذارد. بنا بر این، آن حضرت هیچ کتابی نیاورده است. سال‌ها پس از عروج عیسی (علیه السلام) نویسندگانی به نوشتن کتابی در بارهٔ زندگانی، معجزات و تعالیم عیسی (علیه السلام) اقدام کردند.[۱۲۷] سپس مسیحیان در بارهٔ تعدادی از این کتاب‌ها اجماع کردند و آن‌ها را مقدس پنداشتند. مسلمانان عقیده دارند که حضرت عیسی (علیه السلام) کتاب انجیل را از خدای متعال دریافت کرده و برای بشر آورده است.[۱۲۸]

---

۱۲۶. *رساله به کولسیان*، ۳/۲.

۱۲۷. *لوقا*، ۴/۱ ـ ۱.

۱۲۸. ـ نَزَّلَ عَلَيكَ ٱلكِتابَ بِٱلحَقِّ مُصَدِّقاً لِمَا بَينَ يَدَيهِ وَأَنزَلَ ٱلتَّوراةَ وَٱلإِنجِيلَ ؛ آل عمران/ ۳.

ـ قَالَ إِنّی عَبدُاللهِ آتانِیَ ٱلكِتابَ وَجَعَلَنِی نَبِيًّا ؛ مریم/ ۳۰.

ـ وَقَفَّيْنا عَلَى آثَارِهِمْ بِعِيسَى ابْنِ مَرْيَمَ مُصَدِّقاً لِّما بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْراةِ وَآتَيْناهُ الْإِنْجِيلَ فِيهِ هُدًى وَنُورٌ وَمُصَدِّقاً لِّمَا بَيْنَ يَدَيْهِ مِنَ التَّوْراةِ وَهُدًى وَمَوْعِظَةً لِّلْمُتَّقِينَ ؛ مائده/ ۴۶.

ـ ثُمَّ قَفَّينَا عَلَى آثارِهِم بِرُسُلِنَا وَقَفَّينَا بِعِيسَى ٱبنِ مَريَمَ وَآتَيناهُ ٱلإِنجِيلَ وَجَعَلنَا فِی قُلُوبِ ٱلَّذِينَ ٱتَّبَعُوهُ رَأفَةً وَرَحمَةً وَرَهبَانِيَّةً ٱبتَدَعُوهَا مَا كَتَبنَاها عَلَيهِم إِلَّا ٱبتِغاءَ رِضوانِ ٱللهِ فَمَا رَعَوا حَقَّ رِعَايَتِهَا فَآتَينَا ٱلَّذِينَ آمَنُوا مِنهُم أَجرَهُم وَكَثِيرٌ مِنهُم فاسِقُونَ ؛ حدید/ ۲۷.

عهد جدید از نظر موضوعی

عهد جدید از نظر موضوعی به چهار بخش تقسیم می‌شود:

الف) زندگی‌نامه و سخنان عیسی (علیه السلام)

این بخش شامل چهار انجیل *متی*، *مَرقُس*، *لوقا* و *یوحنّا* است. واژهٔ «انجیل» برگرفته از واژهٔ یونانی «اِوَنگلیون» و به معنای «مژده» است. *انجیل مرقس* از قدمت بیش‌تری برخوردار است و پیش از ۶۰ میلادی نوشته شده است. *انجیل یوحنّا* عمر کم‌تری دارد و بین سال‌های ۹۰ ـ ۸۵ میلادی به نگارش درآمده است. *انجیل متی* حدود سال‌های ۷۰ ـ ۶۰ میلادی و *انجیل لوقا*، سال ۶۰ میلادی نوشته شده‌اند. به خاطر هماهنگی گزارش‌ها در سه انجیل *متی*، *مرقس و لوقا*، آن‌ها را اناجیل هم‌نوا گویند.

در سه انجیل هم‌نوا مطالب غلوآمیز فراوانی در بارهٔ حضرت عیسی (علیه السلام) یافت نمی‌شود؛ اما در *انجیل یوحنّا* مطالب غلوآمیزی مانند الوهیت وی وجود دارد. گفته می‌شود متوسط سال‌هایی که اناجیل هم‌نوا در آن نوشته شده‌اند با زمان تلاش تبلیغی پولُس و درگیری‌های وی برابری می‌کند و زمان نگارش *انجیل یوحنّا* هم‌زمان با هنگامی است که افکار پولس مسلط بوده است. *یوحنّا* مسیح را کلمه و آفریدگار جهان معرفی می‌کند. چنین توصیفی از عیسی مسیح (علیه السلام) در اناجیل هم‌نوا یافت نمی‌شود. *یوحنّا* عیسی را تنها یک مسیح نمی‌داند که برای نجات گوسفندان گم‌شدهٔ بنی اسرائیل فرستاده شده باشد، بلکه او آفرینندهٔ جهان است. از این رو، بسیاری بر این عقیده‌اند که مطالب انجیل چهارم از فلسفهٔ یونان مایه می‌گیرد. یوحنّا در صدد بود به آیین عرفانی یهود که حکمت خدا را موجودی زنده فرض می‌کرد و به آیین مسیحیت که عیسی را مسیح می‌دانست، رنگی از فلسفهٔ یونان بدهد.

ب) زندگی‌نامه و سخنان رسولان

بخش دوم تنها یک کتاب دارد که آن را لوقا، نویسندهٔ انجیل سوم، در بارهٔ فعالیت‌های تبلیغی حواریون و رسولان نگاشته است. این کتاب حدود سال‌های ۷۰ ـ ۶۰ میلادی نوشته شده است. لوقا در دوازده باب اوّل کتاب *اعمال رسولان*، آغاز توسعهٔ مسیحیت و گسترش آن تا انطاکیه را تشریح کرده است. به عقیدهٔ مسیحیان پس از این که سه روز از مصلوب شدن عیسی (علیه السلام) گذشت، یاران نزدیک آن حضرت وی را زنده در میان خود دیدند. کتاب *اعمال رسولان* در بارهٔ زندگی و سخنان رسولان و کسانی که شاهد این واقعه بوده‌اند، سخن می‌گوید. نویسنده از باب هشتم کتاب بیش‌تر به فعالیت‌های پولس می‌پردازد. اندیشه‌های تازهٔ پولس میان او و رسولان تنش می‌آفرید و درگیری‌های وی با رسولان حتی پطرس، در این کتب و رساله‌های خود او منعکس شده است.

ج) نامه‌های رسولان

رسولان به‌ویژه پولس، نامه‌هایی به ساکنان مناطق مختلف و افراد مسیحی عصر خود نوشته‌اند که تعدادی از آن‌ها رسمیت یافته است. تعداد این نامه‌ها ۲۱ عدد است. این نامه‌ها عبارت‌اند از: رساله‌های پولسِ رسول به رومیان، قُرِنتیان اوّل، قُرِنتیان دوم، غَلاطیان، اَفَسُسِیان، فیلِپّیان، کولُسّیان، تسّالونیکیان اوّل، تسّالونیکیان دوم، تیمو تاؤس اوّل، تیمو تاؤس دوم، تیطُس، فَلیمون، رساله به عبرانیان، رسالهٔ یعقوب، رسالهٔ اوّل پطرُس، رسالهٔ دوّم پطرُس، رسالهٔ اول یوحنا، رسالهٔ دوم یوحنا، رسالهٔ سوم یوحنّا و رسالهٔ یهودا. این نامه‌ها بین سال‌های ۱۰۰ ـ ۵۲ میلادی نوشته شده‌اند و بیش‌تر برای تبلیغ مسیحیت است.

د) آیندۀ کلیسا

این بخش، یک کتاب رؤیاگونه به نام *مکاشفۀ یوحنّا* دارد. *مکاشفۀ یوحنّا* آخرین کتاب عهد جدید و از نظر تفسیری، دشوارترین بخش آن است. از نظر سنت مسیحی، این کتاب به قلم یوحنّا، شاگرد عیسی (علیه السلام)، در حدود سال‌های ۹۵ و ۹۴ میلادی نگارش یافته است. از نظر این کتاب، تاریخ بشر نزاع پیوسته‌ای بین قوم خدا و نیروهای شرور است. در این نزاع قوم خدا نباید نومید شود، بلکه باید برای تحمل مشکلات و گرفتاری‌ها آماده باشد. در پایان کتاب، سرانجام نصرت الهی فرا می‌رسد و همۀ مردم از آن برخوردار می‌شوند.

مؤلفان عهد جدید

از مجموع ۲۷ کتاب عهد جدید؛ متی، مرقس، یعقوب، یهودا هر کدام یک کتاب، لوقا و پطرس دو کتاب، یوحنّا پنج کتاب و پولس سیزده کتاب را تألیف کرده‌اند. برخی نویسندۀ رساله به عبرانیان را نیز پولس می‌دانند که در این صورت پولس نویسندۀ چهارده کتاب خواهد بود. بنا بر این، تعداد نویسندگان عهد جدید هشت یا نه نفر هستند که بین سال‌های ۴۵ تا ۱۰۰ میلادی آن را نوشته‌اند.

اپوکریفای عهد جدید

مسیحیان نخستین علاوه بر کتاب‌های موجود عهد جدید اناجیل، رساله‌ها، کتاب‌هایی در بارۀ اعمال رسولان و مکاشفه‌های دیگر نیز نوشته‌اند. این کتاب‌ها به «اپوکریفا» یا «کتاب‌های پوشیدۀ» عهد جدید شهرت یافته و کلیسا آن‌ها را در شمار کتاب‌های رسمی قرار نمی‌دهد. برخی از این کتاب‌ها هنوز موجودند.

تعدادی از کتاب‌های اپوکریفایی عهد جدید از این قرار است: انجیل عبریان، انجیل مصریان، انجیل پطرس، انجیل کودکی، داستان یوسف نجّار، صعود مریم، انجیل مَرقیون (مَرکیون)، انجیل فیلیُّس، اعمال پطرس، اعمال پولس، اعمال یوحنّا، اعمال اندریاس و اعمال توماس، رسالۀ کلمنت، رسالۀ برنابا، رسالۀ سوم پولس رسول به قُرِنتیان، رسالۀ پولس رسول به لاودکیان و مکاشفۀ یوحنّای رسول.

شیوۀ ارجاع به کتاب مقدس

در شیوۀ ارجاع به صدها کتاب باستانی و مشهور معمول است که از ذکر صفحه پرهیز شود همان‌طور که در قرآن کریم به جای ذکر صفحه، از نام سوره و شمارۀ آیه استفاده می‌شود و یا در آثار افلاطون، ارسطو، هومر، هرودت، شکسپیر و غیره. حتی در ارجاع برخی کتاب‌ها به قوانین نیز ذکر صفحه معمول نیست و به جای آن، شمارۀ مواد را ذکر می‌کنند. برای ارجاع به این آثار تمهیدهایی اندیشیده‌اند و ابواب، فصول و شماره‌هایی ساخته‌اند تا ارجاع به چاپ‌های خاصی محدود نشود و برای همه کارساز باشد.

هنگام ارجاع به کتاب مقدس، نخست نام کتاب، آن گاه شمارۀ باب (فصل) و سرانجام، شمارۀ فقرات ذکر می‌شوند؛ مثلاً «پیدایش ۲۷/۱» یعنی *سفر پیدایش*، باب ۱، فقرۀ ۲۷ یا «لوقا ۷/۲»؛ یعنی *انجیل لوقا*، باب ۲، فقرۀ ۷.

تقسیم کتاب مقدس به فصول و آیات (فقرات)[۱۲۹] توسط «استیفان لَنگتُن»[۱۳۰] اسقف اعظم کنتربری (م ۱۲۲۸) صورت گرفته است.

چینش کنونی کتاب‌های عهد جدید به ترتیب تاریخِ نگارش آن‌ها نیست.

چکیده

- ✓ بخشی از کتاب مقدس که در بارهٔ پیمان نو سخن می‌گوید، عهد جدید نامیده می‌شود.
- ✓ عهد جدید به زبان یونانی نوشته شده است.
- ✓ به اعتقاد مسیحیان حضرت عیسی (علیه السلام) هیچ کتابی نیاورده است.
- ✓ مسلمانان عقیده دارند که حضرت عیسی (علیه السلام) کتاب انجیل را از خدای متعال دریافت کرده و برای بشر آورده است.
- ✓ عهد جدید از نظر موضوعی به چهار بخش تقسیم می‌شود: زندگی‌نامه و سخنان عیسی (علیه السلام)، زندگی‌نامه و سخنان رسولان، نامه‌های رسولان و آیندهٔ کلیسا.
- ✓ در میان اناجیل، *انجیل مرقس* از قدمت بیش‌تری برخوردار است.
- ✓ سه انجیل *متی*، *مرقس* و *لوقا* را اناجیل هم‌نوا می‌نامند.
- ✓ در اناجیل یوحنّا مطالب غلوآمیزی مانند الوهیت وی وجود دارد.
- ✓ کتاب *اعمال رسولان* در بارهٔ فعالیت‌های تبلیغی حواریون و رسولان نگاشته شده است.
- ✓ کتاب *مکاشفهٔ یوحنّا* یک کتاب رؤیاگونه است که آخرین کتاب عهد جدید و از نظر تفسیری، دشوارترین بخش آن است.
- ✓ تعداد نویسندگان عهد جدید هشت یا نه نفر هستند.
- ✓ کتاب‌هایی که علاوه بر کتاب‌های موجود عهد جدید نوشته شده‌اند، اپوکریفا نامیده می‌شوند.
- ✓ تقسیم کتاب مقدس به فصول و آیات (فقرات) توسط استیفان لَنگتُن اسقف اعظم کنتربری (م ۱۲۸۸) صورت گرفته است.

---

۱۲۹. مسیحیان در جهان اسلام فقرات کتاب مقدس را «آیه» می‌نامند. آن فقرات در زبان انگلیسی Verse نامیده می‌شود و این اصطلاح برای شعر نیز به کار می‌رود.

130. .Stephen langten.

جلسهٔ پانزدهم

کلیسای کاتولیک و آیین‌های هفت‌گانه

اهداف درس

آشنایی با:

- ✓ کلیسای کاتولیک به عنوان یکی از مهم‌ترین جوامع مسیحی؛
- ✓ آیین‌های هفت‌گانه.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته مباحثی پیرامون کتاب مقدس مسیحیان (عهد جدید) و چگونگی تألیف آن مطرح شد و از کتاب‌های اپوکریفایی عهد جدید نیز سخنانی به میان آمد و از شیوهٔ ارجاع به کتاب مقدس مطالبی گفته شد.

در این جلسه با یکی از مهم‌ترین جوامع مسیحی آشنا می‌شویم.

معانی کلیسا

کلیسا در عهد جدید معانی متعددی دارد که دو معنای آن مشهورتر است:

الف) ساختمانی که مسیحیان برای عبادت در آن جمع می‌شوند؛

ب) مجمع ایمان‌داران و عموم افراد مسیحی؛ به عبارت دیگر کلیسا، یعنی جامعهٔ مسیحیت. این معنا از کلیسا، شبیه واژهٔ «امت» در فرهنگ اسلامی است.

امروزه مذاهب و جوامع عمدهٔ مسیحی نیز با واژهٔ کلیسا مشخص می‌شوند. از این روی گفته می‌شوند: کلیسای کاتولیک، کلیسای ارتدکس و کلیسای پروتستان.

کلیسای کاتولیک

از میان سه جامعهٔ عمدهٔ مسیحی، کلیسای کاتولیک رم بزرگ‌ترین و جهانی‌ترین کلیساها است که مرکز این کلیسا در «رم» ایتالیا است. نیمی از جمعیت مسیحی جهان پیرو مرکز روحانی «رم» هستند. آن‌ها «پاپ» را رئیس روحانی خود می‌شناسد.

نام‌گذاری

در نام‌گذاری کلیسای «کاتولیک» به معنای «جامع» وجوهی بیان شده است:

۱. گستردگی و فراگیری این کلیسا سبب شد تا به آن عنوان کاتولیک به معنای «عام و جامع» داده شود. به عبارت دیگر باور عموم مسیحیان به تعالیم و ایمان کلیسا، سبب نام‌گذاری آن به کاتولیک شده است. ادعا می‌شود طبیعت این کلیسا برای همهٔ نژادها و همهٔ زمان‌ها است و مسیح موعود، بنیان‌گذار آن نیز از ملکوتی سخن می‌آورد که برای همهٔ انسان‌ها است. ایگناتیوس انطاکی (م ۱۱۰ م) از پدران کلیسا، نخستین کسی است که واژهٔ کاتولیک را به کار برده است.[۱۳۱]

---

۱۳۱. *رسالهٔ اسمیرنا* ۸.

۲. کلیسای کاتولیک وحی را با تفکر فلسفی همراه کرده است و چون این کلیسا بین عقل و نقل جمع می‌کند، آن را «کاتولیک» می‌نامند.

۳. کلیسای کاتولیک در طول تاریخ، عناصر گوناگونی همچون: قوانین رومی و ژرمنی، فلسفهٔ افلاطونی و ارسطویی، مفاهیم جدید و بسیاری عناصر دیگر را به خود جذب کرده است. به همین دلیل آن را کلیسای کاتولیک می‌خوانند.

۴. در کلیسای کاتولیک انواع مراسم عبادی و شعائر دینی مختلف همچون قربانی، ریاضت، دعا، رهبانیت، عرفان و ... وجود دارد. از این رو، آن را کلیسای کاتولیک یا جمع می‌نامند.

پیشینه

کلیسای کاتولیک خود را مدعی سلطنت خدا در روی زمین و سمبل عیسی مسیح (علیه السلام) می‌داند و بر این باور است که توسط خود عیسی (علیه السلام) تأسیس شده است و مبدأ آسمانی دارد.[۱۳۲] بنا بر این، پیشینهٔ این کلیسا به حدود دو هزار سال قبل، یعنی زمان حضرت عیسی (علیه السلام) باز می‌گردد.

مرکز

مرکز کلیسای کاتولیک، کشور واتیکان است. این کشور گرچه از نظر وسعت و جمعیت از کوچک‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشورهای جهان است، اما نفوذ و اعتبار خاصی دارد و از نظر اقتصادی یکی از ثروتمندترین کشورهای جهان است. واتیکان تنها شهر این کشور است و جمعیتی حدود هزار نفر دارد و اکثر ساکنان آن را ایتالیایی‌ها و سوئیسی‌ها تشکیل می‌دهند. زبان رسمی واتیکان ایتالیایی است. واتیکان سازماندهی چهل هزار خلیفه‌گری شامل چهارصد هزار کشیش، هشتصد هزار راهبه، پنج هزار اسقف و دویست کاردینال را در سراسر جهان بر عهده دارد.

منابع آموزه‌ها

کاتولیک‌ها اصول عقاید خود را از سه منبع می‌گیرند:

۱. کتاب مقدس؛

۲. سنت؛ مجموع شعائر و عقایدی که از حواریون به دست مسیحیان رسیده است.

۳. تعالیم رسمی کلیسا؛ به موجب تصویب شورای واتیکانی اوّل (۱۸۷۰)، پاپ در برخی از احکامی که صادر می‌کند، از خطا مصون است. از این رو، پاپ که در رأس کلیسا به تفسیر متون مقدس و سنت می‌پردازد، تفسیری بدون خطا خواهد داشت و سخنان و تعالیم وی می‌تواند منبع معتبری برای اصول عقاید و قوانین شرعی کلیسا باشد.

آیین‌های هفت‌گانه

در کلیسای کاتولیک، هفت آیین مقدس[۱۳۳] یا «اسرار هفت‌گانه» وجود دارد که عبارت‌اند از:

---

۱۳۲. متی، ۱۶/ ۱۸.

133. The Seven Sacraments.

۱. تعمید:[۱۳٤] در اصل از واژه‌ای سریانی به معنای «شست و شو» یا از ریشهٔ عربی «عَمَد» به معنای «رطوبت» گرفته شده است. معادل تعمید در زبان انگلیسی «Baptism» است. تعمید با هدف توبه که توسط حضرت یحیی (علیه السلام) صورت می‌گرفت، به مرور زمان متروک شد و تعمیدی جای آن را گرفت که هدفش آمرزش گناه اصلی بود. امروزه تعمید به دو صورت انجام می‌گیرد:

الف) زدودن لکهٔ گناه اصلی از شخص؛

ب) تولد دو باره و ورود رسمی شخص در سلک مسیحیان.

شکل تعمید در کلیساهای مختلف متفاوت است. کشیش با ریختن آب می‌گوید: «تو را با نام پدر، پسر و روح القدس تعمید می‌دهم».[۱۳۵] تعمید سبب آمرزش گناه بزرگ[۱۳٦] و تمام گناهانی است که تعمیدگیرنده پیش از این انجام داده است.

۲. تأیید:[۱۳۷] این عمل در کلیساهای شرق «تدهین»[۱۳۸] یا «مسح»[۱۳۹] نامیده می‌شود و نام باستانی آن در کلیساهای کاتولیک «نشانه»[۱٤۰] بوده است. تأیید همچون تعمید، به دست یک مقام روحانی مانند اسقف یا جانشین او صورت می‌گیرد. مقام روحانی اگر کاتولیک باشد، داوطلب تأیید را با روغن زیتون و اگر ارتدکس باشد، با روغنی به نام «مرون»[۱٤۱] مسح می‌کند و این عبارت را می‌خواند: «روح القدس را بپذیر، تا بتوانی به مسیح شهادت بدهی». در کلیساهای مختلف ممکن است این عبارت اندکی تفاوت لفظی پیدا کند، ولی اصل معنا باقی می‌ماند.

۳. اعتراف (**توبه**):[۱٤۲] این عمل بر اساس اندیشهٔ گناه اصلی است که مسیحیان همهٔ انسان‌ها را به خاطر سرپیچی حضرت آدم (علیه السلام) خطاکار می‌دانند. این اندیشه راهکاری را در اختیار مسیحیان گذاشت تا هرچند وقت یک بار بتوانند با اعتراف به گناهان خویش نزد یک کشیش، روح خود را از آلودگی منزه سازند. اعتراف به گناه در اسلام، یهودیت و مسیحیتِ پروتستان جایز نیست.

٤. عَشای رَبّانی:[۱٤۳] این مراسم یادآور شام آخر حضرت عیسی (علیه السلام) با شاگردانش در شب قبل از مرگ اوست.[۱٤٤] در اناجیل آمده است که آن شب وی و شاگردانش در بالاخانه‌ای در اورشلیم برای برگزاری مراسم فصح گرد آمدند. این مراسم مبنای آیین عشای ربانی کنونی شد. دو مادهٔ اساسی در این مراسم نان و شراب است. کشیش با شستن دست‌های خویش و خواندن آیاتی از کتاب مقدس نان و شراب را به گوشت و خون عیسی (علیه السلام) مبدل می‌کند. هر پنج حس بشر در این عبادت شرکت می‌کنند.

---

134. Baptism.

۱۳۵. برگرفته از متی، ۲۸/ ۱۹.

۱۳٦. مسیحیان عقیده دارند بشر با گناه ذاتی به دنیا می‌آید. خطای حضرت آدم (علیه السلام) و خروجش از باغ، گناه ذاتی یا گناه بزرگ را همزاد بشر کرده است.

137. Confirmation.
138. Anointing.
139. Chrism.
140. Signum.

۱٤۱. (Myron)، روغنی از عصارهٔ گیاهان خوشبو است که گاهی تعداد انواع آن گیاهان به چهل می‌رسد. «مرون» هر هفت سال یک بار تهیه می‌شود و در ترکیب آن اندکی از مرون قبلی به کار می‌رود تا نشانهٔ ارتباط دوره‌های گذشته با زمان حال باشد. تمام اشیایی که در کلیسا وجود دارند، باید به وسیلهٔ مرون تطهیر شوند. ظرفی که مرون در آن تهیه می‌شود، شبیه ساختمان کلیسا و از طلای ناب است.

142. Confession.
143. Eucharist.

۱٤٤. رسالهٔ اوّل به قرنتیان، ۲۵/۱۱.

۵. ازدواج:[145] این آیین، نزد مسیحیان یک عمل عبادی است. در سه قرن نخست مسیحیت، کلیسا به تجرد و بکارت با دیدهٔ احترام می‌نگریست. کلیسا به تدریج با قرار دادن ازدواج در ردیف آیین‌های مقدس و تبدیل آن به قول و قراری مذهبی مایهٔ اعتلای حیثیت و دوام پیوند ازدواج شد. از دیرباز تک‌همسری سنت معمول ازدواج‌های مسیحی بوده است. شورای «تِرنت» در قرن شانزدهم مقرر کرد که در مراسم ازدواج مسیحی حتماً یک کشیش حضور داشته باشد. برای ازدواج در مسیحیت موانعی نیز وجود دارد. ناتوانی در باروری، ازدواج پیشین، ازدواج با برخی از طبقات نسبی، ازدواج برخی مقامات روحانی[146] و ازدواج با شخصی که تعمید نشده باشد، از جملهٔ موارد آن است. طلاق در مسیحیت ممنوع است.

٦. دست‌گذاری (**یا درجات مقدس روحانیت**):[147] این عمل به دست یک مقام روحانی که دست خود را روی سر فرد می‌گذارد و دعا می‌خواند، صورت می‌گیرد. در قرن شانزدهم شورای ترنت، هفت درجهٔ روحانی برای کلیساهای کاتولیک تعیین کرد. این درجات به دو دستهٔ فرعی و اصلی تقسیم می‌شوند:

الف) درجات فرعی که چهار رتبه دارد: ۱. دربان؛[148] ۲. قاری؛[149] ۳. خادم؛[150] ۴. متصدی راندن ارواح پلید و شرور (جن‌گیر).[151]

ب) درجات اصلی روحانیت سه رتبه وجود دارد: ۱. اسقف،[152] ۲. کشیش[153] و ۳. شمّاش.[154]

سن قانونی برای پذیرش منصب اسقفی ۳۰ سال و حداقل برای کشیشی ۲۴ سال و برای شماشی ۲۳ سال است. سایر القاب کلیسایی، مانند پاپ، پاتریک، سراسقف، کاردینال، اَرْشِمَنْدریت، موسیو و غیره نشان‌دهندهٔ وظایف معینی است و ربطی به آیین‌های هفت‌گانه ندارد. پاپ، اسقفی است که برای رهبری مسیحیت کاتولیکی انتخاب می‌شود. امتیازات علمی و تقوایی پاپ در حدّ یک اسقف است. واژهٔ پاپ از «Papas» یونانی با معنای «پدر» می‌آید.

۷. تدهین نهایی:[155] این واژه ابتدا «تدهین» نام داشت و برای هر بیماری که خواهان آن بود، اجرا می‌شد. امروزه این آیین به بیمارانی که در آستانهٔ مرگ هستند، اختصاص دارد. در این آیین، کشیش همراه دعا، روغن مقدس را به اعضایی از بدن بیمار مانند چشم، گوش، بینی، لب، دست و پای بیمار که معمولاً در گناه صاحبشان شرکت داشته‌اند، می‌مالد و آن گناهان را به نام پدر، پسر و روح القدس می‌بخشد و موجب شفای روح و جسم بیمار می‌شود.

---

145. Matrimony.

١٤٦. از قرن یازدهم به بعد صاحبان سه درجهٔ اصلی روحانیت حق ازدواج ندارند.

147. Holy Orders.
148. Church doorkeeper.
149. Reader.
150. acolyte.
151. Exorcist.
152. bishop.
153. priest.
154. deacon.
155. Anointing of the Sick.

چکیده

- ✓ دو معنای مشهور کلیسا عبارت است از: الف) ساختمانی که مسیحیان برای عبادت در آن جمع می‌شوند، ب) جامعهٔ مسیحیت.
- ✓ جوامع عمدهٔ مسیحی عبارت‌اند از: کلیسای کاتولیک، کلیسای ارتدکس و کلیسای پروتستان.
- ✓ بزرگ‌ترین کلیسای مسیحی کلیسای کاتولیک و مرکز آن در «رم» ایتالیا است.
- ✓ «پاپ» رئیس روحانی کلیسای کاتولیک است.
- ✓ نخستین کسی که واژهٔ کاتولیک را به کار برد، ایگناتیوس انطاکی (م.۱۱۰م) از پدران کلیسا است.
- ✓ پیشینهٔ کلیسای کاتولیک به حدود دو هزار سال قبل باز می‌گردد.
- ✓ مرکز کلیسای کاتولیک کوچک‌ترین و کم‌جمعیت‌ترین کشور جهان یعنی واتیکان است.
- ✓ کتاب مقدس، سنت و تعالیم رسمی کلیسا، سه منبعی است که کاتولیک‌ها اصول عقاید خود را از آن می‌گیرند.
- ✓ در کلیسای کاتولیک هفت آیین مقدس وجود دارد که عبارت‌اند از: ۱. تعمید؛ ۲. تأیید؛ ۳. اعتراف (توبه)؛ ۴. عَشای ربانی؛ ۵. ازدواج؛ ۶. دست‌گذاری (یا درجات مقدس روحانیت)؛ ۷. تدهین نهایی.
- ✓ تعمید به دو منظور صورت می‌گیرد: زدودن لکهٔ گناه اصلی از شخص و ورود به مسیحیت.
- ✓ اعتراف بر اساس اندیشهٔ گناه اصلی، شکل گرفته است.
- ✓ عشای ربانی یادآور شام آخر حضرت عیسی (علیه السلام) با شاگردانش است.
- ✓ تعدد همسر و طلاق در مسیحیت وجود ندارد.
- ✓ پاپ، اسقفی است که برای رهبری مسیحیت کاتولیکی انتخاب می‌شود و امتیازات علمی و تقوایی او در حدّ یک اسقف است.
- ✓ در آیین تدهین کشیش همراه دعا، روغن مقدس را به اعضایی از بدن بیمار می‌مالد و گناهان و را می‌بخشد.

جلسهٔ شانزدهم

کلیسای ارتدکس و پروتستان

اهداف درس

آشنایی با:

کلیسای ارتدکس و پروتستان و نام‌گذاری این دو کلیسا؛

پیشینه و آموزه‌های آنان؛

واکنش کلیسای کاتولیک نسبت به کلیسای پروتستان.

مروری بر مباحث پیشین

در جلسهٔ گذشته، با بیان دو معنای مشهور از کلیسا، از سه جامعهٔ عمدهٔ مسیحی؛ بزرگ‌ترین و جهانی‌ترین کلیسا و علت نام‌گذاری آن به کاتولیک سخن به میان رفت و از پیشینه، مرکزیت و آموزه‌های آن مطالبی بیان شد.

در این جلسه، مباحث پیرامون مسیحیت را با مطرح نمودن دو جامعهٔ دیگر (ارتدکس و پروتستان) به پایان می‌بریم.

کلیسای ارتدکس

شکل‌گیری رسمی کلیسای ارتدکس در سال (۱۰۵۴ م) بود. مسیحیت ارتدکسی ابتدا در امپراتوری روم شرقی (یونان امروزی، ترکیه و بخشی از خاورمیانه) و سپس در سرزمین‌های اسلاوی زبانِ شرقی گسترش یافت. تعداد پیروان کلیسای ارتدکس در سراسر جهان در سال دو هزار حدود ۲۱۰/۰۰۰/۰۰۰ نفر بوده است.

نام‌گذاری

واژهٔ «ارتدکس»[۱۵۶] در زبان یونانی، مرکب از دو واژهٔ اُرتو[۱۵۷] به معنای «راست و درست»و دُکس[۱۵۸] به معنای «عقیده و کیش» است؛ بنا بر این، واژهٔ ارتدکس به معنای «راست کیش» است. ارتدکس‌ها مدعی‌اند ایمان اصیل مسیحی را از زمان رسولان تا کنون به دقت حفظ کرده‌اند.

پیشینه

قسطنطین در سال (۳۳۰ م) شهری را به نام «قسطنطنیه»[۱۵۹] در مکانی به نام «بیزانسیوم»[۱۶۰] ساخت. این شهر به عنوان رُم جدید مرکز اصلی مسیحیت یونانی شد. امپراتور ژوستینیان، کلیسای بزرگ

---

[156]. Orthodox.

[157]. Ortho.

[158]. Dox.

[۱۵۹]. قسطنطنیه (Constantinople) تا سال ۱۹۳۷ میلادی همراه نام «استانبول» (Istanbul) برای آن شهر به کار می‌رفت. در این سال آتاتورک استفاده از نام «قسطنطنیه» را ممنوع کرد.

[160]. Byzantium.

«اَیاسوفیا»[۱۶۱] (حکمت مقدس) را در این شهر بنا کرد. با تأسیس قسطنطنیه (رم جدید) در سال ۳۳۰ میلادی که عنوان پایتخت امپراتوری شرق را به خود گرفت، رقابت میان شرق یونانی و غرب رومی آغاز شد. مدت زیادی طول نکشید که امپراتوری یکپارچهٔ روم در سال (۳۹۵ م) به دو بخش شرقی و غربی تقسیم شد. پس از این انفصال بود که رقابت امپراتوری روم شرقی با مرکزیت «قسطنطنیه» و امپراتوری رُم غربی با مرکزیت «رم» جدی‌تر شد. رقابت سیاسی میان آن دو به مرور زمان به رقابت دینی تبدیل شد و سرانجام در سال (۱۰۵۴ م) جدایی کلیسای ارتدکس و کاتولیک را به دنبال داشت. قسطنطنیه در سال (۱۴۵۳ م) که پایان عصر بیزانسی و قرون وسطا است، به دست حکومت عثمانی فتح و کلیسای ایاسوفیا به مسجد تبدیل شد.

جدایی از کلیسای کاتولیک

کلیسای ارتدکس در بیش‌تر مسائل به سنت‌ها وفادار ماند و مواضعی مانند مواضع کلیسای کاتولیک اتخاذ کرد. بنا بر این، ارتدکس‌ها با کاتولیک‌ها اختلاف چندانی ندارند. با این وجود، عواملی موجب جدایی این دو کلیسا شده است:

۱. رهبری: اختلاف عمدهٔ کلیسای ارتدکس با کلیسای کاتولیک پیرامون موضوع رهبری است. ارتدکس‌ها رهبری واحد را برای کلیسا نمی‌پذیرند و اسقف رم را یکی از چند رهبر دینی می‌دانند. ارتدکس‌ها به اسقفان عالی خود عنوان «پاتریارک»[۱۶۲] می‌دهند و ایشان را در ردیف اسقف رم می‌دانند. همان‌طور که گفته‌ایم،

[161]. Hagia Sophia.

[۱۶۲]. پاتریارک [XIII.D] Patriarch؛ همچنان که مسیحیت در سراسر امپراتوری روم گسترش می‌یافت، اسقف‌های پایتخت‌های مهم منطقه رُم، اسکندریه، و انطاکیه و بعداً اسقف‌های اورشلیم و قسطنطنیه، دارای امتیاز ویژه و به خصوص در رابطه با اجابت درخواست‌ها بر ضد تصمیمات اسقف‌های محلی و فرو نشاندن منازعات میان آن‌ها، صاحب مرجعیت شناخته شدند. با حکم شورای خلقیدون (٤٥١ م)، اسقف‌نشین‌های رُم و قسطنطنیه، همچون اسقف‌های دو پایتختامپراتوری روم، به ترتیب در غرب و شرق دارای اختیارات قانونی برتری شدند. پاپ‌های رُم با این حکم مخالفت کردند و به رسمیت شناختن دعاوی‌شان مبنی بر حق نظارت جهانی بر کل کلیسا را فعالانه پی گرفتند.
رؤسای روحانی این پنج اسقف‌نشین به «بَطریَق یا پاتریارک» شهرت یافتند، اگرچه پاتریارک غرب، اسقف رُم و پاتریارک اسکندریه هر دو از عنوان «پاپ» نیز استفاده می‌کنند. همچنان که خودمختاری سایر کلیساهای مهم ملّی به رسمیت شناخته شد، رؤسای روحانی مهم چند کلیسا (روسیه، رومانی، بلغارستان، و صربستان) نیز پاتریارک برگزیدند. اما همهٔ رؤسای کلیساهای مستقل از این عنوان استفاده نکردند؛ در رأس هر دو کلیسای قبرس و کلیسای سینا اسقف اعظم قرار دارد و مهم‌ترین اسقف‌های کلیسای ارتدوکس گرجستان از عنوان کاتولیکوس یا جاثلیق یا پاتریارک ـ جاثلیق استفاده می‌کنند. رؤسای کلیساهای ارتدوکس مشرق‌زمین نیز از عنوان‌های «پاتریارک» و کاتولیکوس یا اسقف کل استفاده می‌کنند، همچنان که رؤسای برخی از کلیساهای وابسته به مشرق‌زمین و کاتولیک‌های شرقی از این عنوان‌ها استفاده می‌کنند. عده‌ای از رؤسای روحانی کلیسای کاتولیک رُم از عنوان افتخاری «پاتریارک» برخوردارند، مثلاً پاتریارک ونیز، و به مدّت طولانی پاتریارک‌های لاتینیِ اسقف‌نشین‌های تحت ادارهٔ کاتولیک‌های رومی در دوره‌ی جنگ‌های صلیبی منصوب می‌شدند، اگرچه آنان، قطع نظر از پاتریارک لاتینی اورشلیم، این عنوان را به صورت منزلتی احترام‌آمیز در اختیار داشتند. در بسیاری از موارد، پاتریارک‌های متعددِ متعلق به سنّت‌های مختلف، همین عنوان را دارند؛ به عنوان مثال، می‌توان از پاتریارک‌های ارتدوکس یونانی، کاتولیک لاتینی، و ارمنی اورشلیم نام برد. کلیسای ارتدوکس شرقی گاه با الگوی پنج حوزهٔ پاتریارک‌نشین دیرینه مخالف بوده و به طور مستقل عمل کرده است اما برای توضیح سازمان کلیسا در قرن‌های اولّیهٔ مسیحی در بارهٔ الگوی «نظام پاپی» سلطنتی به پیوند برادروار (اتحاد حوزه‌های پنج‌گانه) Pentarchy قائل است. برخی اوقات اختیارات پاتریارکی را نمی‌توان به آسانی در منطقهٔ معیّنی اِعمال کرد؛ در چنین موردی، اسقف ارشد به عنوان نایب پاتریارک برگزیده می‌شود تا از جانب پاتریارک عمل کند. پس از گسترش اسلام



اسقف رم همان پاپ کاتولیک‌ها است، ولی ارتدکس‌ها برتری او بر اسقفان سایر مراکز مسیحیت و عنوان «پاپ» را برای وی نمی‌پذیرند.

۲. حق نظارت: کلیسای کاتولیک حق نظارت بر سایر کلیساهای غرب (پروتستان) و کلیسای شرق (ارتدکس) را برای خویش قائل است امّا کلیسای شرق این ادعا را نمی‌پذیرد و عقیده دارد که در میان پنج اسقفان رم، اسکندریه، انطاکیه، قسطنطنیه و اورشلیم، پاپ در چارچوب کلیسای جهانی تنها واجد برتری تشریفاتی است، نه واجد قدرت اعمال نظارت جهانی.

۳. فیلیُکو: در «اعتقادنامهٔ نیقیّه»[۱۶۳] آمده است که روح القدس از خدای پدر صادر می‌شود. کاتولیک‌ها قید «و پسر» (به زبان لاتینی filioque) را بر آن افزوده‌اند و عقیده دارند روح القدس از پدر و از پسر صادر می‌شود. کلیسای شرق بر این باور بود که کلیسای غرب با تغییر یک‌جانبهٔ این اعتقادنامه که میراث مشترک کل کلیساها است، دچار خطا شده است. بحث‌های مربوط به این خطا بیش از هزار سال است که میان این دو کلیسا ادامه دارد. گاهی گفته می‌شود دلیل اصلی الهیاتی برای جدایی کلیساهای شرق و غرب نیز همین قضیه بوده است.

بسیاری از نایبان پاتریارک‌ها دیگر در امپراتوری روم برای ادارهٔ کلیسا منصوب نمی‌شدند. (دانش‌نامهٔ ادیان سایت دانشگاه ادیان و مذاهب، به نقل از کتاب فرهنگ ادیان جهان)

۱۶۳. مسیحیت تا زمان رسمی شدن، همواره زیر فشار و شکنجهٔ یهودیان متعصب و مخالفت‌های رسمی حکومت امپراطوری روم بر آیین نوین عیسوی قرار داشت، ورود اعتقادات خرافی از سوی یونانیان (مثل اعتقاد بـه سـه خـدا، خـدای جـسمانی و ویژگـی تقدّس امپراتور) و مناقشات درون مسیحیت به لحاظ مذهبی وکلیات کلامی و تبلیغات کلیسای کاتولیک در روابـط «پـدر، پـسر، روح القدس» و مقابله با رأی اکثریت مسیحیان که بر بساطت و یگانگی خداوند اعتقـاد داشـتند، همـه منجـر بـه ایـن شـد کـه امپراتوری قدرتمند بیزانس آن دوره، به آشوب کشیده شود و قسطنطین برای رهایی از ایـن جریـان مخـالف (۳۲۵ م) در اوّلـین شورای جهانی نمایندگان مختلف کلیسا اعتقاد نامه‌ای را به نام «نیقیّه» تصویب کرد که اتحاد جوامع کلیسایی را به همراه بیاورد اما حالت رمزگونهٔ این اعتقادنامه و برداشت‌های مختلف اندیشمندان و تضادهای فکری ایجاد شده، مانع از این شد که آن‌هـا بـه یک اتحاد فکری برسند. با ظهور اسلام و در تقابل دیدن این دین منطقی با فرامین کلیسا، اندیشمندان مسیحی برای اثبات دیـن خود، پایان دادن به نزاع‌ها و حفظ تعادل در قرن هفتم، اقدام به تصویب اعتقادنامه‌ای در شورای «کالسدون» کردند که در آن به جای رمزگرایی بیزانسی برای مسیح دو قابلیت الوهی و انسانی قائل شدند آن هم بدون پراکندگی و اضطراب و هماهنگ شده در شخص عیسی مسیح و از آن به بعد، این یکی از آموزه‌های ارتدکس شد اما باز هم نتوانست به جدایی‌ها پایان دهد و نتیجه ایـن شد که امروزه پیروان مسیحی دیگر خود برای اثبات اعتقاد خود مبارزه می‌کنند و این یک فاجعه‌ای بیش نیست.!

متن اعتقادنامهٔ نیقیّـه: «من به خدای واحد، پدر قادر مطلق، خالق آسمان و زمین و همهٔ امور محسوس و نامحسوس ایمان دارم. به خداوند عیسی مسیح، تنها پسر مولود خدا ایمان دارم. او قبل از همهٔ زمان‌ها از پدر متولد شـد، خـدا از خـدا، نـور از نـور، خـدای حقیقی از خدای حقیقی؛ که مولود است نه مخلوق، هم‌ذات پدر است و همه چیز به واسطهٔ او آفریده شد. او برای ما انـسان‌هـا و برای نجات ما از آسمان نازل شد. از طریق مریم باکره توسط روح القدس تجسّد یافت و انسان شد. همچنـین بـه خـاطر مـا بـه صلیب کشیده شد و از جانب پنطس پیلاطس متحمّل درد و رنج شد و دفن شد. بر اساس متون مقدس در روز سـوم برخاسـت و به آسمان عروج کرد. او در سمت راست پدر نشست و دوباره با جلال و عظمت برای داوری بر زندگان و مردگـان خواهـد آمـد و سلطنت او پایان نخواهد داشت و من به روح القدس خداوند و حیات‌بخش ایمان دارم. او که از پدر و پسر نشئت گرفت. [البته قید «و پسر filioque» از جانب کلیسای کاتولیک اضافه شده] او که همراه پدر و پسر ستایش و تجلیل می‌شود. او کـه بـه واسـطهٔ رسولان سخن گفت. من به یک کلیسای رسولی مقدس واحد ایمان دارم. اعتراف می‌کنم که یک تعمید بـرای آمـرزش گناهـان کافی است و در انتظار رستاخیز مردگان هستم و حیات جهان خواهد آمد. آمین.»؛ برگرفته از *تاریخ جامع ادیان*، جـان بـی نـاس؛ *مسیحیت و بدعت‌ها*، جوان .اُ.گریدی و *آیین کاتولیک*، جرج برانتل.

سازمان کلیسای ارتدکس

امروزه به استثنای رم، چهار پاتریارک‌نشینِ اسکندریه، انطاکیه، قسطنطنیه و اورشلیم و دوازده کلیسای دیگر، کلیسای ارتدکس را تشکیل می‌دهند. این دوازده کلیسا عبارت‌اند از پاتریارک‌نشین‌های جدید روسیه، صربستان، رومانی، بلغارستان، گرجستان، کلیساهای ارتدکس قبرس، یونان، جمهوری چک، جمهوری اسلواکی، لهستان، آلبانی و آمریکا. شانزده کلیسای مذکور اصول عقیدتی یکسانی دارند و در سیاست و انضباط کلیسایی هم‌سانند و سنت عبادی مشترک دارند. تنها اختلاف این کلیساها در زبانی است که برای عبادت به کار می‌رود. جزئیات برخی از مراسم عبادی آن‌ها نیز اندکی با یکدیگر تفاوت دارد.

کلیساهای ارتدکس تا قرن سیزدهم تنها دو آیین تعمید و عشای ربانی از آیین‌های هفت‌گانه را پذیرفته بوده‌اند، اما بعد از آن هر هفت آیین را پذیرفته‌اند.

کلیسای پروتستان

«پروتستانتیسم» یک نهضت اصلاحی است. نهضت اصلاح کلیسا در حقیقت پیش از قرن شانزدهم آغاز شد. در قرون وسطا چند نهضت با اعتراض به فساد فراگیر در کلیسا و نقد آموزه‌های اصلی کلیسای کاتولیک زمینه را برای اصلاحات پروتستانی آماده کردند. مصلحان متعددی همچون «جان ویکلیف و جان هوس» ضعف معنویات و فساد مالی کلیسا را تقبیح کردند و خواستار تغییرات اساسی در کلیسا شدند. در قرن شانزدهم کسانی مانند: «مارتین لوتر (۱۴۸۳ ـ ۱۵۴۶ م)، هالدریخ زوینگلی (۱۴۸۴ ـ ۱۵۳۱ م) و جان کالوَن (۱۵۰۹ ـ ۱۵۶۴ م)» از برجسته‌ترین مصلحانی بودند که در استقرار آیین پروتستان سهیم بوده‌اند. مارتین لوتر بیش‌ترین نقش را در این نهضت داشت و توانست با سرعت، به سازمان‌دهی آن اقدام کند. نهضت لوتر به آلمان محدود نماند و به سرزمین‌های دیگری مانند سوئیس، انگلستان، فرانسه، آمریکای شمالی، آمریکای لاتین و مرکزی، کانادا، اسپانیا، اسکاتلند و بسیاری از مناطق جهان سرایت کرد.

نام‌گذاری

«پروتستان»[۱۶۴] واژه‌ای فرانسوی است که از زبان لاتینی آمده و معنای آن «معترض» است. این اصطلاح از اعتراض رسمی بسیاری از شاهزادگان و شهرهای آلمان به حکم مجلس سلطنتی اشپِیر[۱۶۵] (۱۵۲۹ م) ناشی شد. واژهٔ پروتستان از آغاز به پیروان کلیساهایی اطلاق شد که با نهضت اصلاح‌طلبی به رهبری مارتین لوتر در قرن شانزدهم پدید آمد. اصلاح‌طلبان خودشان را «انجیلی»، به معنای پیروان انجیل، نامیدند.[۱۶۶]

[164]. Protestant.

[۱۶۵]. Speyer؛ مجلسی که تصمیم گرفت به مدارا با مکتب لوتری در آلمان پایان دهد.

[۱۶۶]. در یک قرن گذشته، جریان جدیدی که در بین پروتستان‌ها فوق‌العاده قدرتمند شده، مکتب نوظهور «مبلغان انجیل» (Evanqelism) است. قبل از جنگ جهانی دوم، این مکتب نوظهور به بنیادگرایی معروف و شعار آن‌ها بازگشت به انجیل و تغییر جامعه با تحول فرهنگی بود و هدف آن‌ها به وجود آوردن حکومت در امریکا بر مبنای بنیادهای انجیل بود. بعد از جنگ جهانی دوم، بنیادگرایان امریکایی خود را مبلغان انجیل معرفی کردند و با استفادهٔ گسترده از وسایل ارتباط جمعی توانستند در جامعهٔ امریکا نفوذ فراوانی به دست آورند و اکنون این جریان، قدرتمندترین و فعال‌ترین تشکیلات دینی در امریکا محسوب می‌شوند و در مراکز سیاسی این کشور، نفوذ فراوانی دارند. یکی از ویژگی‌های این جریان این است که تنها وابسته به یکی از فرقه‌ها یا ←

واکنش کلیسای کاتولیک به کلیسای پروتستان

نهضت اصلاح دینی، کاتولیک‌ها را به واکنش واداشت. برخی آن را تأیید کردند و گروهی در برابر آن به مقابله برخاستند. در این جا به برخی از اقدامات مهمی که در مقابل این نهضت صورت گرفت، اشاره می‌کنیم:

احیای دادگاه‌های تفتیش عقاید:

یکی از اقداماتی که در برابر نهضت اصلاح دینی پروتستان‌ها صورت گرفت، تشکیل مجدد محاکم تفتیش عقاید در اروپا بود. مشاوران پاپ پل سوم در (۱۵۴۳ م) وی را وادار کردند تا این محاکم را دوباره برقرار کند.

مبارزه با پروتستان‌ها و دفاع از عقاید کاتولیکی در قالب ایجاد انجمن‌ها و گروه‌های عقیدتی یکی از آن‌ها، انجمن عیسی (رهبانیت ژزوئیت‌ها) بود که «ایگناتیوس لویولا» (۱۴۹۱ ـ ۱۵۵۶ م) آن را بنیان نهاد. اعضای این انجمن در مشاغل عمدهٔ سیاسی وارد شدند و در جنوب آلمان در مبارزه با لوتری‌ها در قتل عام پروتستان‌ها شرکت جستند.

آموزه‌های کلیسای پروتستان

ویژگی‌های این کلیسا رویارویی با کلیسای کاتولیک و مقابله با سلطهٔ کلیسای رم بود. لوتر اعتراض‌نامه‌ای مشتمل بر ۹۵ اصل نوشت. برخی از نکاتی که در این کلیسا تأکید شده است، عبارت‌اند از:

ـ نجات تنها از طریق ایمان حاصل می‌شود؛

ـ مغفرت‌نامه‌های صادر شده از جانب کلیسای رم، باطل است؛

ـ تفسیر کتاب مقدس برای غیر از پاپ هم ممکن است؛

کلیسای پروتستان نیست؛ بلکه اعضای تمامی فرقه‌های کلیسای پروتستان عضو این جریان دینی‌اند. مسیحی کردن سایر اقوام غیر مسیحی و تبلیغات گسترده، از دیگر اهداف این جریان است. دولت‌های پروتستانی در شمال اروپا و دولت ایالات متحدهٔ امریکا از مبلغان انجیل برای مسیحی‌کردن غیر مسیحیان در سراسر جهان از نظر مالی، فرهنگی و سیاسی حمایت می‌کنند. کشیشان معروف امریکایی، مانند «بیلی گراهام» و نیز اسقف اعظم کلیسای انگلستان «جورج کاری» از مبلغان و وابستگان به این جریان هستند که شهرت جهانی دارند؛ به ویژه در کشورهای ایالات متحدهٔ امریکا و انگلستان از نفوذ عمیقی در بین دولت مردان این دو کشور برخوردارند. اصول و مبانی جریان مبلغان انجیل در ایالات متحدهٔ امریکا و انگلستان، حمایت همه‌جانبهٔ عقیدتی و سیاسی از صهیونیسم است و آن‌ها اعتقاد دارند که پیروان کلیسای پروتستان برای ظهور دوبارهٔ مسیح، باید چند خواستهٔ مسیح را، که در تفاسیر انجیل در قرن بیستم به عنوان پیشگویی‌های انجیل بیان شده است، عملی کنند. این جریان نوظهور در پروتستانیسم با عنوان: صهیونیسم مسیحی (Zionism Christian) شهرت دارد. در این زمینه در اواخر قرن نوزدهم، مطابق افکار جدید «جان داربی انگلیسی»، یک مفسر معروف انجیل از امریکا به نام «سایرس اسکوفیلد» تفسیر انجیل را تحریر کرد (تفسیر وی امروزه از معتبرترین تفاسیر انجیل برای پروتستان‌های سراسر جهان محسوب می‌شود و بهترین مرجع برای انجیل شناخته شده است. اکنون تفسیر یاد شده با عنوان انجیل مرجع اسکوفیلد (Bible Scofield Reference) شهرت یافته است).

پیروان این مکتب نوظهور، خود را از مبلغان انجیل (Evanqelist) نیز می‌دانند و معتقدند پیروان این مکتب، مسیحیان دوباره تولد یافته‌اند که فقط اینان اهل نجات خواهند بود و دیگران هلاک خواهند شد. از ویژگی‌های ممتاز پیروان این مکتب، اعتقاد راسخ و تعصب خاص به صهیونیسم است و تعصب این مسیحیان به صهیونیسم، بیش از صهیونیست‌های یهودی مقیم اسرائیل و امریکا است. بر اساس اعتقادات این مکتب نوظهور به وسیلهٔ پروتستان‌ها، حوادثی باید به وقوع بپیوندد تا مسیح (علیه السلام) دوباره ظهور کند. (برای مطالعهٔ بیش‌تر به دانش‌نامهٔ ادیان سایت دانشگاه ادیان و مذاهب، مقالهٔ صهیونیسم مسیحی و جهان اسلام، نوشتهٔ محمد علی منصوریان مراجعه نمایید.)

ـ پاپ فقط می‌تواند مجازات‌هایی را که خود مقرر کرده است، ببخشد.

کلیسای لوتری از میان هفت شعار، تنها تعمید و عَشای ربانی را به رسمیت می‌شناسد. آنان بر این باورند که شخص با تعمید، خود را وقف خدمت به خداوند می‌کند. عشای ربانی کلیسای لوتری بر اساس عشای ربانی کاتولیک رم با تغییراتی اندک صورت می‌گیرد.

برخی از کلیساهای پروتستان مانند «کویکِرها» و «سپاه نجات» هیچ یک از شعائر هفت‌گانه را نمی‌پذیرند. پروتستان‌ها عقیده دارند آداب و رسومی وجود دارد که از سوی مسیح وضع نشده است، اما ارزش و اهمیت و سبب برکت می‌شود. سرودخوانی در کلیسا، نواختن ارگ، خواندن نامه‌های پولس و ... از جملهٔ آن‌ها است. از کلیسای پروتستان به «کلیسای پولس» نیز نام برده می‌شود.

بسیاری از پروتستان‌ها روحانی یا درجات بالای روحانی ندارند، یا این‌که به روحانی عناوین کشیش و مانند آن نمی‌دهند و وی را «شبان»[۱۶۷] می‌نامند. در مراسم مذهبی فرقه‌هایی که روحانی ندارند، برخی مؤمنان از تجربه‌های دینی خود سخن می‌گویند و همه دعا می‌خوانند.

هر سه کلیسای عمدهٔ مسیحی به عقایدی مانند: «تثلیث، فدا و تصلیب» معتقدند.

چکیده

واژهٔ ارتدکس به معنای «راست‌کیش» است؛ ارتدکس‌ها مدعی‌اند ایمان اصیل مسیحی را از زمان رسولان تا کنون به دقت حفظ کرده‌اند.

با تأسیس قسطنطنیه (رم جدید) در سال ۳۳۰ که عنوان پایتخت امپراتوری شرق را به خود گرفت، رقابت میان شرق یونانی و غرب رومی آغاز شد. رقابت سیاسی میان آن دو به مرور زمان به رقابت دینی تبدیل شد و سرانجام در سال (۱۰۵۴ م) جدایی کلیسای ارتدکس و کاتولیک را به دنبال داشت.

کاتولیک‌ها با ارتودکس‌ها تفاوت چندانی ندارند، مهم‌ترین اختلافات آنان مربوط به رهبری، حق نظارت و فیلیُکوِ است.

شانزده کلیسای ارتدکس عبارت‌اند از: پاتریارک‌نشینِ اسکندریه، انطاکیه، قسطنطنیه، اورشلیم، و پاتریارک‌نشین‌های جدید روسیه، صربستان، رومانی، بلغارستان، گرجستان، کلیساهای ارتدکس قبرس، یونان، جمهوری چک، جمهوری اسلواکی، لهستان، آلبانی و امریکا.

«پروتستانتیسم» یک نهضت اصلاحی است. «پروتستان» به معنی«معترض» است. و اصلاح‌طلبان خودشان را «انجیلی»، به معنای پیروان انجیل، نامیده اند.

مصلحان متعددی همچون «جان ویکلیف و جان هوس» ضعف معنویات و فساد مالی کلیسا را تقبیح کردند و خواستار تغییرات اساسی در کلیسا شدند. در قرن شانزدهم کسانی مانند: «مارتین لوتر، هالدریخ زوینگلی و جان کالوَن» از برجسته‌ترین مصلحانی بودند که در استقرار آیین پروتستان سهیم بوده‌اند.

احیای دادگاه‌های تفتیش عقاید و ایجاد انجمن‌ها و گروه‌های عقیدتی مانند انجمن عیسی (رهبانیت ژزوئیت‌ها)، از جمله واکنش‌های کلیسای کاتولیک به کلیسای پروتستان است.

برخی از نکاتی که پروتستان‌ها بر آن تأکید می‌کنند عبارت‌اند از:

ـ نجات تنها از طریق ایمان حاصل می‌شود؛

---

167. Pastor.

ـ مغفرت‌نامه‌های صادرشده از جانب کلیسای رم، باطل است؛
ـ تفسیر کتاب مقدس برای غیر از پاپ هم ممکن است.

فهرست کتاب‌های پیشنهادی برای مطالعه

۱. *اپوکریفای عهد عتیق*، مترجمان عباس رسول زاده و جواد باغبانی.
۲. *ادیان آسیایی* بهار، مهرداد، تهران، انتشارات چشمه.
۳. *ادیان زندهٔ جهان*، رابرت ای، هیوم، ترجمهٔ عبد الرحیم گواهی، تهران، دفتر نشر فرهنگ اسلامی.
٤. *ادیان و مکتب‌های فلسفی هند*، داریوش، شایگان، تهران، انتشارات مرکز ایرانی مطالعهٔ فرهنگ‌ها.
۵. *اسطورهٔ قربانی*، مصطفوی، علی اصغر.
٦. *آشنایی با ادیان بزرگ*. توفیقی، حسین، تهران، سازمان مطالعه و تدوین کتب علوم انسانی دانشگاه‌ها (سمت).
۷. *افسانه‌های بت‌پرستی در آیین کلیسا*، تنیر، محمد طاهر، ترجمهٔ عبدالرحیم خلخالی، دار الکتب الاسلامیه.
۸. *انتظار مسیحا در آیین یهود*، گرینسون، جولیوس، ترجمهٔ حسین توفیقی، قم، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۹. *آیین گنوسی و مانوی*، میرچا، الیاده، ترجمهٔ ابوالقاسم اسماعیل پور، تهران، انتشارات فکر روز.
۱۰. *بخشی از نبوت اسرائیلی و مسیحی*، رامیار، محمود.
۱۱. *پارسایان اهل کتابند*، رضوی، طاهر، *پارسایان اهل کتابند*، ترجمهٔ م. ع. مازندی، نشردنیای کتاب.
۱۲. *پسر خدا در عهدین و قرآن*. سلیمانی. عبدالرحیم، قم، مؤسسهٔ آموزشی و پژوهشی امام خمینی (رحمة الله).
۱۳. *تاریخ ادیان*، حکمت، علی اصغر، تهران، انتشارات ابن سینا.
١٤. *تاریخ اصلاحات کلیسا*، جان، الدر، تهران، انتشارات نور جهان.
۱۵. *تاریخ تمدن*، دورانت، ویل، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
١٦. *تاریخ جامع ادیان*، جان بی. ناس، ترجمهٔ علی اصغر حکمت، تهران، انتشارات و آموزش انقلاب اسلامی.
۱۷. *تاریخ کلیسای قدیم*، میلر، ویلیام، ترجمهٔ علی نخستین، تهران: انتشارات حیات ابدی.
۱۸. *ترجمهٔ تفسیری کتاب مقدس*، انگلستان، ۱۹۹۵ م.
۱۹. *جهان مسیحیت*، مولند، اینار، ترجمهٔ محمد باقر انصاری و مسیح مهاجری، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۰. در *قلمرو وجدان*، زرین کوب، عبدالحسین، تهران، انتشارات امیرکبیر.
۲۱. *قاموس کتاب مقدس*، هاکس امریکایی، تهران، انتشارات اساطیر.
۲۲. کتاب مقدس، لندن ١٩٠٤.
۲۳. *کشف الآیات* یا *آیه‌یاب کتاب مقدس*، ساروخاچیکی.
٢٤. *کلام مسیحی*، میشل، توماس، ترجمهٔ حسین توفیقی. قم: مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.
۲۵. *گنجینه‌ای از تَلمود*، اِی کُهِن، تهران.
٢٦. *الهدی الی دین المصطفی* بلاغی، محمد جواد.
۲۷. *الهیات مسیحی*، تیسن، هنری، ترجمهٔ ط. میکائیلیان.
۲۸. *هفت آسمان* (فصل‌نامهٔ تخصصی ادیان و مذاهب)، مرکز مطالعات و تحقیقات ادیان و مذاهب.